پرسمان نماز

پاسخ به پرسش‌های نماز

محسن محمدی



بسم الله الرحمن الرحیم

پرسمان نماز : پاسخ به پرسشهای نماز

نویسنده:

محسن محمدی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرسمان نماز : پاسخ به پرسشهای نماز

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی، محسن، ۱۳۵۸ -[استاد]

عنوان و نام پدیدآور : پرسمان نماز : پاسخ به پرسشهای نماز/محسن محمدی.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۱۴۷-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : نماز -- پرسش ها و پاسخ ها

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۱۴۷/۷۴/م۳۳پ۴ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۸۲۷۴۶

ص: ۱

دیباچه

دیباچه

انسان فطرتاً عبادت گر است. خداوند پرستش و عبادت را در خمیرمایه او قرار داده است تا در جریان پرتلاطم زندگی، دستگیره نجاتی داشته باشد و نماز، بهترین و عالی ترین تجلی این خواست فطری انسان هاست.

نماز، اوج عروج انسان خاکی به سوی معبود بی انتهاست. نماز، سکوی پرتاب ذره ای ناچیز به سوی هستی واقعی است. نماز، امانتی الهی از سوی ربّ بی همتاست برای انسان هایی که خواستار قُرب دوست هستند. نماز، یادگار پیامبران و اولیای الهی از آدم تا خاتم اوصیاء صلوات الله علیهم اجمعین است.

با این همه گاهی سیاهی های شبهات جلوی تجلی فطرت و جذبه نماز را می گیرد و آدمی را از این نعمت محروم می سازد. پاسخ

به این شبهات در کنار زدودن زمینه های محیطی آسیب های نماز می تواند در ترویج نماز در بین اقشار جامعه به خصوص جوانان تأثیرگذار باشد. رسانه ملی نیز که رسالت فرهنگ سازی دینی در جامعه را به عهده دارد، می تواند این آسیب ها و شبهات را محور برنامه های خود قرار دهد و با روش های هنری و دراماتیک به رفع آنها بپردازد و نقش بسزایی در ترویج فرهنگ نماز داشته باشد.

ص: ۲

در پایان، از پژوهشگر ارجمند، جناب حجت الاسلام محسن محمدی که تلاش فراوانی در خلق این اثر داشتند، صمیمانه تشکر می کنیم و امید داریم برنامه سازان استفاده فراوانی از این مجموعه داشته باشند و ما را از انتقادها و پیشنهادهای خود بهره مند سازند.

و من الله التوفیق

اداره کل پژوهش

ص: ۳

پیش گفتار

پیش گفتار

نماز، ستون و مهم ترین رکن عبادی دین است که با تمام معارف دین ارتباط دارد. جایگاه ویژه نماز در برنامه عبادی مؤمنان بر کسی پوشیده نیست. آنان پنج بار در طول شبانه روز نماز می خوانند و با سرمنشأ هستی سخن می گویند. بی شک، عبادتی چنین گسترده و پیوسته پرسش های فراوانی را در ذهن نمازگزاران ایجاد می کند. آنان می خواهند از واقعیت نماز به درستی آگاه شوند و از ظرفیت های بی نظیر آن در مسیر خودسازی بهره ببرند. بنابراین، پاسخ گویی به این گونه پرسش ها با توجه به روح کمال طلب و پرسش گر انسان، ضروری به نظر می رسد.

دین اسلام نیز از پیروان خود می خواهد در اصول دین و عقاید هرگز بدون دلیل و برهان، سخنی را نپذیرند. نماز از اصول دین نیست و اعمال آن را باید با تقلید از سنّت معصومان انجام داد، ولی پاسخگویی به مخاطبان، در ترویج و تعمیق فرهنگ نماز نقش مهمی دارد.

در این کتاب، جنبه های گوناگون معرفتی، فقهی، کلامی، تاریخی و عرفانی نماز مطرح و پرسش هایی در هر موضوع در سطح عموم بررسی شده است.

ص: ۴

ص: ۵

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

پرسش اول: واژه «نماز» در فارسی به چه معناست؟ چرا در عربی آن را «صلاه» معنا می کنند؟

پرسش دوم: کلمه صلاه به چه معناست؟ آیا پیش از اسلام نیز این واژه را به کار می بردند؟

پرسش سوم: نخستین نمازگزار، چه کسی بود؟

پرسش چهارم: آیا نماز تنها در دین اسلام سفارش شده یا در دیگر دین ها نیز نماز وجود داشته است؟

پرسش اول: واژه «نماز» در فارسی به چه معناست؟ چرا در عربی آن را «صلاه» معنا می کنند؟

پرسش اول: واژه «نماز» در فارسی به چه معناست؟ چرا در عربی آن را «صلاه» معنا می کنند؟

واژه فارسی نماز، از واژه پهلوی «نِماک» گرفته شده است. نماک نیز از ریشه باستانی «نِم» به معنای خم شدن و کرنش است. اندک اندک در میان مسلمانان واژه هایی همچون صلات و عبادت، جای آن را گرفتند.(۱)

بر اساس برخی اسناد تاریخی، گروهی از ایرانیان تازه مسلمان در سال های حکومت اعراب بر ایران، به جای واژه «صلاه» از کلمه «نِماک» (به کسر نون) استفاده می کردند. آنان هنگام فراخواندن مردم به سوی نماز، به جای «الصلاه»، واژه «النِّمَاک» و به جای «حی علی الصلاه» عبارت «بشتابید به سوی نِماک» را به کار می بردند.(۲)

فرهنگ عمید، نماز را چنین معنا کرده است: «پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت، خم شدن برای اظهار بندگی و اطاعت و یکی از فرایض دین، عبادت مخصوص و واجب مسلمانان که پنج بار در شبانه روز به جا می آورند».(۳)

۱- حسن راشدی، نمازشناسی، ج ۱، ص ۶۵، برگرفته از: محمد خزایلی، احکام قرآن، ص ۳۳۸.
۲- حسن راشدی، نمازشناسی، ج ۱، ص ۶۵، برگرفته از: محمد خزایلی، احکام قرآن، ص ۳۳۸.
۳- فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۹۱۹، برای مطالعه بیشتر درباره نماز نک: محسن محمدی، از نمازگزاری تا انس با نماز، صص ۲۳ ـ ۲۸.

ص: ۶

پرسش دوم: کلمه صلاه به چه معناست؟ آیا پیش از اسلام نیز این واژه را به کار می بردند؟

پرسش دوم: کلمه صلاه به چه معناست؟ آیا پیش از اسلام نیز این واژه را به کار می بردند؟

باید گفت ریشه های عبری، آرامی و سریانی نیز برای کلمه صلاه دیده شده است. پیش از ظهور اسلام، این واژه را پرستش گاه و نیایش معنا می کردند.(۱) در اینجا به چند وجه تسمیه صلاه اشاره می کنیم:

۱. شاید نماز را به سبب دعاهایی که در آن وجود دارد، «صلاه» نامیده اند،(۲) همان گونه که در لغت نیز «صلاه» را دعا معنا کرده اند.

۲. همچنین «صلاه» در لغت به معنای برکت از سوی خدا نیز آمده است و به دلیل آنکه نماز رحمتی از سوی پروردگار است، «صلاه» نامیده می شود.(۳)

۳. نماز را از آن رو «صلاه» گفته اند که به معنای بزرگداشت نیز آ مده است.

۴. همچنین نماز را صلاه نامیده اند؛ چون که پیوند میان بنده و پروردگار است.(۴)

«صلاه» در قرآن افزون بر معنای عبادت ویژه به معناهای دیگری نیز به کار رفته است که می توان به این موارد اشاره کرد: دعا،(۵) درود،(۶) آمرزش،(۷) وسیله دعای خیر و آمرزش خواهی،(۸) دین،(۹) و قرآن خواندن در نماز.(۱۰)

پرسش سوم: نخستین نمازگزار، چه کسی بود؟

پرسش سوم: نخستین نمازگزار، چه کسی بود؟

نماز از زمان حضرت آدم علیه السلام واجب شده است، ولی چگونگی به جا آوردن آن را نمی دانیم. بنابراین، در نگاه اول باید گفت نخستین نمازگزار، حضرت

۱- نمازشناسی، ج ۱، ص ۷۳.

۲- فرید نهاوندی، رموز نماز، ص ۲۰۷.

۳- فرید نهاوندی، رموز نماز، ص ۲۰۷.

۴- لسان العرب،

۵- نک: احزاب: ۳۲؛ توبه: ۱۰۱.

۶- نک: بقره: ۱۵۷.

۷- نک: همان.

۸- نک: توبه: ۹۷.

۹- نک: هود: ۸۷.

۱۰- نک: بنی اسرائیل: ۱۱۰.

ص: ۷

آدم علیه السلام بوده است. از همان روزی که پروردگار، پیامبرانی را برای هدایت انسان و نجات او در دنیا و آخرت برانگیخت، به برپا داشتن نماز فرمان داد و آن را بهترین تکلیف برای بندگان برشمرد. از آیه های قرآنی و روایت ها چنین برمی آید که همه پیامبران، این عبادت بزرگ را به جای می آوردند و مردم را به آن سفارش می کردند، چنان که حضرت امام صادق علیه السلام دراین باره می فرماید: «اَحَبُّ الْاَعْمالَ الیّ الصلاه وَ هِیَ آخِرُ وَصایَا الْاَنْبِیاءِ؛ محبوب ترین کارها نزد خدا نماز است و نماز آخرین وصیت و سفارش پیامبران بوده است».(۱)

سرخسی، در کتاب المبسوط خود می گوید:

شنیدم از استادم شمس الائمه الحلوانی که در تأویل قول خداوند «اقم الصلاه لذکری» (طه: ۱۴) می گفت: «به خاطر اینکه من آن را در هر کتاب آسمانی منزل (فرو فرستاده شده) و بر هر پیامبر مرسل (فرستاده شده) یادآوری کردم».(۲)

در صُحُف حضرت ادریس علیه السلام چنین آ مده که در نخستین روز اقامت حضرت آدم و حضرت حوا بر زمین، خداوند پنج رکعت نماز عصر، مغرب و عشا را بر حضرت آ دم واجب کرد.(۳) هنگامی که حضرت آدم از دنیا رفت، حضرت شیث او را غسل داد و بر او نماز خواند.(۴)

پرسش چهارم: آیا نماز تنها در دین اسلام سفارش شده یا در دیگر دین ها نیز نماز وجود داشته است؟

اشاره

پرسش چهارم: آیا نماز تنها در دین اسلام سفارش شده یا در دیگر دین ها نیز نماز وجود داشته است؟

از همان آغاز داستانِ عبادت، نماز کامل ترین ابزار سعادت بشر شناخته شد و در تمام ادیان، پیامبران الهی آن را سفارش می کرده اند. با آنکه در هر یک از دین ها، نماز به شکل ها و در زمان ها و مکان های گوناگون بر پا می شده است، در نفس نمازگزاردن، همه دین ها مشترک بوده اند.

۱- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۰. «الف» و «لام» در الانبیاء مفید عموم است.
۲- شمس الدین محمد سرخسی، المبسوط، ج ۲، ص ۴.
۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۹۶.
۴- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۶۳.

ص: ۸

نماز در دین های وحیانی

اشاره

نماز در دین های وحیانی

زیر فصل ها

نمازگزاری در آیین زرتشت

نمازگزاری در آیین یهود

نمازگزاری در آیین مسیحیت

نماز در دیگر دین های الهی

نمازگزاری در آیین زرتشت

نمازگزاری در آیین زرتشت

نماز، یکی از ارکان مهم آیین زرتشت است. زرتشتیان در راه دین داری و رسیدن به کمال، به برپایی نماز امر شده اند. نماز زرتشتیان، بسیار شبیه نماز مسلمانان بوده است که در پنج نوبت باید همراه با دعاهای ویژه ادا می شد. همچنین، مقدماتی را نیز مانند نظافت و طهارت رعایت می کنند که بی شباهت به آموزه های اسلامی نیست. برای مثال، در احکام دین زرتشت آمده است که در صورت نبودن آب، به جای وضو باید تیمم کرد.(۱)

در بخش های گوناگون اوستا، پیروان زرتشت به برپا داشتن نماز تشویق شده اند.(۲) البته نه نمازی که بدون روح و انس قلبی باشد.(۳)

نمازگزاری در آیین یهود

نمازگزاری در آیین یهود

خداوند خطاب به موسی علیه السلام می فرماید: «إِنَّنِی أَنَا اللّه ُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِی وَأَقِمِ الصَّلَاهَ لِذِکْرِی؛ همانا من اللّه هستم و معبودی جز من نیست. پس مرا عبادت کن و نماز را برای یاد من به پا دار». (طه: ۱۴)

حضرت موسی علیه السلام برای تداوم رسالت الهی خود با برادرش، هارون علیه السلام به برپایی نماز امر می شود.(۴)

برپا داشتن نماز یکی از ارکان و مواد پیمانی است که خداوند با بنی اسرائیل بسته است.(۵)

۱- کیخسرو شاهروج، آیینه، آیین مزدیسنی، ص ۴۱؛ مری بویس، «دیانت زرتشتی»، ص ۱۵۵؛ جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، ص ۴۸۱.

۲- سرود یکم اوستا یسنه هات ۲۸ آیه اول (اوستا، ۱، ۷)؛ هات ۵۴ آیه اول (اوستا، ۱، ۲۱۵)؛ هات ۶۸ آیه ۲۲ و ۲۴ (اوستا، ۱، ۲۵۶)؛ دفتر سوم. یَشتْها، مهریَشْت کرده هشتم آیه ۳۱ (اوستا، ۱، ۳۶۰)؛ قسمت پنج نیایش (اوستا، ۲، ۵۵۹ و ۵۹۰).

۳- آیینه، آیین مزدیسنی، ص ۴۵.

۴- نک: یونس: ۸۷.

۵- نک: بقره: ۷۷.

ص: ۹

پاک بودن بـدن و لباس، طهارت (غسل یا وضو) و قبله (رو به بیت المقـدس) از شـرایط نماز یهودیان است.(۱) در آیین یهود مانند اسلام، نماز به صورت جماعت هم برپا می شود.(۲)

در کتاب مقـدس یهود درباره اصل وجوب(۳) اهمیت نمـاز و دعا،(۴) چگونگی برپایی نماز،(۵) مکان(۶) و زمان نماز(۷) مطالبی بیان شده است.

نمازگزاری در آیین مسیحیت

نمازگزاری در آیین مسیحیت

در شریعت عیسی علیه السلام ، برپایی نماز از واجبات مهمی است که خداوند، در همان آغاز تولد به او سفارش کرد:

قَالَ إِنِّی عَبْدُ اللّه ِ آتَانِی الْکِتَابَ وَجَعَلَنِی نَبِیّا وَجَعَلَنِی مُبَارَکاً أَیْنَ مَا کُنتُ وَأَوْصَانِی بِالصَّلَاهِ وَالزَّکَاهِ مَادُمْتُ حَیّا. (مریم: ۳۰ و ۳۱)

من بنده خدا هستم. خداوند به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است. مرا مایه برکت قرار داد، هر کجا که باشـیم و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرد.

قاموس کتاب مقدس، نماز را در مسیحیت چنین معنا می کند: «مقصود از نماز، گفت و گو کردن و صحبت داشتن با خدا، خواستن احتیاجات و اظهار تشکر و امتنان برای الطاف و مراحم حق تعالی است».(۸)

مسیحیان در روز یک شنبه، نماز ویژه همان روز را دارند.(۹) از نظر آنها، نمازی ارزشمند است که با حضور قلب و انس باشد.(۱۰)

۱- عبدالعظیم رضایی، اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، ص ۳۸۸.

۲- کهن راب، گنجینه تلمود، ص ۱۰۳؛ کتاب اشعیاء نبی، باب ۵، آیه ۲؛ کتاب مقدس (عهد عتیق) ۱۰۷؛ کتاب ارمیاء نبی، باب ۱۲، آیه ۴؛ کتاب مقدس، (عهد عتیق)، ۱۱۱۴.

۳- کتاب مقدس (عهد عتیق)، ش ۳۸۳؛ سفر تکوین، باب ۶، آیه ۱۳.

۴- گنجینه تلمود، ص ۱۱، به نقل از: براخوت، باب ۳۲.

۵- کتاب اشعیاء، فصل ۴۵، آیه ۲۴؛ اقامه الشهود فی رد الیهود (منقول رضایی)، ص ۱۵۸.

۶- کتاب ارمیاء نبی، باب ۱۲ آیه ۴؛ کتاب مقدس (عهد عتیق)، ۱۰۷؛ کتاب اشعیاء نبی، باب ۵۰، آیه۲.

۷- کتاب مقدس (عهد عتیق)، ۸۷۱؛ کتاب مزامیر، باب ۵۵، آیه ۱۸؛ اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، ص ۳۸۸.

۸- جیمز هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۸۸۷ .

۹- محمدصادق فخرالاسلام، انیس الاعلام، ج ۳، ص ۳۲۰.

۱۰- قاموس کتاب مقدس، صص ۳۸۴ و ۳۸۵.

ص: ۱۰

نماز در آیین مسیحیت نیز یک فریضه است؛ هر چند اختلاف ها و حتی تناقض هایی در کتاب مقدس دیده می شود. برای مثال، در بخشی از کتاب مقدس اصرار و تکرار در استجابت موثر است،(۱) ولی در قسمتی دیگر، از آن نهی شده و نماز و دعای کوتاه و بدون تکرار را تأیید می کند.(۲)

نماز در دیگر دین های الهی

نماز در دیگر دین های الهی

دیگر پیامبران الهی نیز با تبیین احکام ویژه ای، نماز را برپا داشته اند. برخی از این پیامبران، به نام های آدم،(۳) نوح،(۴) ادریس،(۵) ابراهیم،(۶) اسماعیل،(۷) اسحاق،(۸) یعقوب،(۹) داوود،(۱۰) سلیمان،(۱۱) یونس،(۱۲) شعیب،(۱۳) زکریا،(۱۴) لقمان،(۱۵) لوط،(۱۶) ایوب،(۱۷) خضر،(۱۸) ذوالکفل،(۱۹) صالح(۲۰) و شیث هستند.(۲۱)

۱- انجیل لوقا، باب ۱۸، ش ۱ ۸؛ کتاب مقدس (عهد جدید)، ص ۱۲۶؛ انجیل لوقا، باب ۱۱، ش۵۱۱ و ۳۹ و ۴۲ و ۴۴؛ کتاب مقدس (عهد جدید)، ۸۱ ، ۱۱۱ و ۱۱۲.

۲- انجیل متی، باب ۶، ش ۷ و ۸؛ من وحی المسیح، ص ۱۱۸؛ قاموس کتاب مقدس، ص ۳۸۴؛ کتاب مقدس (عهد جدید)، ۱۱۱.

۳- علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، صص ۳۷ و ۳۸؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۳، صص ۹ و ۱۰؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۶۰.

۴- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۱.

۵- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۰.

۶- نک: ابراهیم: ۳۷ و ۴۰.

۷- نک: مریم: ۵۴.

۸- نک: انبیاء: ۷۱ و ۷۲.

۹- نک: همان.

۱۰- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۶.

۱۱- بحارالانوار، ج ۱۴، ج ۹۸، ص ۹۲؛ رضی الدین علی بن محمد الطاووس، فلاح السائل، ص ۲۲؛ شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

۱۲- ابو علی طبرسی، مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۱۶۶؛ الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی)، ج۱۵، ص ۱۲۳.

۱۳- نک: هود: ۸۹؛ الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی)، ج ۹، ص ۸۷ ؛ محمدالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۳۰.

۱۴- نک: آل عمران: ۳۷.

۱۵- نک: لقمان: ۱۷.

۱۶- نک: انبیاء: ۷۳.

۱۷- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۵۸.

۱۸- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۳۰.
۱۹- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۴۰۷.
۲۰- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۸۳.
۲۱- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۶۳.

ص: ۱۱

نماز در دین های غیر وحیانی

نماز در دین های غیر وحیانی

چون خداجویی در انسان فطری است، بشر در طول تاریخ در پی پرستش و عبادت معبود مورد نظر خود بوده است. با کمی دقت درمی یابیم که مسئله نیایش، به ویژه نماز تنها به ادیان وحیانی محدود نمی شود، چنان که تبتیان آنگاه که در صومعه جشن می گیرند، نماز می خوانند(۱) و نیایش می کنند.(۲)

در تاریخ گفته شده است که کنفسیوس نماز به جای می آورد.(۳) ایرانیان باستان نیز در دوره پارت ها و ساسانیان، نمازی شبیه به نماز مسلمانان داشتند؛ حتی پیش از نماز، وضو می گرفتند. برخی در شبانه روز چهار نوبت نماز و برخی سه نوبت نماز می خواندند.(۴) یونانیان باستان با خواندن نماز از خشم خدایان در امان می ماندند و یاری آنها را جلب می کردند.(۵) حتی عرب های بت پرست شبه جزیره عربستان، پیش از ظهور اسلام، در حریم کعبه نماز می خواندند. قرآن، نماز آنها را این گونه توصیف می کند: «وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً؛ نماز آنها در کنار خانه خدا چیزی جز سوت کشیدن و کف زدن نبود». (انفال: ۳۵)

۱- تاریخ جامع ادیان، صص ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۷۰.

۲- تاریخ جامع ادیان، ص ۴۲۷.

۳- احمد شهرستانی، ملل و نحل، ص ۲۱؛ تاریخ جامع ادیان، ص ۳۸۸.

۴- اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، صص ۴۵۱ و ۴۵۳ و۲۶۳؛ ابوریحان بیرونی خوارزمی، آثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۲۰۶؛ ملل و نحل، ج ۲، ص ۵۷.

۵- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۲۲۸.

ص: ۱۲

فصل دوم: اهمیت و جایگاه نماز

اشاره

فصل دوم: اهمیت و جایگاه نماز

زیر فصل ها

قیامت می گذرد، پس چرا اعمال نیک تارک الصلاه، پذیرفته شده نیست؟

پرسش نوزدهم: همان گونه که می دانیم تا نماز پذیرفته نشود، دیگر اعمال پذیرفته نمی شود. با توجه به اینکه شرایط سختی برای پذیرفته شدن نماز قرار داده شده است، عبادت ها و کارها پذیرفته خواهد شد؟

پرسش بیستم: مسئله وجوب اقامه نماز چگونه با مفاد آیه «لَا إِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» سازگار است؟

پرسش بیست و یکم: در احادیث، سفارش شده که از تارک نماز دوری و از سوی دیگر با مردم با روی گشاده برخورد کنیم. این دو مطلب چگونه توجیه پذیر است؟

پرسش بیست و دوم: خواندن نماز در اول وقت، چه اهمیتی دارد؟

پرسش بیست و سوم: اگر نماز غیبت کننده یا شراب خوار تا چهل روز پذیرفته نشود، پس خواندن آن چه اثری دارد؟

پرسش بیست و چهارم: نظر اندیشمندان غیر مسلمان درباره نماز چیست؟

پرسش پنجم: نماز در قرآن از چه اهمیتی برخوردار است؟

اشاره

پرسش پنجم: نماز در قرآن از چه اهمیتی برخوردار است؟

واژه «الصّلاه» در قرآن، ۷۸ بار تکرار شده است. بخشی از این آیه ها درباره اهمیت و جایگاه نماز و بخشی دیگر درباره اسرار و آثار نماز است. آیه ای نیز درباره آداب و شرایط نماز و همچنین ترک نماز در قرآن به چشم می خورد. قرآن، نماز را جزو برنامه های حکومت اسلامی(۱) قرار داده است و در جای دیگر نیز نماز را از اوصاف مؤمنان، متقین و محسنین می داند.(۲)

پی آمدهای نماز

پی آمدهای نماز

نماز ازآن رو بازدارنده از بدی است(۳) و گناهان را محو می کند(۴) که رستگاری(۵) و یاد خدا را به همراه دارد.(۶) قرآن، سجده را راه نزدیک شدن به خدا می داند(۷) و به انسان سفارش می کند با نماز، از خداوند یاری بخواهد؛(۸) کاری که جز

۱- نک: حج: ۴۱.

۲- نک: بقره: ۳؛ توبه: ۷۱؛ نمل: ۲ و ۳؛ لقمان: ۲ - ۴.

۳- نک: عنکبوت: ۴۵.

۴- نک: هود: ۱۱۴.

۵- نک: اعلی: ۱۴ و ۱۵.

۶- نک: طه: ۱۴.

۷- نک: علق: ۱۹.

۸- نک: بقره: ۱۵۲.

ص: ۱۳

برای فروتنان دشوار به نظر می رسد.(۱) قرآن، مؤمنان را کسانی توصیف می کند که در نمازشان خاشعند(۲) و یاد خدا را مایه آرامش دل ها(۳) و موجب رستگاری می دانند.(۴) همچنین، انسان را در همه حال به یاد خدا فرامی خواند(۵) و کسانی را که از نماز روی می گردانند، به زندگیِ دشوار نوید می دهد.(۶)

آداب نماز

آداب نماز

خداوند در قرآن می فرماید: «صدای نمازگزار هنگام نماز باید متعادل باشد.» (اسراء: ۱۱۰) «نماز، رو به قبله اقامه شود.» (بقره: ۱۴۶) همچنین کیفیت وضو، غسل و تیمم را بیان می کند(۷) و می فرماید: «هنگامی که نماز را به پایان می رسانید، خداوند را یاد کنید.» (نساء: ۱۰۳) قرآن به زمان خواندن نماز نیز اشاره می کند(۸) و نماز را در حالت مستی، حرام(۹) و ادای نماز از روی بی میلی را از نشانه های منافقان می داند.(۱۰)

پی آمدهای ترک نماز و سهل انگاری در برپایی نماز

پی آمدهای ترک نماز و سهل انگاری در برپایی نماز

قرآن سهل انگاران در نماز(۱۱) و ضایع کنندگان آن را توبیخ می کند.(۱۲) از نظر قرآن، یکی از علت های سقوط در جهنم، ترک نماز است. (۱۳) کسانی که از یاد خدا غافل می شوند، هم نشین شیطان هستند.(۱۴)

۱- نک: همان، ۴۵.

۲- نک: مؤمنون: ۱ و ۲.

۳- نک: رعد: ۲۸.

۴- نک: انفال: ۴۵.

۵- نک: اعراف: ۲۰۵؛ آل عمران: ۱۹۱.

۶- نک: طه: ۱۲۴.

۷- نک: مائده: ۶.

۸- نک: اسراء: ۷۸؛ طه: ۱۳۰.

۹- نک: نساء: ۴۳.

۱۰- نک: همان، ۱۴۲.

۱۱- نک: ماعون: ۴ و ۵.

۱۲- نک: مریم: ۵۹.

۱۳- نک: مدثر: ۴۰ تا ۴۳.

۱۴- نک: زخرف: ۳۶.

ص: ۱۴

مسجد

مسجد

اختصاص دادن مکانی برای برپایی نماز، یکی دیگر از نشانه های بزرگی و شکوه این فریضه است. این مکان بنا بر ماهیت عملی که در آن انجام می شود، مسجد یا سجده گاه نامیده می شود. ساختن مساجد به منظور برپایی نماز در آنها، یکی از عادت های مسلمانان در سراسر جهان اسلام بوده است. به تعبیر قرآن، آباد کردن مساجد، تجلی ایمان به خداوند و آخرت است.(۱) این تعبیر، از تکریم و تعظیم این وظیفه نزد خداوند متعال حکایت دارد.

پرسش ششم: نماز در روایات ائمه علیهم السلام چه جایگاهی دارد؟

اشاره

پرسش ششم: نماز در روایات ائمه علیهم السلام چه جایگاهی دارد؟

زیر فصل ها

اسرار نماز

نماز و گناه

نماز و شیطان

نماز در قیامت

ترک نماز

آداب و مستحبات نماز

نمازگزاری خردسالان و جوانان

اسرار نماز

اسرار نماز

نماز در پیشگاه خدا(۲) وسیله تقرب به او(۳) و رحمت الهی(۴) است و قلب(۵) و خانه(۶) را نورانی می کند. وقتی انسان نماز می خواند، هر آنچه در اطراف او هستند، به ذکر خدا مشغول می شوند.(۷) سجده، نزدیک ترین راه تقرب به

۱- «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّهِ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ». (توبه: ۱۸)

۲- قال الصادق علیه السلام : «وَاَعْلَم اِنّک بَيْنَ يَدَى مَنْ يَراك ولا تَراهُ؛ بدان تو در پیشگاه خداوندی هستی که تو را می بیند، ولی تو او را نمی بینی.» بحارالانوار، ج ۸۳ ، ص ۱۱؛ شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۵۷؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۸۵، کتاب الصلاه، باب ۲.

۳- قال علی علیه السلام : «الصلاةُ قربانُ كلِ تقیٍّ؛ نماز خواندن وسیله نزدیکی به خداست برای هر شخص پرهیزکار» محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۶۷؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۹.

۴- عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۶۱.

۵- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «صَلاةُ الرَّجل نورٌ فی قَلْبه فَمَنْ شاء مِنكم فَلْيُنَوِّر قلبَه؛ نماز هر کس نوری در دل اوست، پس هر کس نماز را اراده کرد، قلبش را نورانی کند.» متقی هندی، کنزالعمال، ج ۷، ص۱۸۹۷۳.

۶- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «نَوِّروا مَنازِلَكُم بِالصَّلاةِ؛ با نماز خانه هایتان را نورانی کنید.» کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۹۲، ح ۴۱۵۱۸.

۷- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۷؛ بحارالانوار، ج ۸۲ ، ص ۲۱۳.

ص: ۱۵

خداست.(۱) ازاین رو، در حدیث آمده است که سجده طولانی، انسان را از عذاب نجات می دهد.(۲) همان گونه که رکوع کامل، انسان را از وحشتِ قبر رها می کند.(۳) به این ترتیب هستند، می توان فهمید که چرا امتحان شیعه در مراقبت نماز محقق می شود.(۴)

خشوع از آداب انس، حضور قلب و زینت نماز است.(۵) انس با نماز، سبب بخشش گناه(۶) و پذیرفته شدن نماز می شود.(۷) امامان علیهم السلام نیز نمازی با انس و حضور قلب به جا می آوردند.(۸)

نماز و گناه

نماز و گناه

نماز سبب بخشش گناه(۹) و وسیله محو آن است.(۱۰) گناهان گذشته با به جا آوردن نماز بخشیده می شوند.(۱۱) باید گفت نماز، عامل بازدارنده از گناه است.(۱۲) برخی روایت ها، نماز (نماز جمعه) را کفاره گناهان تا ده روز بیان کرده اند.(۱۳) نماز، شست وشوی گناه،(۱۴) ریزش گناهان گذشته(۱۵) و سدّی در مقابل گناهان آینده است.(۱۶)

۱- قال الصادق علیه السلام : «اَقْرَبُ مَا یَکونُ الْعَبْدُ اِلَی اللّهِ وَ هُوَ ساجِدٌ؛ نزدیک ترین حالات بنده به خدا سجده است.» ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۶۰.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۷۵، ح ۳۳۵۳.

۳- علی مشکینی، مواعظ العددیه، ص ۲۴۳.

۴- عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ص ۵۲؛ بحارالانوار، ج ۸۰ ، ص ۲۳.

۵- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «اَلْخشُوعُ زِینهُ الصَّلاهِ؛ خشوع زیور نماز است.» بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۱.

۶- بحارالانوار، ج ۸۴ ، ص ۲۴۹.

۷- بحارالانوار، ج ۸۴ ، ص ۲۴۲.

۸- بحارالانوار، ج ۸۴ ، صص ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۳ و ۲۵۸؛ میزان الحکمه، ج ۵، صص ۳۸۱ و ۳۸۲.

۹- قال الصادق علیه السلام : «مَنْ صَلَّی رَکْعَتِینَ یَعْلَمُ مَا یَقولُ فِیهما اِنْصَرِفَ وَ لَیْسَ بَیْنَه وَ بَیْنَ اللّهِ ذَنبٌ اِلَّا غَفَره اللّهُ ؛ هر کس دو رکعت نماز با حضور قلب بخواند، خداوند همه گناهان او را می بخشد.» بحارالانوار، ج ۸۴ ، ص ۲۴۰؛ ج ۸۲ ، ص ۲۲۴؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص۱۸۳.

۱۰- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «وَ أنَا لَا اَشْبَعُ مِنَ الصَّلاهِ؛ من از نماز سیر نمی شوم.» بحارالانوار، ج ۸۲ ، ص۲۳۳؛ طوسی، امالی ، ج ۲، ص ۱۴۲.

۱۱- «إِنَّ الْحَسَنَاتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئَاتِ؛ خوبی ها (نماز) بدی ها (گناه) را از میان می برد.» (هود: ۱۱۴)؛ جامع احادیث شیعه، ج ۴، ص ۱۰؛ بحارالانوار، ج ۸۲ ، ص ۲۳۲.

۱۲- «إِنَّ الصَّلَاهَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاء وَالْمُنکَرِ؛ نماز عامل بازدارنده از گناه و بدی است.» (عنکبوت: ۴۵)

۱۳- کنز العمال، ح ۲۱۰۹۱.

۱۴- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷.

۱۵- قال علی علیه السلام : «وَ اِنَّها لَتَحُتُّ الذُّنوبَ حَتَّ الْوَرقِ؛ نماز گناهان را مثل برگ درخت می ریزد.» بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲.

۱۶- عباس عزیزی، آثار و برکات نماز در دنیا، برزخ و قیامت، ص ۶۶.

ص: ۱۶

نماز و شیطان

نماز و شیطان

نماز عامل دوری شیطان و سیاه شدن چهره اوست.(۱) نماز سبب شکست شیطان است؛(۲) چون نمازگزار در دژ محکم نماز از خود دفاع می کند.(۳) بی دلیل نیست که فریاد ابلیس از نمازگزار و سجده طولانی او بلند است(۴) و به انسان حسادت می کند.(۵)

نمازگزار از شر شیطان در امان است؛(۶) چون نماز سبب راندن شیطان می شود(۷) و حتی در لحظه مرگ نیز شیطان از نمازگزار دور می گردد.(۸)

۱- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «الصلاه تُسَوِّدُ وجهَ الشَّیطان؛ نماز چهره شیطان را سیاه می کند.» ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۹۶.

۲- قال امام المهدی علیه السلام : «ما اَرْغَمَ أنفَ الشَیْطانِ بِشَیْ ءٍ مِثْلِ الصَّلاهِ؛ هیچ چیز مثل نماز، بینی شیطان را به خاک نمی مالد.» بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲.

۳- قال علی علیه السلام : «اَلصَّلاهُ حِصنٌ مِنْ سُطواتِ الشَّیطانِ؛ نماز دژی در مقابل حملات شیطان است.» غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۶؛ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۶۷؛ شهید ثانی، اسرار الصلاه، ص ۱۰.

۴- قال امیرالمؤمنین علی علیه السلام : «اِنَّ الْعَبْدَ اذا سَجَدَ نَادی اِبلیسُ یا وَیْلَه؛ بنده هنگامی که سجده می کند، ابلیس می گوید: وای بر من.» محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۴؛ بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳.

۵- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۰۷.

۶- قال علی علیه السلام : «ذِکرُ اللهِ دَعامَهُ الْایمانِ وَ عِصْمَهٌ مِنَ الشَّیطانِ؛ ذکر خدا (نماز) ستون ایمان و در امان بودن از شیطان است.» عبدالواحد تمیمی آمدی، منتخب الغرر، ص ۲۲.

۷- قال علی علیه السلام : «ذِکْرُ اللّهِ مَطْرَدَهُ الشَّیطانِ؛ یاد خدا (نماز) شیطان را می راند.» منتخب الغرر، ص ۲۰.

۸- قال الصادق علیه السلام : «إنّ مَلَکَ الْمَوتِ یَدْفَعَ الشَّیطانَ عَنِ الْمُحافظِ عَلَی الصَّلاهِ؛ عزرائیل، شیطان را از کسی که بر نمازش مواظبت می نموده، دفع می کند.» وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۹.

ص: ۱۷

شیطان از نماز عصبانی می شود؛(۱) چون سبب سرکوبی اوست(۲) و شیطان از نمازگزارِ جدّی می ترسد.(۳)

نماز در قیامت

نماز در قیامت

نماز، توشه آخرت،(۴) کلید بهشت،(۵) سبب ورود انسان به بهشت(۶) و نجات او از آتش و عذاب است.(۷) نمازگزار به سبب وضو، بی حساب وارد بهشت می شود(۸) و در خانه های بهشتی جای می گیرد.(۹) نماز، حایلی میان نمازگزار و آتش است و سبب دوری جسم نمازگزار از آتش می شود.(۱۰)

ترک نماز

ترک نماز

ترک نماز سبب انهدام دین(۱۱) و تباه شدن عمل می شود؛(۱۲) یعنی فاصله میان کفر و ایمان، ترک نماز است.(۱۳) ترک کننده نماز اهل آتش است(۱۴) و از امان خدا

۱- بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۶۱.

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲.

۳- امام رضا علیه السلام نقل کرد که پیامبر فرمود: «لَا یَزالُ الشَّیطانُ ذَعِراً مِنَ المؤمنِ ما حافظ علی الصَّلواتِ الْخَمسِ؛ شیطان همواره از مؤمنی که بر نمازش مواظبت می کند، می ترسد.» شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۸.

۴- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «اَلصَّلاهُ زادٌ لِلْمُؤمِنِ مِنَ الدُّنْیا اِلَی الآخِرَهِ؛ نماز توشه ای برای مؤمن از دنیا به سوی آخرت است.» بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۲.

۵- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «اَلصَّلاهُ مِفتاحُ الْجَنَّهِ؛ نماز کلید بهشت است.» نهج الفصاحه، ش ۱۵۸۸؛ بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۱.

۶- قال الصادق علیه السلام : «اِنَّ الْعَبْدَ لَیُصلِّی الرَّکْعتَینِ یُریدُ بِها وَجْهَ اللّهِ فَیُدْخِلُه اللّهُ بِه الْجَنهَ؛ بنده دو رکعت نماز برای رضای خدا می خواند و خداوند او را وارد بهشت می کند.» اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۱۶.

۷- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۹، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۰.

۸- کنز العمال، ج ۷، ص ۱۹۰۳۶.

۹- بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۳۱.

۱۰- جامع احادیث شیعه، ج ۴، ص ۲۷.

۱۱- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «مَنْ تَرَکَ صَلاتَهُ مُتَعَمِّداً فَقَدْ هَدمَ دینَه؛ هر کس به عمد نمازش را ترک کند، دینش را منهدم کرده است.» بحارالانوار، ج ۸۲ ، ص ۲۰۲؛ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۰۲.

۱۲- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «مَنْ تَرَکَ صَلاتَه حَتّی تَفوتَه مِنْ غَیْرِ عُذرٍ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُه؛ هر کس نمازش را بدون عذر نخواند تا وقتش بگذرد، عملش تباه شده است.» بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۳؛ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۰۳.

۱۳- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «بَیْنَ الْعبدِ وَ بَیْنَ الْکُفرِ تَرکُ الصَّلاهِ؛ فاصله کفر و بندگی، ترک نماز است.» بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲؛ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۰۳.

۱۴- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «مَنْ تَرَکَ الصَّلاهَ مُتعمِّداً کُتبَ اسْمُه عَلَی بابِ النَّارِ مِمَّنْ یَدْخُلُها؛ هر کس به عمد نمازش را ترک کند، بر درب جهنم نامش از دوزخیان نوشته می شود.» کنز العمال، ج ۷، ح ۱۹۰۹۰.

ص: ۱۸

و رسولش دور خواهد بود.(۱) همچنین در روایت ها، از سهل انگاری و بی رغبتی به نماز نهی شده است.(۲) از این رو، نمازگزاری که نماز را ترک نکند، ولی به نماز بی توجه باشد و آن را سبک بشمارد، از شفاعت ائمه علیهم السلام محروم خواهد بود.(۳)

آداب و مستحبات نماز

آداب و مستحبات نماز

در روایت ها، افزون بر بیان اهمیت نماز، بر رعایت آداب و مستحبات نماز نیز تأکید شده است: «کسی که آداب نماز را رعایت کند، مؤمن است.»(۴) پوشیدن لباس تمیز،(۵) مسواک زدن،(۶) عطر زدن،(۷) نماز خواندن در مسجد،(۸) قنوت طولانی،(۹) اذان و اقامه،(۱۰) صلوات در رکوع و سجود،(۱۱) نماز در اول

۱- جامع احادیث شیعه، ج ۴، ص ۷۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۹۸؛ بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۱، ۲۳۶ و ۲۵۳؛ ملا محمدمحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۱، ص ۳۴۱؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۲۰۴؛ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۰۶.

۳- قال الصادق علیه السلام : «لا یَنالُ شَفاعَتُنا مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلاهِ؛ هر کس نماز را سبک بشمارد، به شفاعت ما دست نخواهد یافت.» محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۲۷۰، ح ۱۵.

۴- کنز العمال، ج ۷، ح ۱۸۸۷.

۵- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۴۶.

۶- سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۷۵.

۷- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۲؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۹۴.

۸- عباس عزیزی، نماز در آیینه حدیث، ص ۵۹.

۹- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۵۹.

۱۰- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۵۸.

۱۱- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۶۱.

ص: ۱۹

وقت،(۱) دعا بعد از نماز(۲) و سجده بر تربت حضرت سیدالشهدا(۳) از مستحبات نماز است.

نمازگزاری خردسالان و جوانان

نمازگزاری خردسالان و جوانان

عبادت جوان بسیار باارزش است.(۴) عبادت در کودکی مقدمه و تمرینی برای جوانی است. در روایت ها آمده است که کودکان را با نماز(۵) و اذان(۶) آشنا کنید. در هفت سالگی نیز آنها را به نماز فرا بخوانید.(۷) کودکان می توانند در نماز جماعت شرکت کنند و نباید با آنها بدرفتاری شود.(۸)

پرسش هفتم: جایگاه نمازهای مستحب چگونه است؟

پرسش هفتم: جایگاه نمازهای مستحب چگونه است؟

خواندن نمازهای مستحبی از ویژگی شیعیان است(۹) و انسان را به خدا نزدیک می کند تا محبوب خداوند شود.(۱۰) نوافل، کاستی های نمازهای واجب را برطرف می کند.(۱۱) البته نمازهای مستحبی باید از روی میل اقامه شوند.(۱۲)

۱- محجه البیضاء، ج ۱، ص ۳۵۰؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۱۹۰۳۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، صص ۷۸ و ۸۸؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۵ ؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۰؛ نهج البلاغه، شرح و ترجمه: فیض الاسلام، نامه ۲۷، ص ۸۸۸ .

۲- نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۵؛ بحارالانوار، ج ۸۵ ، صص ۳۲۰، ۳۲۴ و ۳۲۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۳۶؛ محمدباقر مجلسی، روضه المتقین، ج ۱۲، ص ۳۸؛ بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۴.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۵.

۴- مکارم الاخلاق، ص ۴۶۶.

۵- قال علی علیه السلام : «عَلِّموا صِبیانَکم الصَّلاهَ؛ نماز را به فرزندانتان بیاموزید.» جامع احادیث شیعه، ج ۴، ص ۴۶.

۶- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۱۱.

۷- سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۵.

۸- تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۸۰.

۹- شیخ صدوق، صفات الشیعه، ص ۴۳۶.

۱۰- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۵۲؛ تحف العقول، ص ۲۹۷.

۱۱- بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۲۸.

۱۲- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۷.

ص: ۲۰

یکی از مهم ترین نمازهای مستحب، نماز شب است که شرفِ مؤمن،(۱) نشانه شیعه(۲) و چراغی در تاریکی قبر است.(۳) حضرت جبرئیل، همواره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به آن فرا می خواند.(۴) ازاین رو، کسی که نماز شب را ترک کند، ضرر کرده است.(۵) نماز شب، سبب گشایش روزی،(۶) زیبایی چهره،(۷) تندرستی،(۸) ریزش گناهان،(۹) تقرب الهی(۱۰) و نجات از وحشت قبر(۱۱) است. گناهکار به سبب گناهانش از نماز شب محروم خواهد شد.(۱۲)

پرسش هشتم: آیا نماز ویژه انسان هاست یا در موجودات دیگر نیز وجود دارد؟

پرسش هشتم: آیا نماز ویژه انسان هاست یا در موجودات دیگر نیز وجود دارد؟

قرآن، بارها به تسبیح گویی موجودات و اشیا اشاره می کند. تمام اشیا و موجودات و آسمان های هفت گانه و زمین و هر آنچه در آنهاست، همگی

۱- قال الصادق علیه السلام : «شَرَفُ الْمُؤمِنِ صَلاتُه بِاللَّیلِ؛ شرف مؤمن به نماز شب اوست.» بحارالانوار، ج۸۷، ص ۱۴۱.

۲- قال الصادق علیه السلام : «لَیْسَ مِنْ شِیعَتِنا مَنْ لم یُصَلِّ صَلاهَ اللَّیلِ؛ کسی که نماز شب نخواند، از شیعیان ما نیست.» بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۶۲.

۳- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «صلاه اللّیل سِراج لِّصاحِبِها فی ظُلْمَهِ الْقَبْر؛ نماز شب برای نمازگزار، چراغی در تاریکی قبر است.» بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۶۱.

۴- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۳۳.

۵- بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۴۶.

۶- شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۳۶۳؛ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۲۱؛ بحارالانوار، ج ۸۷، ص۱۹۵، نهج الفصاحه، ص ۵۸۰.

۷- نهج الفصاحه، ص ۵۸۰.

۸- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۲۱؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ص ۲۶۵؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۹۶.

۹- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۰۰.

۱۰- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «اِنَّ قیام اللّیل قربهٌ الی اللّه ؛ بیداری شب به عبادت، انسان را به خدا نزدیک می کند.» بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۲۲.

۱۱- بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۶۰.

۱۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۲۲؛ بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۱۲۷.

ص: ۲۱

خداوند را تسبیح می گویند(۱) و حتی تعبیر سجده(۲) و نماز(۳) نیز درباره آنها در آیات قرآن آورده شده است.

ناگفته پیداست که هر موجودی، به اندازه معرفت خود، پروردگار را تسبیح می گوید. از آنجا که حقیقت نماز برای انسان ها یاد خداست، این تسبیح در دیگر آفریده ها، به نماز و عبادت تشبیه شده است.

مفسران درباره چگونگی تسبیح و نماز موجودات اختلاف دارند؛ گروهی به تکوینی بودن تسبیح آنان معتقدند، ولی برخی مانند امام خمینی رحمه الله به شعوری بودن و تسبیح آگاهانه نطقی اعتقاد دارند.

پرسش نهم: چرا خدا را عبادت کنیم در صورتی که خدا به پرستش کسی نیاز ندارد؟ او از همگان بی نیاز است و همگان به او نیازمندند. نیاز خدا به عبادت های ما، با مقام خداوندی او سازگار نیست!

پرسش نهم: چرا خدا را عبادت کنیم در صورتی که خدا به پرستش کسی نیاز ندارد؟ او از همگان بی نیاز است و همگان به او نیازمندند. نیاز خدا به عبادت های ما، با مقام خداوندی او سازگار نیست!

این پرسش را به دو صورت «اجمالی» و «تفصیلی» پاسخ می دهیم:

پاسخ اجمالی: اگر هدف از عبادت این باشد که نیازمندی های خدا را برطرف کنیم و از پرستش بهره ای به او برسانیم، در این صورت، پرسش یادشده پیش می آید که خداوند وجودی نامحدود و نامتناهی و پیراسته از هرگونه نقص و نیاز است، پس چه نیازی به پرستش ما دارد. درحالی که هدف از پرستش او، تکامل خود ماست. این گونه است که عبادت وسیله تکامل و سعادت ما و دستور او به عبادت، نوعی لطف و مرحمت و راهنمایی خواهد بود که ما را به کمال شایسته برساند.

۱- نک: اسراء: ۴۴.

۲- نک: نحل: ۴۹؛ رحمان: ۶.

۳- نک: نور: ۴۱.

ص: ۲۲

پاسخ تفصیلی: عبادت و نیایش و هرگونه کاری که برای رضای خداوند انجام می گیرد، آثار گران بهای فردی و اجتماعی دارد و در حقیقت، از عالی ترین ابزارهای تربیتی و اخلاقی به شمار می رود؛ زیرا:

نکته اول: پرستش خدا و عبادت وی، حس تقدیر و شکرگزاری را در انسان زنده می کند. قدردانی از مقامی که نعمت های بزرگ و پرارزشی را در اختیار انسان نهاده، نشانه لیاقت و شایستگی فرد است. او با این عمل حق شناسی خود را در برابر نعمت هایی که خدا به او داده است، آشکار می سازد.

نکته دوم: عبادت و پرستش خدا، مایه تکامل روحی انسان است. چه تکاملی بالاتر از اینکه روح و روان ما با جهان بی کران کمال مطلق «خدا» مرتبط شود، با او سخن بگوید و در انجام وظایف بندگی و کارهای زندگی، از قدرت نامحدود او یاری بخواهد.

خداوند نیازی به عبادت و نماز ما ندارد، ولی خداوند رحیم و حکیم، نماز را برای بهره مندی انسان ها قرار داده است؛ زیرا:

۱. ما انسان ها فقیر و نیازمند هستیم و باید با ارتباط با خدای بی نیاز و مبدأ قدرت و کمال، نیاز خود را برطرف کنیم؛ همچنان که لامپ ها در ارتباط با منبع انرژی، نور می گیرند و نورافشانی می کنند.

۲. فراموشی یاد خدا سبب انحراف ما در مسیر زندگی دنیا و دست زدن به زشتی ها می شود. «نماز» از این غفلت و آن زشتی ها جلوگیری می کند: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاء وَالْمُنكَرِ».

به همین دلیل، حضرت علی علیه السلام فرمود: «ذِكْرُ اللهِ رَأسُ مَالِ كِلِّ مُؤْمِنٍ وَ رِبْحُهُ السَّلامَةَ مِنَ الشَّيطانِ؛ یاد خدا سرمایه هر مؤمنی است و سود آن، سلامت از شیطان است».(۱)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ح ۳۶۲۱.

ص: ۲۳

نماز وسیله ای دفاعی و مبارزه ای عملی با دشمن نفس و شیطان است. روح و روان آدمی که فطرتی الهی دارد، با نماز و یاد خدا آرام می گیرد و در پرتو این اطمینان و آرامش، با نشاط و سرور زندگی خواهد کرد: «أَلَا بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.» (رعد: ۲۸) بنابراین، کسی که نماز نخواند، در دنیا و آخرت خسارت «غفلت» و «بی توجهی» خود را خواهد دید. در دنیا قلبش پر اضطراب و ناآرام و در آخرت، فراموشی یاد خدا جزایش خواهد بود.(۱)

پرسش دهم: آیا تنها راه عبادت خدا، نماز است؟

پرسش دهم: آیا تنها راه عبادت خدا، نماز است؟

هر چند از راه های گوناگون می توان خداوند را عبادت کرد، این بدان معنا نیست که وقتی خالق آدمی از روی حکمت، یک راه را در کنار بقیه راه ها مشخص کرد، انسان از آن سرپیچی کند. اگر شخصی غیر از خداوند این راه را معیّن می کرد، می توانستیم به درست بودن آن تردید داشته باشیم، ولی فرض، این است که خالق حکیم در کنار بسیاری از راه های اختیاری، راه هایی الزامی هم مشخص کرده است. سپس مهم ترین آنها را نماز قرار داده تا جایی که آن را ستون خیمه دین و ملاک قبولی بقیه اعمال خوانده است. هیچ عبادتی به قدرت نماز در میان عبادات وجود ندارد؛ زیرا قبل از خلقت انسان نیز ملائکه به آن مشغول بودند.

افزون بر این، آثاری که برای نماز در آیه ها و روایت ها بیان شده، برای هیچ عبادتی نیامده است. در فرهنگ دینی، تنها نماز معراج مؤمن، ستون دین، نشانه اسلام و مایه نزدیکی به خدا دانسته شده است. امام کاظم علیه السلام دراین باره می فرماید: «بهترین چیزی که بنده بعد از شناخت خدا، به وسیله آن به درگاه خدا تقرب پیدا می کند، نماز است».(۲)

۱- نک: مجتبی کلباسی، یک صد پرسش و پاسخ درباره نماز، صص ۳۳ ۳۵.

۲- تحف العقول، ص ۳۹۱.

ص: ۲۴

بنابراین، سخن برخی افراد درباره اینکه آیا بهتر نیست به جای نماز و دعا، خدا را در دل بخوانیم، درست نیست؛ زیرا اگر قرار باشد افراد نماز نخوانند و خدا را در دل یاد کنند، ممکن است این یاد کردن به انحراف و خرافه تبدیل شود و انسان را از راه اصلی که عبادت خداست، دور سازد. دیگر اینکه عبادت افزون بر دوری از انحراف، سبب وحدت و همدلی مسلمانان می شود.

بایـد توجه داشت که کارکرد و هدف نماز، فقط یاد خدا نیست، بلکه اموری مانند طهارت و پاکیزگی (غسل و وضو، لباس و مکان پاک)، توجه به درآمد حلال (مکان، لباس و آب مباح)، توجه به زمان، وقت و گذر عمر (پنج وقت نماز)، اعمال بدنی (قیام، رکوع، سجود) و دیگر آثار نماز نیز، در حکمت تشریع نماز وجود دارد.

برخی با توجه به آیه شریفه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِی؛ نماز را به پا دار برای یاد من.» (طه: ۱۴) بر این باورند که هدف از نماز، ذکر خداست. پس می توان به جای نماز، تنها به ذکر بسنده کرد، ولی چنین نیست؛ زیرا:

۱. این آیه درصدد بیان لزوم توجه قلبی و بیان شرایط معنوی و باطنی نماز است.

۲. این آیه ابتدا بر وجوب نماز و سپس بر شرایط آن دلالت دارد. پس نمی توان با این آیه بر ترک نماز و جای گزینی چیزی به جای آن استدلال کرد.

۳. برای یاد خداوند باید به اسبابی که خود خداوند امر می کند تمسک جست، که نماز از بهترین آنهاست.

ص: ۲۵

پرسش یازدهم: با توجه به اینکه فاصله بین کفر و اسلام، نماز است، آیا تارک نماز، کافر است؟

پرسش یازدهم: با توجه به اینکه فاصله بین کفر و اسلام، نماز است، آیا تارک نماز، کافر است؟

کفر همانند توحید، مراتب و مراحل گوناگونی دارد. بر این اساس، می توان دو نوع کفر را بیان کرد:

۱. کفر اعتقادی: کسی که به خداوند و ارسال پیامبران باور ندارد. احکام فقهی کافر مثل نجاست بدن، مصداق چنین کفری است.

۲. کفر عملی: کسی که پیش از این به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان داشته است، ولی اعمال دینی را از روی سهل انگاری ترک می کند، چنین فردی، در عمل کافر است.

البته اگر ترک اعمال دینی به انکار خدا و رسول بازگردد، سبب کفر اعتقادی می شود. بنابراین، کسی که به خدا و دین اسلام باور دارد، ولی نماز را از روی سهل انگاری ترک می کند، دچار کفر عملی شده است و احکام کفر اعتقادی را ندارد.

باید گفت نماز، مرز میان اسلام و کفر است؛ یعنی ترک نماز، کفر عملی و چنان ناسپاسی بزرگی در پیشگاه خداوند است که با کفر اعتقادی شباهت و نزدیکی بسیاری دارد؛ تا آنجا که گویی در حد و مرز آن قرار گرفته است، ولی احکام کفر اعتقادی را ندارد.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «چرا ترک کننده نماز را کافر می دانید؟» ایشان فرمود:

کسی که نماز را ترک می کند، هرگز آن را ترک نمی کند، مگر به خاطر سبک شمردن آن. و هر کس نماز را ترک کند، پس به قصد لذت این کار را نکرده است. در نتیجه، هرگاه قصد لذت نفی شد، استخفاف (سبک شمردن) اتفاق افتاده است و هرگاه استخفاف باشد، کفر محقق شده است.(۱)

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۹۷.

ص: ۲۶

پرسش دوازدهم: با توجه به اهمیت نماز، چرا در قرآن درباره کیفیت نماز خواندن مطلبی به چشم نمی خورد و درباره چگونگی نماز اختلاف نظر وجود دارد؟

پرسش دوازدهم: با توجه به اهمیت نماز، چرا در قرآن درباره کیفیت نماز خواندن مطلبی به چشم نمی خورد و درباره چگونگی نماز اختلاف نظر وجود دارد؟

قرآن کتاب جامع هدایت انسان هاست که اصول و برنامه های کلی دین را دربردارد. پیامبر افزون بر دریافت وحی از خداوند و ارائه آن به مردم، وظیفه تبیین آن را نیز عهده دار است. قرآن مانند قانون اساسی است که قانون های جزئی و فرعی بر اساس آن ترسیم و تبیین می شود. از سویی، قرآن ما را به لزوم پیروی از پیامبر و اولی الامر(۱) فرمان می دهد و تعلیم کتاب (قرآن) را وظیفه پیامبر می داند؛(۲) زیرا قرآن کتابی عمیق است و لایه های معرفتی بسیاری دارد که فهم آن نیازمند آموزش است. بی شک، پیامبر و جانشینان پاکش، تنها مفسران قرآن هستند.

بنابراین، خداوند در قرآن، اصل نماز و کلیاتی از اجزای آن را بیان می کند. بدیهی است که جزئیات آن را باید در احادیث نبوی و اهل بیت علیهم السلام که بزرگ ترین مفسران وحی هستند، جست وجو کرد. اگر خداوند در قرآن به جزئیات نماز اشاره می کرد، باید دیگر تکالیف دین نیز با ریزه کاری ها بیان می شد. بر این اساس، وجود اختلاف در نماز و دیگر احکام را باید در پایبند نبودن مسلمانان به قرآن و عترت جست وجو کرد.

پرسش سیزدهم: چرا نماز ستون دین است؟

پرسش سیزدهم: چرا نماز ستون دین است؟

برای این سخن، دلیل های گوناگونی را می توان برشمرد:

۱- نک: نساء: ۵۹؛ حشر: ۷.

۲- نک: جمعه: ۲؛ نحل: ۴۴ و ۶۴.

ص: ۲۷

۱. نماز نخستین چیزی است که در قیامت از انسان پرسیده می شود. اگر نماز پذیرفته نشود، دیگر اعمال نیز پذیرفته نخواهد شد.(۱)

۲. نماز، انسان را از هر بدی باز می دارد (عنکبوت: ۴۵) و با ترک گناه، راه انسان برای دست یابی به کمال و ترقی تا حد زیادی هموار می شود.

۳. خواندن درست نماز، به شرایطی بستگی دارد که رعایت آنها سراسر زندگی انسان را پوشش می دهد. تحقق مقدمات نماز (طهارت و مباح بودن مکان، لباس و آب) و لزوم حضور قلب در نماز که مهم ترین مانع آن حب دنیاست، بسیاری از شئون زندگی را اصلاح می کند.

۴. نماز مشتمل بر «اسرار»، «معارف» و «آثار فردی، خانوادگی و اجتماعی» گران بهایی است که در دیگر اعمال وجود ندارد.

۵. هدف اصلی عبادت، برقراری ارتباط و یاد خداست. نماز این امر مهم را به صورت همیشگی محقق می کند.

پرسش چهاردهم: اگر نماز ستون دین است، چرا در فروع دین مطرح شده است؟

پرسش چهاردهم: اگر نماز ستون دین است، چرا در فروع دین مطرح شده است؟

نخست باید دانست که حیطه اصول دین، «اعتقاد و ایمان» است و حیطه فروع دین «عمل و تکالیف شرعی» است. از آنجا که «نماز» از اعمال مهم شرعی است، در فروع از آن یاد می شود. درحالی که اصول دین، مجموعه باورهای بنیادی و پایه ای دین است که بیشتر جنبه نظری دارند. با این حال، قرار گرفتن امری در حیطه فروع دین، به معنای کم اهمیتی آن نیست. بنابراین، نماز که از نوع عمل است، در محدوده فروع دین قرار می گیرد نماز را ستون

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، فضل الصلاه، باب ۳۰، ح ۵.

ص: ۲۸

دین نامیده اند؛ زیرا از بسیاری از گناهان و ناهنجاری ها جلوگیری می کند و سبب تداوم ارتباط با خداوند و حفظ بنیان های اعتقادی فرد می شود.

پرسش پانزدهم: شرایط پذیرفته شدن نماز چیست؟

پرسش پانزدهم: شرایط پذیرفته شدن نماز چیست؟

به طور کلی پذیرش عبادت ها به ویژه نماز، به مراحل و شرایطی نیاز دارد؛ زیرا گاهی عبادت صحیح است، ولی رشدآور نیست (مثل دارویی که شفابخش نیست).

در آیات و روایات، شرایط و مراحل پذیرش عبادت ها، شش چیز بیان شده که عبارتند از: شرط اعتقادی؛ شرط ولایی؛ شرط اخلاقی؛ شرط اقتصادی؛ شرط اجتماعی و شرط بهداشتی.

۱. شرط اعتقادی

نمازگزار باید به خدا ایمان داشته باشد. قرآن می فرماید: «عمل صالح از زن و مرد با ایمان است که موجب زندگی پاک می شود.»(۱) در جای دیگر می فرماید: «نداشتن ایمان، مایه تباهی اعمال است».(۲)

۲. شرط ولایی

شرط ولایی؛ یعنی بهره مندی از ولایت و رهبری انسان هایی آسمانی، همچون امام علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان آن حضرت که همه، بندگان خالص خدا هستند. این اعتقاد، نماز، حج و جهاد را در مسیر الهی قرار می دهد و به آنها جهت شایسته می بخشد. امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی که به خدا ایمان دارد و

۱- نک: نحل: ۹۷.

۲- نک: مائده: ۹۷.

ص: ۲۹

عبادت های طاقت فرسا انجام می دهد، ولی امام لایقی از سوی خدا ندارد، تلاشش بی فایده است».(۱)

۳. شرط اخلاقی (تقوا)

خداونـد عبادت و نماز را تنها از اهل تقوا می پذیرد: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ.»(۲) بدین معنا که باید نماز و اسباب آن، برآمده از تقوا باشد. اگر لباس، مکان و غذا از مسیر تقوا و حلال فراهم نیامده باشد، نمازی بدون تقواست که شایسته پذیرفته شدن در درگاه خداوند نیست.

۴. شرط اقتصادی (ادای حق مردم)

گاهی پذیرفته شدن عبادت، به ادای حقوق محرومان بسـتگی دارد. پرداخت زکات با داشتن درآمد مشروع، از این نمونه است. امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کسی نماز بخواند؛ ولی زکات نپردازد، نمازش پذیرفته نمی شود».(۳)

۵. شرط اجتماعی

خیرخواهی در حق دیگران، حفـظ پیونـدهای اجتماعی و برادری میان مسـلمانان و روابط شایسـته و نیکو میان پیروان اسـلام، در این زمینه بسیار اهمیت دارد.

۶. شرط خانوادگی

خوش رفتاری در امور خانوادگی و رعایت حقوق متقابل زن و شوهر، فرزند، پدر و نیز همسایگان چنان مهم است که بی توجهی به آنها گاهی موجب باطل شدن عبادت ها می شود. امام صادق علیه السلام دراین باره می فرماید: «نماز فرزندانی

۱- الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۳- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۲.

ص: ۳۰

که با خشم به پدر و مادر خود نگاه می کنند، پذیرفته نمی شود، گرچه والدین در حق آنان کوتاهی و ظلمی کرده باشند.»(۱) پیامبر اسلام نیز فرمود: «هر کس زن بدرفتار و اذیت کننده داشته باشد، خداوند نماز و کارهای نیک آن زن را نمی پذیرد؛ مرد نیز چنین است».(۲)

ما زمانی می توانیم از نردبان نماز به معراج برویم که پایه های آن بر زمین محکمی قرار گرفته باشد، ولی اگر روی یخ لغزنده یا زمین سست قرار داده شود، بالا رفتن مشکل یا غیرممکن می گردد. پس قبولی نماز با شرایط و مراحل ذکر شده امکان پذیر است.

پرسش شانزدهم: در آخرت، پذیرفته شدن همه اعمال در گرو پذیرفته شدن نماز است. آیا این امر با عدالت خداوند سازگار است؟

پرسش شانزدهم: در آخرت، پذیرفته شدن همه اعمال در گرو پذیرفته شدن نماز است. آیا این امر با عدالت خداوند سازگار است؟

برای روشن شدن پاسخ این پرسش باید مقدماتی را بیان کنیم تا پاسخ مشخص شود.

مقدمه اول: حسن و قبح و یا به عبارتی دیگر خوبی و بدی دو قسم است:

الف) حسن و قبح فعلی

ب) حسن و قبح فاعلی

حسن و قبح فعلی بدین معناست که کاری آثار مطلوب یا نامطلوب داشته باشد، بی آنکه انگیزه و غرض انجام دهنده (فاعل) را در نظر بگیریم. برای مثال، کسی که به درخت تشنه ای آب می دهد و سنگی را از محل عبور مردم کنار می زند، عملش نیک است؛

حسن فاعلی، یعنی اینکه شخصی هدفش خوب، و قبح فاعلی، یعنی شخصی غرض و هدفش بد باشد. در انجام یک عمل، ممکن است هم حسن

۱- نک: مائده: ۲۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۰.

ص: ۳۱

فعلی و هم حسن فاعلی یا یکی از این دو وجود داشته باشد. همچنین ممکن است، یک عمل نه حسن فعلی داشته باشد و نه حُسن فاعلی.

با توجه به این مقدمه باید گفت وضعیتی کسی که نماز نمی خواند، ولی کارهای نیک انجام می دهد، به دو گونه است: گاهی وجوب نماز را انکار می کند، درحالی که از ضرورت نماز در دین باخبر است. در این صورت، هیچ عمل نیکی از این شخص پذیرفته نمی شود؛ چون می داند انکار وجوب نماز با انکار خدا برابر است. بنابراین، کار نیک او فقط حُسن فعلی دارد و حسن فاعلی ندارد؛ او کار را برای خدا انجام نداده تا انتظار پاداش داشته باشد.

گاهی نیز شخص، منکر نماز نیست، بلکه از روی تنبلی یا سهل انگاری نماز نمی خواند. چنین شخصی اگر کارهای نیک دیگری مثل روزه یا زکات یا کمک به فقیران انجام دهد، کارهایش تا حدی پذیرفته می شود؛ یعنی به سبب روزه گرفتن یا پرداختن زکات، به او پاداش های دیگری غیر از بهشت داده می شود. بنابراین، روایتی که می گوید: «اول چیزی که در قیامت محاسبه می شود نماز است. اگر پذیرفته شود، بقیه اعمال پذیرفته می شود و اگر پذیرفته نشود، دیگر اعمال پذیرفته نمی شود»، به درجه های بالا یعنی ورود به بهشت مربوط می شود.

پرسش هفدهم: با توجه به دو آیه آخر سوره زلزال مبنی بر اینکه هر کس ذره ای کار نیک کند وارد بهشت می شود، چگونه می توان گفت نماز کلید بهشت است و بدون نماز، کسی وارد بهشت نمی شود؟

پرسش هفدهم: با توجه به دو آیه آخر سوره زلزال مبنی بر اینکه هر کس ذره ای کار نیک کند وارد بهشت می شود، چگونه می توان گفت نماز کلید بهشت است و بدون نماز، کسی وارد بهشت نمی شود؟

این آیه در مقام بیان دقت در بررسی اعمال در روز قیامت است که هیچ عملی در روز قیامت از محاسبه اعمال خارج نمی ماند؛ اینکه پذیرفته شدن اعمال خوب (هرچند جزئی و کوچک) شرط های خاصی دارد که البته قبولی نماز، بحث دیگری است. از این نکته اساسی که بگذریم، توجه به چند نکته ضروری است:

ص: ۳۲

اگر کسی نماز را ترک کند، کار نیک دیگری برایش نمی ماند تا به وسیله آن وارد بهشت شود. اگر شخصی تارک الصلات باشد، اعمال دیگر او هیچ سودی نمی بخشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَثَل نماز، مثل ستون خیمه است؛ هرگاه ستون خیمه پابرجا باشد، طناب ها، میخ ها و پرده ها سود می بخشند، و هرگاه ستون شکسته شود، نه طنابی، نه میخی و نه پرده ای (هیچ کدام) نافع نیستند.»(۱) در روایتی دیگر حضرت می فرماید: «نمازهای پنج گانه را محافظت کنید؛ زیرا هرگاه روز قیامت برپا شود، خداوند تبارک و تعالی بنده را فرامی خواند. اول چیزی که از او می پرسند همان نماز است؛ اگر آن را تام و بدون نقص انجام داده (وارد بهشت می شود) وگرنه در آتش افکنده می شود.»(۲) اهمیت نماز تا آنجاست که ملاک پذیرفته شدن همه اعمال قرار گرفته است.

همچنین حضرت در روایتی دیگر با صراحت می فرماید: «روز قیامت اولین عمل بنده که به آن رسیدگی می شود، نماز اوست؛ اگر پذیرفته شد، به غیر نماز نظر می شود و اگر پذیرفته نشد، به هیچ عمل او رسیدگی نمی شود.»(۳) پس نمی توان گفت لازم نیست شخص، نمازخوان باشد تا به بهشت وارد شود. با وجود چنین روایت هایی، بی شک نماز، کلید بهشت است و اگر این کلید نباشد، هرگز در بهشت باز نمی شود. دیگر کارهای نیک، همچون طناب، میخ و پرده خیمه است که بدون ستون هیچ سودی ندارند. بنابراین، این گونه روایت ها به منزله مخصِّص دایره شمول این آیه شریفه می شود: «فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّهٍ خَیْراً یَرَهُ؛ پس هر کس هم وزن ذره ای کار خیر انجام دهد، آن را می بیند». (زلزال: ۷)

بنا بر این روایت، در صورت بی نماز بودن، اصلاً خیری برای انسان نمی ماند تا آن را ببیند. بودن و ماندن خیر، مخصَّص و مقیّد به خواندن نماز شده است.

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۶۹، ح ۱۰۲۴۶.
۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۴، ح ۱۰۲۶۷.
۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۴، ح ۱۰۲۶۸.

ص: ۳۳

پاسخ دیگر به این پرسش این است که آیه «فَمَن یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ خَیْراً یَرَهُ» با این مطلب که نماز کلید بهشت است منافاتی ندارد؛ زیرا این آیه می گوید هر کس کار خوب انجام دهد، در روز قیامت سزای آن را خواهد دید. پیداست که پاداش عمل، تنها ورود بهشت نیست. بنابراین، کسانی هم که کار خوبی انجام می دهند، ولی اهل نماز نیستند، در روز قیامت پاداش عمل خود را خواهند دید و این پاداش غیر از ورود به بهشت است، مثل اینکه از عذاب او کاسته می شود یا در غیر از جهنم، روزی او فراهم می شود.

پرسش هجدهم: می دانیم که اگر نماز پذیرفته نشود، دیگر اعمال پذیرفته نمی شود، ولی با توجه به اینکه خداوند از حقش در روز قیامت می گذرد، پس چرا اعمال نیک تارک الصلاه، پذیرفته شده نیست؟

پرسش هجدهم: می دانیم که اگر نماز پذیرفته نشود، دیگر اعمال پذیرفته نمی شود، ولی با توجه به اینکه خداوند از حقش در روز قیامت می گذرد، پس چرا اعمال نیک تارک الصلاه، پذیرفته شده نیست؟

هرچند نماز حق الله است و اگر خداوند از این حقش بگذرد، فرد، بی نماز تلقی نمی شود و دیگر عبادت های او نیز پذیرفته می شود، ولی قرار نیست خداوند هر چیزی را که حق الله است، ببخشد. این کار سبب نقض هدف تشریع احکام دین است و سبب بی انگیزگی مؤمنان در انجام عبادت می شود. افزون بر این، با عدل الهی تضاد دارد.

به عبارتی دیگر، هرچند نماز، حق اللَّه است و خداوند در برخی موارد، در برابر بعضی افراد ممکن است از حق خودش بگذرد، این بدان معنا نیست که در قیامت فقط به حق الناس توجه می شود، بلکه به این معناست که اگر در مواردی از حق خود گذشت، از حق دیگران نمی گذرد؛ زیرا ظلم به آنهاست.

ص: ۳۴

پرسش نوزدهم: همان گونه که می دانیم تا نماز پذیرفته نشود، دیگر اعمال پذیرفته نمی شود. با توجه به اینکه شرایط سختی برای پذیرفته شدن نماز قرار داده شده است، عبادت ها و کارها پذیرفته خواهد شد؟

پرسش نوزدهم: همان گونه که می دانیم تا نماز پذیرفته نشود، دیگر اعمال پذیرفته نمی شود. با توجه به اینکه شرایط سختی برای پذیرفته شدن نماز قرار داده شده است، عبادت ها و کارها پذیرفته خواهد شد؟

اول آنکه: با مراجعه به شرایط پذیرفته شدن اعمال، معلوم می شود که این شرایط آن قدر سنگین نیست که کسی از عهده آن برنیاید، بلکه بسیاری از مردم می توانند با توجه به اعمال و رفتار خود، به آن شرایط برسند.

دوم: پذیرفته شدن نماز و دیگر اعمال در درگاه خدا، مراتبی دارد؛ ازاین رو ممکن است نماز شخصی، درجه بالای پذیرفته شدن را نداشته باشد، ولی شرایط پذیرش درجه های پایین آن را دارا باشد. به این ترتیب، پذیرفته شدن دیگر اعمال هم به همان نسبت به پذیرفته شدن نماز بستگی دارد. به عبارت روشن تر اگر نماز درست باشد و بر اساس دستورهای هدایتگرانه اسلام صورت گیرد، در پیشگاه خداوند پایین ترین درجه پذیرش را که همان رفع عذاب است، خواهد داشت. منتها هر قدر پاکی قلب و روح و پرهیزکاری انسان و دوری از ستم و گناه بیشتر باشد، درجه پذیرفته شدن آن عالی تر خواهد بود؛ زیرا ارزش هر عملی به ارزش آورنده آن عمل و روحیات او بستگی دارد.

پرسش بیستم: مسئله وجوب اقامه نماز چگونه با مفاد آیه «لَا إِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» سازگار است؟

پرسش بیستم: مسئله وجوب اقامه نماز چگونه با مفاد آیه «لَا إِکْرَاهَ فِی الدِّینِ» سازگار است؟

نخست باید به این حقیقت آشکار و بدیهی اشاره کرد که در هر نظام و جامعه ای، برای جلوگیری از اخلال و اختلال و بسترسازی برای رشد و توسعه جامعه، قوانین و مقررات و احکام حقوقی، اجتماعی وضع می شود که بدون آن، جامعه را نمی توان اداره و کنترل کرد. همه افرادی که در این جامعه زندگی می کنند، باید آن قوانین را رعایت کنند تا بر اساس برنامه و هدف های

ص: ۳۵

تعیین شده، امور زندگی به پیش رود و رشد و توسعه مورد نظر به دست آید و افرادی که با قوانین جامعه به مخالفت برخیزند، باید منتظر مجازات و جریمه باشند.

شریعت اسلام و نظام اسلامی نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست. این دین بزرگ برای اینکه پیروان خود را به رشد و تعالی و هدف غایی برساند، درباره چگونگی عبادت، شیوه کار، درآمد و راه های ارتباط با همدیگر، احکام و قوانینی دارد. همچنین برای خطاکاران، مجازات هایی در نظر گرفته است. با این تفاوت که اگر مخالفت و خلاف کاری افراد، در حیطه امور فردی خلاصه شود و آثار سوء آن دامن گیر جامعه نشود، تنها مرتکب «گناه» شده اند و در آخرت، حساب رسی می شوند. حال آنکه اگر خطاکاری افراد آثار نامطلوب در جامعه بگذارد، افزون بر گناه، «جرم» به شمار می رود و مستحق مجازات و جریمه در دنیا نیز می شود.

بنا بر آنچه گفته شد، افزون بر اینکه در پذیرش شریعت اسلام اجباری وجود ندارد، پس از پذیرش اسلام نیز درباره نماز و روزه و دیگر احکام و دستورهای شرعی، تا آنجا که به امور شخصی افراد مربوط می شود، در انجام و ترک آن آزاد و مختارند. کسی حق تفتیش عقاید و تجسس در امور شخصی افراد را ندارد و تنها به گناه آنان در آخرت رسیدگی می شود.

پرسش بیست و یکم: در احادیث، سفارش شده که از تارک نماز دوری و از سوی دیگر با مردم با روی گشاده برخورد کنیم. این دو مطلب چگونه توجیه پذیر است؟

پرسش بیست و یکم: در احادیث، سفارش شده که از تارک نماز دوری و از سوی دیگر با مردم با روی گشاده برخورد کنیم. این دو مطلب چگونه توجیه پذیر است؟

در روایت و حدیث ها باید به زمینه صدور حدیث، مخاطب آن و اصول کلی اسلام در روابط اجتماعی توجه کرد. قرآن، برخورد مناسب و سازنده را در تبلیغ دین، ضروری می داند. حضرت موسی علیه السلام در مقابل فرعون، به گفتاری

ص: ۳۶

نرم مأمور می شود: (قُولا لَهُ قَوْلاً لَیِّناً). پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز در برابر مردم به واسطه فیض رحمت الهی، برخوردی نرم و عاطفی داشته است؛ «فَبِما رَحْمَهٍ مِنَ اللّهِ لِنْتَ لَهُمْ.» (آل عمران: ۱۵۹) بنابراین، روی گشاده داشتن و با مهربانی درصدد هدایت دیگران بودن، رسالتی پیامبرگونه است. این مسئله با سفارش امام صادق علیه السلام درباره دوستی نکردن با انسان بی نماز منافات ندارد؛ زیرا مسئله دوستی و هم راز شدن، موضوعی بالاتر از روابط متعارف است. اگر انسان با فرد بی نماز صمیمی باشد، به گونه ای کار زشت او را تأیید می کند، حتی ممکن است با تأثیرگذاری منفی، او را نیز به نماز بی توجه کند. بر این اساس، بهتر است دوستانمان را از میان کسانی که به نماز اهمیت می دهند، انتخاب کنیم. البته اگر رابطه صمیمانه با افراد بی نماز به اصلاح او کمک کند، بهتر است رابطه حفظ شود.

پرسش بیست و دوم: خواندن نماز در اول وقت، چه اهمیتی دارد؟

پرسش بیست و دوم: خواندن نماز در اول وقت، چه اهمیتی دارد؟

یکی از شرایط پذیرفته شدن عبادات در آیات و روایات، شرط کمال است؛ یعنی آنچه مراعاتش انسان را به خدا نزدیک می کند و به رشد معنوی می رساند و در فرد و جمع تأثیر می گذارد. گاهی عبادت صحیح است، ولی رشدآور نیست؛ مثل دارویی که شفابخش نیست. گاهی عبادت، انسان را از کیفر و عذاب می رهاند، ولی ما را محبوب خدا نمی سازد؛ چون شرط های کمال آن مراعات نشده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ سَمِعَ النِّدا فَلَمْ یُجِبْهُ مِنْ غَیْرِ عِلَّهٍ فلا صَلاه لَه؛ نماز کسی که صدای اذان را در اول وقت بشنود و بی دلیل نماز خود را به تأخیر اندازد و یا در جماعت مسلمانان شرکت نکند، ارزشی ندارد و نماز او کامل نیست». (۱)

۱- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۵.

ص: ۳۷

در حدیث دیگر چنین می خوانیم: «نخواندن نماز در اول وقت، تحقیر و کوچک شمردن نماز است و چنین کسی خدا را تحقیر کرده است.»(۱) پس بنا بر احادیث، تنها، نماز کامل می تواند روح و جان را شفا دهد و باعث رشد معنوی انسان باشد. کامل بودن نماز یعنی در اول وقت و با جماعت خواندن آن.

در آموزه های دینی بر نماز اول وقت بسیار تأکید شده است؛ زیرا از نظر روحی، روانی و اجتماعی، آثار مثبت بسیاری دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف) عادت دادن شخص به نظم؛

ب) وجود نشاط و آمادگی و حضور قلب بیشتر، برای انس و ارتباط با خدا و تقویت کمالات نفسانی؛

ج) زمینه سازی برای برگزاری جماعت های بزرگ و انس و الفت و اتحاد بیشتر مسلمانان.

وقتی افراد جامعه اسلامی به خواندن نماز در اول وقت پایبند باشند، در هر منطقه، بیشتر مردم هم زمان به نماز می ایستند. این مسئله آمادگی آنان را برای جماعت و ایجاد صفوف گسترده و پرجمعیت بیشتر می کند. در حالی که نماز در غیر اول وقت، از اجتماع و شکوه عبادی و انس و الفت مؤمنان در مراکز دینی می کاهد.

پرسش بیست و سوم: اگر نماز غیبت کننده یا شراب خوار تا چهل روز پذیرفته نشود، پس خواندن آن چه اثری دارد؟

پرسش بیست و سوم: اگر نماز غیبت کننده یا شراب خوار تا چهل روز پذیرفته نشود، پس خواندن آن چه اثری دارد؟

نماز یک تکلیف است و هر شخص مکلفی باید آن را به جای آورد. حتی بعضی بر این باورند که کافران هم باید فروع را به جای بیاورند؛ یعنی افزون بر اصول، از فروع دین هم پرسیده می شود. نماز مراتب و شرایطی دارد:

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۷.

ص: ۳۸

۱. شرایط صحت

۲. شرایط پذیرش

شرایط صحت، مسائلی است که در صورت رعایت آنها، تکلیف از گردن او ساقط می شود، اگرچه ثوابی به او نمی دهند. مثل اینکه با طهارت باشد و واجبات نماز مثل تکبیره الاحرام، قیام، قرائت و غیره را درست انجام بدهد.

شرایط پذیرش شرایطی است که اگر نمازگزار رعایت کند، نمازش کامل است و ثواب دارد؛ یعنی اینکه افزون بر شرایط صحت، حضور قلب داشته باشد، غیبت نکرده باشد، حق الناس به گردن او نباشد، لقمه حرام نخورده باشد، در مسجد و به جماعت نماز بخواند. این گونه موردها هر چه بیشتر رعایت شود، درجه پذیرش نماز بیشتر است.

کسی که غیبت کند، حضور قلب نداشته باشد و شراب بخورد، نمازش قبول نیست. این همه به شرایط پذیرش نماز برمی گردد؛ یعنی در این حال به او ثوابی نمی دهند و نمازش فقط شرایط صحت را دارد. بنابراین، نماز خواندن شخص شراب خوار هم اثر دارد.

پرسش بیست و چهارم: نظر اندیشمندان غیر مسلمان درباره نماز چیست؟

پرسش بیست و چهارم: نظر اندیشمندان غیر مسلمان درباره نماز چیست؟

در دوره کنونی، اندیشمندان به طور گسترده تری درباره نماز و نیایش بحث کرده اند. به ویژه برخی روان شناسان، امروزه به این نتیجه رسیده اند که توجه به خدا و نماز و دعا، بسیاری از بیماری های روانی را درمان می کند. دکتر الکسیس کارل که برای درمان جنبه های ویرانگر تمدن جدید راهی نمی یابد،(۱) در نوشته های بعدی، برای درمان یأس های ناشی از تمدن جدید می گوید: «نیایش، به آدمی نیروی تحمل غم ها و مصیبت ها را می بخشد».(۲)

۱- آلکسیس کارل، انسان موجود ناشناخته، ص ۲۷۵.

۲- آلکسیس کارل، راه و رسم زندگی، ص ۱۳۷.

ص: ۳۹

دکتر توماس هیس لوپ می گوید:

با این قید که من پزشکم، این سخن را می گویم که نماز، بهترین وسیله ای است که تاکنون برای توسعه اطمینان و تسکینِ اعصاب و آسایش و نشاط، شناخته شده که زمینه بی خوابی را برطرف می گرداند.(۱)

سرل برت، روان شناس انگلیسی، با تأکید بر نظریه ویلیام جیمز درباره تأثیر نماز، می گوید:

ما به واسطه نماز می توانیم وارد انبار بزرگی از نشاط عقلانی شویم که در شرایط عادی یارای وصول بدان را نداریم.(۲)

ماهاتما گاندی، رهبر بزرگ هند، در تبیین استقامت روحی اش می گوید:

اگر نماز نبود و با خدا ارتباط برقرار نمی کردم، بی شک سال ها بود که دیوانه شده بودم.(۳)

نورمن ویزنت گریسی می گوید:

دعا و نماز، بزرگ ترین نیرویی است که برای مبارزه با دشواری های زندگی روزانه و به دست آوردن آرامش روحی، شناخته شده است.(۴)

اندیشمندان غربی به اثر نماز در بهبود بیماری های جسمی نیز اشاره کرده اند. دکتر اِدوین فردریک پاورس، یکی از متخصصان درمان بیماری های عصبی در ایالات متحده امریکا، می گوید:

ما می بینیم هزاران حالت برای مریض پیش آمده که مشهورترین پزشکان و باهوش ترین طبیبان کمترین امیدی برای بهبودی آن نداشته اند، ولی چیزی که در بهبود او اثر گذاشته، معجزه هایی مانند معجزه های نماز و ارتباط با خدا بوده است.(۵)

۱- دیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۲۴۹.

۲- رحیم کارگر محمدیاری، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۳۱، به نقل از: قرآن و روان شناسی، ص ۳۶۲.

۳- ماهاتما گاندی، همه مردم برادرند، ص ۱۰۷؛ مهدی حسینمردی، مرواریدهای پراکنده، ص ۱۳۵.

۴- کلیدهای خوشبختی، گردآورنده و مترجم: احمد آرام، صص ۳۸۶ – ۳۸۸.

۵- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۲۹.

ص: ۴۰

درباره آثار اجتماعی نماز نیز دیدگاه های اندیشمندان غربی تأمل برانگیز است. ویل دورانت اوصاف و زیبایی های نماز جماعت مسلمانان را به تصویر می کشد.(۱) لورا، اسقف مسیحی، نماز مسلمانان را عامل جذب دیگران می داند.(۲) دکتر محمد عثمان، نقش نماز جمعه را در درمان بیماری های اجتماعی بازگو می کند.(۳) هراس لیو می گوید: «نماز جماعت مسلمانان، کامل ترین درجه مساوات میان مردم است».(۴)

گفتیم که اندیشمندان غربی بیش از اندیشمندان مسلمان درباره آثار اجتماعی و روان شناسی نماز بحث کرده اند، ولی در سخنان برخی اندیشمندان، نکات ظریفی درباره ویژگی های باطنی نماز به چشم می خورد. دکتر روژه گارودی،(۵) توشی هیکوایزوتسو،(۶) مارسل بوازار (۷) دانشمند و اسلام شناس معاصر سوئیسی و ویکتور هوگو(۸) به معانی باطنی و انس قلبی با نماز نگاهی تازه داشته اند.

۱- تاریخ تمدن، عصر ایمان، ج ۴، ص ۲۷۳.

۲- فضل الله کمپانی، نتایج و فوائد دین، صص ۲۱ و ۲۲؛ عبدالرزاق نوفل، اسلام و علم جدید، صص ۳۵۹ و ۳۶۰.

۳- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۶۴، به نقل از: قرآن و روان شناسی، ص ۳۶۳.

۴- اسلام و علم جدید، صص ۳۵۷ و ۳۵۸؛ احمد امین، راه تکامل، ج ۷، صص ۲۱۰ و ۲۱۱.

۵- روژه گارودی، هشدار به زندگان، ترجمه: علی اکبر کسمایی، ص ۲۵۹.

۶- توشی هیکو ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، صص ۱۸۷، ۱۸۸ و ۲۵۰.

۷- مارسل بوازار، اسلام و حقوق بشر، ترجمه: محسن مؤیدی، ص ۹۴.

۸- ویکتور هوگو، بینوایان، ج ۲، ص ۶۷۲.

ص: ۴۱

فصل سوم: فلسفه و اسرار نماز

اشاره

فصل سوم: فلسفه و اسرار نماز

زیر فصل ها

پرسش بیست و پنجم: آیا می توانیم از فلسفه احکام نماز بپرسیم، یا باید بدون دانستن آنها نماز بخوانیم؟

پرسش بیست و پنجم: آیا می توانیم از فلسفه احکام نماز بپرسیم، یا باید بدون دانستن آنها نماز بخوانیم؟

پاسخ: فلسفه احکام به معنای آثار مترتب بر احکام است که یا در متون دینی به آن اشاره شده یا از راه عقل می توان به دست آورد. البته فلسفه احکام، غیر از علت وجوب و تشریع احکام است. بنابراین، وجوب احکام و اطاعت از آن، دائر مدار و مشروط به فلسفه احکام نیست؛ زیرا علت وجوب حکم را فقط خداوند می داند و ما هیچ گاه نمی توانیم به علت تشریع احکام دسترسی پیدا کنیم. با

توجه به این مقدمه، اینک به پاسخ این پرسش می پردازیم:

با توجه به روش قرآن و روایات در بیان فلسفه بعضی از احکام، به پرسش از فلسفه احکام و اسرار آن تشویق می شویم. برای مثال، می بینیم که قرآن پس از تشریع روزه رمضان می فرماید: «لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ؛ تا شاید تقوا پیشه کنید.»(۱) به این ترتیب، فلسفه آن را پرهیز از گناه بیان می کند. یا درباره پرهیز از نگاه به زنان نامحرم می گوید: «ذَلِکَ أَزْکَی لَهُمْ؛ این برای آنان پاکیزه تر است».(۲)

۱- نک: بقره: ۱۷۹.

۲- نک: نور: ۳۰.

ص: ۴۲

چنانکه در مورد نماز «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ» را بیان می کند. بنابراین، می توان از اهل خبره از فلسفه احکام نماز پرسش کرد ولی شرط بندگی آن است که بنده بدون توجه به فلسفه تشریع احکام، بدون چون و چرا عبادت خداوند را به جای آورد تا شائبه انجام عبادت به جهت دانستن فلسفه آن به وجود نیاید.

پرسش بیست و ششم: در وضو چه اسراری نهفته است؟

پرسش بیست و ششم: در وضو چه اسراری نهفته است؟

پیامبر در حدیثی می فرماید:

شستن صورت ها و دست ها و مسح سر و پاها در وضو، رازی دارد. شستن صورت در وضو، یعنی خدایا! هر گناهی که با این صورت انجام دادم، آن را شست وشو می کنم تا با صورت پاک به جانب تو بایستم و عبادت کنم و با پیشانی پاک سر بر خاک بگذارم.

شستن دست ها در وضو، یعنی خدایا! از گناه دست شستم و به واسطه گناهانی که با دستم مرتکب شده ام، دستم را تطهیر می کنم.

مسح سر در وضو، یعنی خدایا! از هر خیال باطل و هوس خام که در سر پرورانده ام، سرم را تطهیر می کنم و آن خیال های باطل را از سر به دور می اندازم.

مسح پا، یعنی خدایا! من از رفتن به مکان زشت پا می کشم و این پا را از هر گناهی که با آن انجام داده ام، تطهیر می کنم.(۱)

در حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود:

اِنَّما اُمِرَ بِالْوضوءِ وَ بُدِئَ بِهِ لِاَنْ یَکُونَ الْعَبدُ طاهراً اذا قَامَ بَیْنَ یَدَیِ الْجَبَّارِ عِندَ مُناجاتِهِ اِیّاهُ مُطیعاً لَهُ فِیما اَمَرَهُ نَقِیّا مِنَ الْاَدْناسِ وَ النَّجاسَهِ مَعَ ما فِیهِ مِنْ ذَهابِ الْکَسَلِ وَ طَرْدِ النُّعاسِ وَ تَزکِیهِ الْفُوادِ لِلْقِیامِ بَیْنَ یَدَیِ الْجَبَّارِ.(۲)

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۲۱۳۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۵۷.

ص: ۴۳

برای این، دستور وضو داده شده که آغاز عبادت با آن است و بندگان وقتی که در پیشگاه خدا می ایستند و با او مناجات می کنند، پاک باشند و دستورهای او را به کار بندند و از آلودگی ها و پلیدی ها برکنار شوند. علاوه بر این، وضو سبب می شود که آثار خواب و کسالت از انسان دور شود و قلب او برای قیام در محضر خداوند نور و صفا یابد.

در حدیثی باز درباره ثواب وضو می فرماید:

بدان که در وضو چون صورت خود را بشویی، گناهانی که با زبان و چشمانت مرتکب شده ای، پاک می شود و چون دست هایت شسته شود، گناهانت از سوی راست و چپ می ریزد و آنگاه که پاهایت را مسح می کنی، گناهانی که با پاهایت مرتکب شده ای، پاک می شود.(۱)

شستن دست ها در وضو، اشاره به دست کشیدن از خواهش های نفسانی و شهوات حیوانی است. شستن صورت، شستن غبارِ توجه به غیر حق است و مسح سر، سر خط بندگی است و مسح پا، به پشت پا زدن به غیر خدا و قدم زدن در ساحت حرم حضرت خداوند اشاره می کند.(۲)

پرسش بیست و هفتم: فلسفه قیام در نماز چیست؟

پرسش بیست و هفتم: فلسفه قیام در نماز چیست؟

قیام و ایستادن برای خواندن حمد و سوره، یکی از مراحل اقامه نماز است. نمازگزار هنگام خواندن نماز از جای برمی خیزد و با فروتنی، وقار و آرامش، در محضر الهی حاضر می شود.

قیام، آمادگی برای تحرک، فعالیت و رشد و بالندگی است.

قیام، بر پای خاستن و دوری از سکون و خموشی است.

قیام، جهاد علیه هواهای نفسانی و آماده شدن برای توبه و استغفار است.

درباره اسرار و حکمت های «قیام» می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- میرمحمد عبدالحسیب، مناهج الشارعین، ص ۱۶۵.

۲- عبدالحسین تهرانی، اسرار الصلاه، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.

ص: ۴۴

۱. قیام، یعنی ایستادن جسم و روح در مقابل خدا. در این حالت، سر، که بالاترین عضو بدن است، افتاده و افکنده می شود. پایین آمدن سر، نشانه فروتنی در مقابل خدا و دوری از تکبر و ریاست طلبی است.(۱)

۲. همان گونه که می دانیم، همه موجودات به عبادت و تسبیح خداوند مشغولند: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ.» قیام انسان و خواندن نماز، نوعی هم آوایی است. بنده نیز با این کار، آمادگی خود را برای عبادت الهی نشان می دهد.

۳. قیام نشانه تلاش و فعالیت همیشگی انسان در جبهه رشد و تکامل است. نمازگزار سستی، رخوت، سکون و بی تحرکی را کنار می گذارد و با شادابی، طراوت و امید بر پای می خیزد و آماده تلاشی نو می گردد؛ حرکتی برای رسیدن به خدا و کسب فضایل انسانی.

۴. معنای دیگر قیام، آمادگی نمازگزار برای مبارزه با شیطان و هواهای نفسانی و مفسدان و ستمگران است. قیام نماد جهاد اکبر و جهاد اصغر است.

۵. قیام تجلی مساوات، برابری و همگونگی است. در نماز، همه یکسان در محضر الهی قیام می کنند: سیاه و سفید، فقیر و غنی، پیر و جوان، رئیس و مرئوس و بزرگ و کوچک هیچ یک تفاوتی ندارند.

قیام بیانگر این است که هیچ کس بر دیگری برتری ندارد؛ همه بنده ناتوان درگاه الهی اند. در قیام، دیوار تکبرها، منیت ها و خودخواهی ها فرو می ریزد و افراد فقیر و عالی مرتبه، در کنار افراد معمولی حاضر می شوند و به ادای تکلیف می پردازند.

۶. قیام رعایت احترام، ادب و متانت در پیشگاه آفریدگار تواناست. نمازگزار، به احترام نام و یاد خدا برمی خیزد و با ادب و فروتنی تمام می ایستد و با متانت و آرامش به عبادت می پردازد.

۱- الاخلاق، ص ۷۰.

ص: ۴۵

۷. قیام در حال نماز برای این است که انسان در پیشگاه خدای متعال بایستد و حق بندگی او را ادا کند و از خیرات پروردگار بهره مند شود و بداند که در قیامت نیز در پیشگاه او قیامی خواهد داشت.

حاج میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب گران سنگ خود به نام اسرار الصلاه می فرماید:

و اما قیام، حقیقت قیام عبارت از ایستادن در پیشگاه پروردگار برای ادای حق عبودیت و بندگی او و جلب خیرات پروردگاری، و انس گرفتن با او و لذت بردن به مخاطبات و گفت وگوی با او در کلام، و به مناجات با او در دعا است ... و می بایست که انسان از اینکه در نماز می بایست بر هر دو پا بایستد، به این حقیقت پی ببرد که مسلمان باید در مقام خوف و رجا باشد و از پایین افکندن سر در هنگام نماز، الزام قلب را بر تذلل و خشوع و تواضع و دوری از ریاست طلبی و خودبزرگ بینی فهم نماید و بداند که در فردای قیامت، او را در پیشگاه ذات اقدس خود ایستادنی است که چگونگی آن را این ایستادن تعیین می کند، و لذا سزاوار است که انسان آنچه در توان دارد، در تصحیح قیام نماز خود به کار گیرد و بداند که تمام پنهانی ها و خاطرات و ضمایرش، نزد حضرت حق مکشوف و آشکار است، و پروردگار حتی به چیزهایی که خود از آن بی خبر است و در باطن اوست، آگاه است. و لذا خیلی مراقب باشد که مبادا باطنش مخالف با رضای پروردگار باشد. به ناچار در چنین مقام خطیری تواضع و فروتنی او، لااقل همچون تواضع در محضر سلطانی از سلاطین دنیا خواهد بود. چگونه کسی که در مقابل حاکمی قرار می گیرد، مراقب تمام حرکات و گفته های خود می باشد، که مبادا سخنی بر خلاف رضای او بر زبان آورد و یا از معنای آنچه می گوید، غافل باشد و یا اشارات مخاطبات سلطان را درنیابد، و خدایی که ملک الملوک و جبارالجبابره است، هرگز نزد مسلمان از بشری مثل خود بی مقدارتر خواهد بود.(۱)

۱- میرزا جواد ملکی تبریزی، اسرار الصلوه، ج ۱، ص ۳۲۳.

ص: ۴۶

پرسش بیست و هشتم: فلسفه نیت در نماز چیست؟

پرسش بیست و هشتم: فلسفه نیت در نماز چیست؟

به طور اختصار، عنصری که به عمل انسان بها می دهد، نیت و انگیزه و هدف اوست. از همین رو، در آیات قرآن کلمه «فی سبیل الله»، فراوان به کار رفته (۷۰ بار) و این هشداری است که انسان ها مواظب کارها و نیت های قلبی خود باشند که در راه خدا باشد، نه برای غیر خدا یا با انگیزه های نفسانی. مانند جاده خطرناکی که تابلوهای هشداردهنده فراوانی در آن نصب می کنند، بندگی خدا راهی است که لغزشگاه های فراوانی دارد و این همه تأکید، هشدار برای دوری از انحراف هاست. به خصوص در عبادت ها که بدون «قصد قربت» و نیت خدایی، ارزش ندارد. نیت، رکن عبادت است. اگر عملی بدون نیت انجام شود، یا نیت غیرخدایی داشته باشد، باطل است. نیت، اصل و اساس عمل است. مقدس ترین کارها به خاطر نیت بد فاسد می شود و ساده ترین کارها، با نیت خوب، ارزشی بسیار پیدا می کند.

نیت خدایی، عامل جذب الطاف الهی است. هر که در راه خدا تلاش کند، خداوند هم راه های خودش را به او می نمایاند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا.» (عنکبوت: ۶۹) نیت، شرط قبولی عمل است. امام صادق علیه السلام از قول خدای متعال می فرماید: «... مَنْ اَشْرَكَ مَعِی غَيْرِی فِی عَمَلِی لَمْ اَقْبَلْ اِلّا ما كَانَ خَالِصاً لی؛ ... هرکس در اعمال مربوط به من غیر من را با من شریک گرداند، جز آنچه را خالص برای من است، نمی پذیرم».(۱)

پرسش بیست و نهم: رکوع چه فلسفه ای دارد؟

پرسش بیست و نهم: رکوع چه فلسفه ای دارد؟

نخستین و زیباترین نشانه فروتنی انسان در برابر پروردگار، خم شدن در برابر او (رکوع) و تعظیم کردن به اوست.

۱- محسن قرائتی، پرتوی از اسرار نماز، ج ۱، صص ۱۱۵ و ۱۱۶.

ص: ۴۷

در رکوع، انسان خاکی با تمام وجود بانگ برمی آورد: «سبحان ربی العظیم و بحمده»؛ پاک و پاکیزه می دانم و منزه و مقدس می شمارم پروردگار بزرگ خود را، از هر چه جناب عظمت و رفعت او را روا نباشد و جلال کبریا و جبروت وی را نسزد و نشاید.

درباره فلسفه و حکمت های رکوع می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. بهترین حالت تعظیم و بزرگداشت خدا

«رکوع نمایشگر و نمودار فروتنی انسان در برابر قدرتی است که او را فراتر از خود می داند. مسلمان چون خدا را برترین قدرت ها می داند، در برابر او رکوع می کند و چون هیچ موجودی جز خدا را برتر و فراتر از انسانیت خود نمی داند، در برابر هیچ کس و هیچ چیز دیگر سر خم نمی کند».(۱)

۲. دوری از تکبر و خودخواهی

نمازگزار، در هر مقام و منزلتی، در برابر خدای خود سر فرود می آورد و بدین وسیله، روحیه بزرگ پنداری و خودخواهی را از خود می زداید و خویشتن را از دام هولناک تکبر، منیت، غرور و خودفریفتگی می رهاند.

۳. امتحان و آزمایش انسان ها

دستور به رکوع، آزمایش و امتحان انسان در عمل به اوامر و خواسته های خداوند است. رکوع در ظاهر، عملی سخت به شمار می رود (به ویژه برای صاحبان مقام و مال) و تنها، فرمان بردار واقعی فرمان های الهی، از این آزمون سربلند بیرون می آیند.

۴. وجه تمایز مسلمانان از دیگر ملت ها

رکوع و خم شدن در عبادت و نماز، ویژه دین اسلام است، ازاین رو، عبادت مسلمانان را از دیگر ملت ها متمایز می کند.

۱- آیت الله سیدعلی خامنه ای، از ژرفای نماز، ص ۵.

ص: ۴۸

۵. کمال خضوع در مقابل خداوند

اشاره به این است که نمازگزار پس از خوانـدن حمد و سوره، مورد عتاب خالق عظیم قرار می گیرد که: ای بیچاره! اگر بندگی تنها به حمد و ستایش و تکبیر گفتن بود، پس این همه پیامبران و اولیا برای چه برانگیخته شدند. برخیز و بندگی کن تا نجات یابی.

اینجاست که دیگر بنـده، توان پاسخ گویی به خداوند را ندارد و راهی برای نجاتش نمی بیند؛ پس خاضع و ذلیل می شود. آنگاه به رکـوع می رود و می گویـد: «سـبحان ربی العظیـم و بحمـده»؛ پـاک و منزه می دانم خـالقم را از همه عیب و نقص هـا و سـتایش را منحصر در ذات او می دانم».(۱)

۶. استواری در دین

امام علی علیه السلام می فرماید:

معنای کشـیدن گردن در رکوع، این است که در ایمان به خـدا اسـتوارم؛ اگر چه گردنم زده شود. و معنای سر برداشـتن از رکوع و گفتن «سمع الله» این است که حمد و ثنای ما را می شنود آن خدایی که ما را از نیستی و عدم، به وجود آورده است.(۲)

۷. همراهی با فرشتگان مقرب الهی

فرشتگان خدا همواره در حال پرستش خدایند. برخی همواره در رکوع و بعضی همیشه در سجود و تسبیح اند.

امیرالمؤمنین علی علیه السـلام می فرمایـد: «عـده ای از فرشـتگان در رکوع انـد و سـجود. و صف کشـیدگان و تسبیح گویان، بدون خستگی اند».(۳)

خداوند در قرآن می فرماید: «نمازگزارانی که به رکوع می پردازند، [نه تنها] با فرشتگان الهی هماهنگ اند، بلکه با همه ذرات عالم وجود، به تسبیح خدای سبحان مشغولند.» (اسراء: ۴۴) و چه عزتی از این بالاتر.

۱- اسرار الصلاه، ص ۴۲۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱.

۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۹۵؛ ملا محسن فیض کاشانی، ترجمه الصلاه، ص ۴۶.

ص: ۴۹

۸. قیام و سربرداشتن از رکوع

«نیت انسان در انجام این عمل باید این باشد که پس از خضوع و خشوع در برابر پروردگار، به حول و قوه او بر دشمنان او گردن افرازد و برتری جوید، و در هنگام گفتن تکبیر آن، دست ها را که بلند می کند، از تواضع و فروتنی در مقابل دشمنان خدا تبری جوید. مستحب است بنده در هنگام رکوع، پشت خود را صاف نگه دارد و گردنش را بکشد؛ به این نیت که من به تو ایمان آورده ام، گرچه گردنم را بزنی. سپس سر را بلند کند، به این امید که خشوع و تسبیح و حمدش در درگاه الهی پذیرفته شده باشد. با حول و قوه او بر دشمنان او غالب آید و با این امید این ذکر را بر زبان می آورد که «سمع اللّه لمن حمده»؛ هر کس که حمد و ستایش حضرت حق کند، خداوند آن را می شنود».(۱)

پرسش سی ام: اسرار سجده را برشمارید.

پرسش سی ام: اسرار سجده را برشمارید.

۱. بالاترین حد فروتنی است. مقام معظم رهبری دراین باره می گوید:

جبهه بر خاک نهادن، نشانه بالاترین حد خضوع انسان است و نمازگزار، این حد نصاب تواضع را، شایسته خدا می داند؛ زیرا کرنش در برابر نیکی و زیبایی مطلق است و آن را در برابر هر کس یا هر چیز غیر خدا، حرام و ناروا می شمارد... .(۲)

۲. سجده بر خاک، نوعی هماهنگی در عبادت و یک رنگی و یکسانی را برای همه ایجاد می کند و از اینکه برخی بخواهند با سجده بر چیزهای دیگر، امتیازخواهی خود را مطرح کنند، جلوگیری می کند. (مثلا سجده بر فرش های قیمتی و یا طلا و نقره و...)

۳. انسان از خاک و زمین است و سجده ما، نشان آغاز آفرینش آدمی از زمین و بازگشت او به خاک است و این یادآوری، جز با سجده بر خاک و زمین میسر نیست.

۱- اسرار فروع الدین، ص ۲۲۳.

۲- مقام معظم رهبری، از ژرفای نماز، ص ۵.

ص: ۵۰

امام علی علیه السلام درباره فلسفه و معنای سجده می فرماید:

معنای سجده اول این است که سر به سجده فرو می برد، می خواهد بگوید: خدایا تو از این خاک ما را به وجود آوردی و آنگاه سر برمی دارد و می خواهد بفهماند که ما از دل همین خاک بیرون آمده ایم و آن وقت که برای سجده دوم سر به خاک می گذارد، اعلام می دارد: باز هم به دامن این خاک باز می گردم و آنگاه که سر بلند می کنیم، تفسیر آن این است که باز هم در روز قیامت از دل همین خاک، خارج می شویم.(۱)

۴. اقرار عملی به عظمت و پیراستگی الهی است. «سُبْحَانَ رَبِّیَ الْأَعْلی وَ بِحَمْدِهِ»؛ پاک و پیراسته است خداوندگار من که برترین است و من ستایش گر اویم. این ذکری است که نهایت اقرار انسان به عظمت پروردگار را به شکل عمل نشان می دهد.

۵. در روایت ها وارد شده که سجده های طولانی، از سیره و روش ائمه علیهم السلام و از شدیدترین اعمال علیه ابلیس است که گناهان را مثل اینکه باد، برگ درختان را می ریزد، محو می کند و نزدیک ترین حالت بنده به خداوند است.(۲) به گفته شهید ثانی:

نمازگزار به هنگام سجده، باید معنا و مفهوم آن را وسیله تقرب و نزدیکی دل به پیشگاه خدای متعال قرار دهد که هر قدر به خدا نزدیک تر شود، به همان اندازه از دیگران دور خواهد شد.(۳)

۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

ظاهر سجده صورت گذاردن بر خاک است از روی اخلاص و خشوع، ولی باطن آن دل کندن از همه امور فانی و دل بستن به سرای باقی و رهایی از تکبر و تعصب و تمام وابستگی های دنیوی است.(۴)

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۸۰، «ماده سجد».

۳- اسرار نماز، ص ۱۵۵.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۸۴.

ص: ۵۱

۷. خیر و برکت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دینی که در آن رکوع و سجود نباشد، خیری در آن نیست».(۱)

۸. نجات دهنده از آتش دوزخ است. در روایت آمده است: «در روز قیامت، خدای متعال به آتش دوزخ می فرماید: ای آتش! هر چه را می خواهی بسوزان؛ ولی به موضع سجده نزدیک مشو».(۲)

۹. امام صادق علیه السلام درباره فلسفه رکوع و سجود می فرماید:

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله را به معراج بردند و در آنجا نماز گزارد و ذکر گفت و از عظمت خداوند دید آنچه را دید، بدنش لرزید و بدون اختیار به حال رکوع درآمد. در آن حال گفت: «سبحان ربی العظیم و بحمده».

وقتی که از آن حالت برخاست، خدای خود را در مکان بلندتری که از آن برتر تصور نمی شد، دید و بدون اختیار، صورت خود را به خاک نهاد و گفت: «سُبْحانَ رَبِّیَ الْاَعْلی وَ بِحَمْدِه».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این کلمات را تکرار می کرد تا پس از گفتن هفت مرتبه، قدری از آن وحشتی که دلش را پر کرده بود، کاسته شد. به همین دلیل، در میان امت آن حضرت این دو ذکر سنت شد.(۳)

۱۰. درباره فلسفه سجده بر خاک، امام صادق علیه السلام فرموده است:

سجده، خضوع در برابر خداست. پس سزاوار نیست بر خوراکی و پوشاکی سجده کنید. چون مردم، بنده خوردنی ها و پوشیدنی هایند، درحالی که سجده کننده، در حال عبادت خداست و نباید پیشانی اش را بر چیزی بگذارد که مردم دنیاپرست بر آن سجده می کنند و به آن فریب می خورند. سجده بر زمین بهتر است؛ چون تواضع در برابر خدا، بلیغ تر و رساتر است.(۴)

۱- منهج الصادقین، ج ۱۰، ص ۱۲۳.

۲- منهج الصادقین، ج ۸، ص ۳۹۷.

۳- نماز و عبادت تفسیر المیزان، ص ۲۵۲.

۴- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۸۶.

ص: ۵۲

۱۱. سجده، واجب و عبادت جامعی است که صورت، دست ها و پاها را دربرمی گیرد؛ نمازگزار در سجده با تمام اعضای ظاهری و باطنی خود، عبادت می کند و این در دیگر ارکان نماز دیده نمی شود. (هذه فریضه جامعه علی الوجه و الیدین و الرجلین).(۱)

پرسش سی و یکم: فلسفه قنوت و آثار آن چیست؟

پرسش سی و یکم: فلسفه قنوت و آثار آن چیست؟

نمازگزار در میان نماز، این اجازه را می یابد که با بالا بردن دست های خود، به دعا بپردازد و خواسته هایش را مطرح کند. قنوت در همه نمازهای واجب، پیش از رکوع دوم مستحب است و بهتر است ترک نشود.

درباره فلسفه و رموز قنوت، می توان چنین گفت:

۱. قنوت، بهترین حالت نیایش و طلب حاجت از خداست. نمازگزار در این حالت سر خود را به هدفی خم می کند و دست هایش را فروتنانه بالا می برد. بدین وسیله، نیازمندی خود را به نمایش درمی آورد.

۲. قنوت، مناجات و راز و نیاز صمیمانه با خداست. در قنوت، نمازگزار از حالت رسمی خارج می شود و با دعاها و ذکرهای گوناگون، به درد دل کردن با خدا می پردازد.

این شیرین ترین لحظه ای است که در دیگر رکن ها و کارهای نماز کمتر دیده می شود.

۳. قنوت، وسیله ای برای آسان گرفتن مراحل حساب رسی در قیامت است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «اَطْوَلكُم قُنوتاً فی دارِ الدُّنیا، اَطْوَلُكم راحَهً فِی الْمَوْقِفِ یَوْمَ الْقِیامَهِ؛ کسی که در دنیا (در نماز) قنوت طولانی داشته باشد، در قیامت راحت ترین فرد در موقف (حساب رسی) خواهد بود».(۲)

۱- بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۲۸.

۲- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۹.

ص: ۵۳

۴. قنوت و دعای آن، نشانه فروتنی و خداخواهی انسان است. خداوند می فرماید:

مرا (بـا خلوص دل) بخوانیـد تا دعای شـما را اجابت کنم. آنان که از (دعا و) عبادت من اعراض و سرکشـی کننـد، زود باشـد که با ذلت و خواری، داخل جهنم شوند. (مؤمن: ۶۱)

۵. توجه واقعی به خدای آسـمان ها و زمین است نمازگزار با بالا بردن دست های خود به سوی آسـمان، به بزرگی خدا اعتراف می کنـد و همه چیز و همه کس را از او می دانـد. خداوند در همه جا حضور دارد؛ ولی بیشتر ما انسان ها به این مطلب توجه نمی کنیم. ازاین رو، بهترین حـالت این است که دست ها را به سـمت فضای بی کران آسـمان بگیریم و خـدای خود را، در هر کجا که هست، یاد کنیم و از او یاری بخواهیم.

۶. تکمیل کردن نماز است. امام صادق علیه السـلام فرمود: «کسـی که از روی عمـد قنوت نماز را ترک کند، نمازش، نماز (کاملی) نیست».(۱)

پرسش سی و دوم: فلسفه تشهد در نماز چیست؟

پرسش سی و دوم: فلسفه تشهد در نماز چیست؟

نمازگزار در رکعت دوم و آخر نماز، پس از سـجده، تشـهد می خوانـد که شامل گواهی دادن به یکتایی خدا و رسالت پیامبر است. درباره فلسفه و حکمت تشهد می توان به موردهای زیر اشاره کرد:

۱. حمد و ستایش الهی

امام صادق علیه السلام فرمود:

تشـهد، حمـد و سـتایش خـداست. پس در خلوت، بنـده خدا باش و در کارها فروتن؛ زیرا خدا انسان را خلق کرده و او را به عبادت کردن فرمان داده که با قلب و زبان و جوارح، حق عبودیت را به جای آوری... .(۲)

۱- جوادی آملی، اسرار الصلاه، ص ۱۱۳.

۲- مصباح الشریعه، منسوب به امام صادق علیه السلام ، ص ۹۳.

ص: ۵۴

۲. تجدید ایمان و اسلام

امام علی علیه السلام فرمود: «معنای تشهد، تجدید و تکرار شهادتین است؛ تجدید ایمان و اسلام و اعتراف به مبعوث شدن بعد از مرگ».(۱)

۳. اقرار و اعتراف به توحید و نبوت

شخص نمازگزار روزانه ده ها مرتبه به یگانگی خدا و رسالت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شهادت می دهد و این گواهی را در نماز مستحکم می سازد. تشهد، بیان و تکرار سخنانی است که در ابتدای نماز (اذان و اقامه) به زبان آورده و این برای یادآوری و اقرار مکرّر سخنان پیشین است.

۴. صلوات بر پیامبر خاندان آن حضرت، نمایان گر مفاهیم زیر است:

الف) قدردانی از تلاش های طاقت فرسای پیامبر در هدایت مردمان؛

ب) جایگاه والای خاندان معصوم آن حضرت، به گونه ای که در نماز هم از آنان یاد می شود؛

ج) پیوند نزدیک نبوت با امامت؛

د) عمل به سفارش های پیامبر در دوستی با خاندان آن حضرت.

۵. در حمد، به زبان جمع اظهار بندگی می کنیم. تشهد، به زبان اول شخص (شهادت می دهم) است. گویا این گواهی را هر کس باید خود، با آگاهی و اعتقاد عمیق، اظهار و بیعت خویش را با خدا و رسول تجدید کند.(۲)

۶. در تشهد، مستحب است انسان پای راست خود را بر روی پای چپ بیندازد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیان دلیل این عمل فرمود: «تأویل آن این است که خدایا! باطل را بمیران و حق را بر پای دار».(۳)

۷. تشهد نماز، به زانو زدن در پیشگاه خدای متعال در روز قیامت شباهت دارد.(۴)

۱- پرتوی از اسرار نماز، ص ۱۸۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۸۸.

۳- عبدالحسین تهرانی، اسرار الصلاه، صص ۴۰ و ۴۱.

۴- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۹۵.

ص: ۵۵

پرسش سی و سوم: حکمت سلام پایان نماز در چیست؟

پرسش سی و سوم: حکمت سلام پایان نماز در چیست؟

آخرین مرحله نماز، سلام و درود فرستادن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، بندگان صالح و همه نمازگزاران است.

«تکبیره الاحرام» اجازه ورود به نماز و «سلام» اجازه خروج از آن است.

درباره حکمت و فلسفه «سلام» می توان به موردهای زیر اشاره کرد:

۱. احساس یگانگی و همدلی مسلمانان

نمازگزار وقتی در سلام نماز به همه مؤمنان و بندگان صالح و بر خودش سلام می دهد، احساس می کند که تنها نیست. او خود را از افراد امت بزرگ اسلام می داند و با مردان خدا، در هر جای زمین احساس هم بستگی می کند.

۲. امان خواستن از خدا

واژه سلام در میان دو معنا مشترک است: درود و تحیت، نام مقدس خداوند.

بر اساس معنای نخست، معنای سلام های نماز روشن است، ولی بر اساس معنای دوم، اشاره و کنایه از این است که نمازگزار به اذن پروردگار، سلامتی و امن از عذاب را برای مؤمنان تفأل می زند.

چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «معنی السلام فی دُبُرِ کُلِ ّ صَلاهٍ الْاَمانُ؛ معنی سلام در آخر هر نمازی، امان است»؛ یعنی اگر نماز را در حالی که قلبش خاضع است به جای آورد، از بلاهای آخرت در امان خواهد بود.(۱)

۳. جلب رحمت الهی

امام علی علیه السلام می فرماید: «در معنای السلام علیکم ورحمه الله و برکاته، از خدا ترحم خواستن برای خود و همه بندگان است که این خود، ایمن شدن از عذاب قیامت را سبب می شود».(۲)

۱- مصباح الشریعه، ص ۹۰؛ اسرار نماز، ص ۱۶۲.

۲- ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۲۵۹.

ص: ۵۶

۴. یادآوری نام الهی

امام صادق علیه السلام فرموده است:

سلام، یکی از اسم های خداست و اگر می خواهی سلام نماز را به خوبی انجام دهی و معنایش را ادا کنی، پس باید از خدا بترسی و دین و قلب و عقلت را سالم نگه داری و آنها را به ظلمت گناه آلوده نکنی.(۱)

۵. تلقین نیکی ها و شایستگی ها

یکی از درس ها و آثار نماز این است که هر نمازگزاری، در هر شبانه روز پنج بار به خود تلقین می کند که از بندگان نیکوکار و شایسته خداوند است: «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین.» کسی که نماز می خواند، اگر به معنای این جمله توجه کند، می کوشد با پیام آن تلقین مخالفت نکند، اعمال خلاف مرتکب نشود و خود را هرچه بیشتر به نیکوکاران الگو نزدیک سازد.(۲)

۶. ارتباط با فرشتگان

سلام، نوعی ارتباط با فرشتگان و اظهار دوستی با آنان است. در روایتی از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «چرا در وقت سلام، نمازگزار رو به سمت راست برمی گرداند، نه به چپ؟» فرمود: «ملکی که کارهای خوب را می نویسد، در طرف راست است. و چون نماز همه اش خوب است و بدی در آن نیست، به طرف راست سلام داده می شود، نه طرف چپ».(۳)

۷. پیوند دوستی و محبت با دیگران

سلام، خواستن سلامتی، امنیت، خیر و برکت و سعادت است. نمازگزار با سلام دادن، نشان می دهد که دوست دار و خیرخواه همه خوبان و نیکوکاران

۱- رموز نماز، ص ۸۳.

۲- سید روح الله موسوی خمینی، آداب الصلوه (آداب نماز)، ص ۳۹۹.

۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۹۵.

ص: ۵۷

است و همواره آرزو می کند آنان سلامت باشند. این مسئله باعث نزدیکی قلب ها به هم و مستحکم تر شدن دوستی ها و برادری هاست.

پرسش سی و چهارم: چرا سلام در پایان نماز آمده است نه ابتدای آن؟

پرسش سی و چهارم: چرا سلام در پایان نماز آمده است نه ابتدای آن؟

سلام در نماز، خطاب به خداوند نیست، بلکه خطاب به مؤمنان و اولیای خداست؛ یعنی انسان در پایان نماز، گویی از سفری معنوی و محضر خداوند به میان انسان ها بازمی گردد، بنابراین، به آنها سلام می کند. وقتی انسان به کسی برسد که او را ندیده است سلام جا دارد، در حالی که خداوند همیشه و در همه جا حاضر است. از همین رو، او معنا ندارد. همچنین سلام فقط برای شروع و آغاز دیدار نیست، بلکه در میان عرب ها به معنای خداحافظی نیز به کار می رود.

از سوی دیگر در وجه سلام آخر نماز گفته شده است: هنگام نماز، انسان با خلق خدا قطع رابطه می کند و تنها با خدا سخن می گوید. چون انسان در نماز با خدا ارتباط برقرار می کند، پس در پایان نماز که بازگشت از معراج است، به سوی خلق خدا بازمی گردد و در این مرحله به مؤمنان و صالحان سلام و درود می فرستد.

پرسش سی و پنجم: آثار و فلسفه تسبیحات اربعه در نماز چیست؟

پرسش سی و پنجم: آثار و فلسفه تسبیحات اربعه در نماز چیست؟

در رکعت سوم و چهارم نمازهای واجب، ذکر تسبیحات اربعه تشریع شده است. به این دلیل این ذکر را تسبیحات اربعه نام نهاده اند؛ زیرا در عبارت تسبیحات اربعه چهار مرتبه بهترین تسبیح ها مورد توجه و تکرار نمازگزار قرار می گیرند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سبحان الله، و الحمد لله، و لا اله الا الله، و الله اکبر سید و سرور همه تسبیح ها هستند».

ص: ۵۸

ممکن است بپرسید چرا این ذکرهای چهارگانه را «تسبیحات» اربعه نام نهادند، در حالی که تنها ذکر اول تسبیح است و بقیه ذکرها تحمید و تهلیل و تکبیرند. پاسخ این است که تسبیح، منزه دانستن خدای تعالی است. بنابراین، هر ذکری که ذات مقدسش را از نقصی مبرا کند، تسبیح است و هر یک از ذکرهای یادشده از چنین محتوایی بهره مندند. «سبحان الله» منزه دانستن ذات اقدس حق از هر عیبی است. «الحمدلله» منزه دانستن او از هر ناپسندی است و «لا اله الا الله»، تنزیه او از هر گونه شریک و همتاست. «الله اکبر» تنزیه او از هر گونه محدودیت و توصیف ناقص است. بنابراین، تحمید، تهلیل و تکبیر، خود نوعی تسبیح بلکه سرور همه تسبیح ها هستند.

از کنار هم قرار گرفتن این چهار ذکر الهی مجموعه ای باارزش به دست می آید؛ زیرا اصول تنزیه خدای سبحان، در تسبیح، تحمید، تهلیل و تکبیر است که نمازگزار به همه آنها زبان می گشاید و محتوای اعتقادی و توحیدی خود را در ارتباط با خالق یگانه، به وسیله آنها بیان می دارد.

جامعیت تسبیحات اربعه، در سلامت اعتقاد و حفظ باورهای دینی نمازگزار نقش اساسی دارند. این باورها تضمین کننده انجام اعمال صالح و پرهیز از محرّمات اند. همچنین سبب می شود نمازگزار از خدا بترسد و به او دل ببندد و آینده خود را روشن ببیند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردم سفارش می کرد سپرهای خود را به دست گیرید. گفتند: «یا رسول الله! دشمنی آمده است؟» فرمود: «خیر، ولی سپرهای خود را در برابر آتش در برگیرید.» گفتند: «یا رسول الله سپرهای ما از آتش چیست؟» فرمود: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر».(۱)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۲۶.

ص: ۵۹

پرسش سی و ششم: فلسفه خواندن نماز آیات، زمانی که نه زلزله را حس کردیم نه ترسیدیم، چیست؟

پرسش سی و ششم: فلسفه خواندن نماز آیات، زمانی که نه زلزله را حس کردیم نه ترسیدیم، چیست؟

فلسفه نماز آیات، تنها برای رسیدن به آرامش و جلوگیری از ترس و وحشت نیست، بلکه در پدیده هایی که همواره با ترس همراه نیستند، مانند کسوف و خسوف نیز نماز آیات واجب است. بنابراین، نماز آیات هر چند در برخی موارد برای جلوگیری از ترس مردم است که به واسطه نماز آیات، به آرامش و امنیت خاطر برسند: «أَلَا بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)، حکمت های دیگری نیز دارد.

از مجموعه روایت هایی که درباره نماز آیات آمده، چنین برمی آید که بروز این پدیده ها که معمولاً غیر عادی و خارج از روند زندگی انسان هاست، موقعیتی مناسب برای رو آوردن به خداوند و به یاد آوردن علت واقعی همه چیزهاست. بنابراین، در این لحظه ها شایسته است که ایمان قلبی خود را عملی کنیم و با خواندن یکی از بهترین ذکرهای پروردگار، یعنی نماز و نهادن پیشانی به آستان پروردگار جهان، عقیده و اعتراف باطنی خود را نشان دهیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید:

خورشید و ماه به سبب مرگ یا زندگی کسی، کسوف و خسوف نمی شوند. این دو از نشانه های خداوند متعال هستند. هنگامی که خسوف و کسوف را دیدید، برای نماز خواندن به مساجد بروید.(۱)

افزون بر آن، نماز آیات مانعی برای پناه بردن برخی مردم به بعضی امور خرافی است. اسلام با واجب کردن نماز آیات به هنگام وقوع این پدیده ها، مردم را از توجه به خرافه ها باز می دارد و افکار آنان را به نقطه ای که سرچشمه تمام رخدادهای گیتی است، متوجه می سازد، همچنان که حضرت

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۹۲.

ص: ۶۰

ابراهیم از افول ماه و خورشید، توحید را نتیجه گرفت و فرمود: «إِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمَ اوَاتِ وَالأَـرْضَ حَنِیفًا وَمَا أَنَاْ مِنَ الْمُشْرِکِینَ». (انعام: ۷۹)

در واقع شاید نام گذاری نماز آیات (نماز نشانه ها) به همین دلیل باشد که انسان با این نماز، پدیده های طبیعی را نشانه ای از قدرت، عظمت و مالکیت خداوند برای همه چیز بداند.

ص: ۶۱

فصل چهارم: آداب و شرایط نماز

اشاره

فصل چهارم: آداب و شرایط نماز

زیر فصل ها

پرسش سی و هفتم: آیا نماز که عالی ترین عبادت است، به مقدمات نیاز دارد؟

پرسش سی و هفتم: آیا نماز که عالی ترین عبادت است، به مقدمات نیاز دارد؟

به طور معمول انجام هر کاری به یک سری مقدمات و شرایط بستگی دارد؛ به گونه ای که اگر آن شرایط و مقدمات فراهم نشود،

آن عمل و کار به طور صحیح و کامل محقق نمی شود.

عبادت نیز زمینه های ویژه ای دارد که آنها را پیش نیاز عبادت می نامیم.(۱) برای تحقق عبادت صحیح و آگاهانه، توجه به این پیش زمینه ها ضروری است. یعنی بدون توجه به آنها، نمی توان نماز کاملی که در ایجاد انس با خداوند مؤثر است، به جای آورد. همان گونه که حضور در دانشگاه و تحصیل در سطوح عالی، مستلزم گذراندن دوره متوسطه است، انس با نماز نیز برخی پیش نیازها را می خواهد که بدون توجه به آنها، موفقیت چندانی در این راه به دست نمی آید. به عبارت دیگر، پیش نیازهای عبادت، بخشی از آمادگی های لازم را جهت ایجاد شرایط عبادت در انسان، به وجود می آورد که به کمک آنها، انسان در مسیر عبادت اثرپذیر خواهد بود.

۱- محمد نصر اصفهانی، اخلاق دینی در اندیشه شیعی، ص ۷۸.

ص: ۶۲

پرسش سی و هشتم: مقدمات شناختی و معرفتی برای اقامه نماز کامل و معنوی چیست؟

اشاره

پرسش سی و هشتم: مقدمات شناختی و معرفتی برای اقامه نماز کامل و معنوی چیست؟

هر فردی پیش از اینکه به وادی نماز و عبادت وارد شود، باید در نظام معرفتی خود مقدمات لازم را برای دستیابی به بینش های فرانگر، دارا باشد. عبادتی که از روی شناخت و معرفت نباشد، اگر چه همیشگی باشد، بی شک رابطه ای عمیق نخواهد بود. نمازگزار پس از پشت سر گذاشتن مراحل شناختی و برخی معرفت ها و ایجاد بینش های صحیح، با استفاده از عوامل انس می تواند به مراحل عالی نمازگزاری دست یابد و نمازی که از روی عادت و بدون اثر درونی خوانده می شود، چیزی بیش از به جا آوردن یک آداب ظاهری نیست. این پیش نیازهای شناختی عبارتند از:

۱. خودشناسی

۱. خودشناسی

انسان در فرآیند خودشناسی به ضرورت عبادت پی می برد و به وجود عبادت احساس نیاز می کند. انسان در روند خودشناسی، می فهمد که زندگی به جز جنبه های مادی، چهره ای معنوی نیز دارد، این جنبه زندگی مربوط به فطرت خدادادی است. پس تنها با اخلاق نیکو و پرستش خداوند دوام می یابد. نتیجه این شناخت، درک نیازمندی های انسان به خداوند است.(۱) پس از درک این نیازهاست که انسان، خداوند را به خاطر نعمت های بی پایانش شکر می کند. این همان روح بندگی است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در توصیف اهمیت خودشناسی می گوید: «برترین پیروزی برای آدمی، شناختن نفس خویشتن است».(۲)

۱- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاء إِلَى اللَّهِ ؛ ای مردم شما نیازمند به خدایید». (فاطر: ۱۵)

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۲.

ص: ۶۳

۲. خداشناسی و توحید

۲. خداشناسی(۱) و توحید

انسان تا زمانی که خدا را نشناسد و به مقام عظمت او آگاه نشود، انگیزه ای برای عبادت ندارد، ولی خداشناسی نیز به دنبال خودشناسی به دست می آید.(۲) با این حال، پی بردن به ابعاد وسیع توحید، نیازمند تلاش برای کسب معرفت بیشتر است.

امام حسین علیه السلام می فرماید:

ای مردم! خداوند بندگانش را خلق نفرمود، مگر برای آنکه او را بشناسند. پس هنگامی که او را شناختند، او را عبادت کنند و هنگامی که او را عبادت کردند، دیگر بی نیاز از عبادت غیر او شوند.(۳)

ایمان به خدای یگانه و باور توحیدی، یکی از عمده ترین پیش نیازهای معرفتی عبادت است که بدون توجه به آن، عبادت چیزی جز آداب ظاهری نخواهد بود. آگاهی از معنای واقعی توحید، بر عبادت، آثاری بسیار ژرف می نهد. بر اساس نظر عرفا و علمای اخلاق، توحید، از عالی ترین مراحل سیر و سلوک است.

۳. معادشناسی

۳. معادشناسی

آثار تربیتی معاد، یکی از بزرگ ترین راهکارهای اخلاقی برای ترک صفات ناپسند و ایجاد فضایل اخلاقی است. به گونه ای که انکار معاد را می توان بزرگ ترین عامل گستاخی بشر در سرپیچی از فرمان های الهی دانست. در مقابل، ایمان به معاد، بالاترین ضمانت اجرایی عمل به دستورهای الهی است.

۱- نک: محمد محمدی ری شهری، مبانی خداشناسی.

۲- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «آن کس که خود را شناخت، خدای خویش را شناخت». بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۲.

۳- بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۱۲.

ص: ۶۴

از این منظر، معاد یکی از مهم ترین پیش نیازهای شناختیِ عبادت است. آگاهی انسان از زندگی پس از مرگ، سبب انس بیشتر و واقعی او با عبادت و احساس نیاز به کسب توانایی های لازم، برای این سفر سرنوشت ساز است.(۱)

۴. امام شناسی

۴. امام شناسی

امامت از اصول مذهب شیعه و از مبانی جهان بینی شیعی است که نقش مهمی در زندگی عبادی شیعیان داشته است. ائمه اطهار علیهم السلام افزون بر اینکه الگوهای برجسته و کامل عبادت و اسوه دین داری بوده اند، اندیشه ها و راهبردهای گران قدرشان، همواره برنامه حرکت در مسیر عبادت الهی را در اختیار انسان ها قرار می دهد از منظر شیعه ائمه علیهم السلام واسطه فیض الهی اند و سبب نزول برکات بر انسان ها می شوند و پذیرش اصل ولایت از شرایط پذیرش اعمال است.(۲) امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «ما باب اللّه هستیم و راه خدا از طریق ما شناخته می شود».(۳)

پرسش سی و نهم: برای حضور قلب در نماز، چه باید کرد؟

پرسش سی و نهم: برای حضور قلب در نماز، چه باید کرد؟

۱. دقت در انجام مقدمات نماز، مانند وضوی با معنویت، انجام مستحباتی چون اذان، اقامه و...؛

در کتاب های حدیث آمده است: شخصی از پیامبر درخواست کرد که راه حضور قلب بیشتر در نماز را به او نشان دهد. حضرت به او فرمان داد با شادابی وضو بگیرد. بنابراین، وضوی شاداب و با آداب، خود در حضور قلب انسان در نماز مؤثر است.

۱- نک: شیخ عباس قمی، منازل الاخره؛ مرتضی مطهری، حیات اخروی؛ عبدالله جوادی آملی، معاد در قرآن؛ جعفر سبحانی، معاد انسان و جهان.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۰.

۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۲۲؛ بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۱۲۷.

ص: ۶۵

۲. گزینش مکان مناسب برای نماز، دوری از مکان های شلوغ و پرهیز از هر آنچه موجب انحراف توجه از خداوند شود؛

۳. نماز اول وقت؛

۴. شرکت در نماز جماعت (به ویژه در جماعاتی که بعد معنوی بیشتری دارد)؛

۵. دقت در مفاهیم و معانی نماز؛

۶. در حال ایستاده به مهر نگریستن، در رکوع به پایین پا و در تشهّد به دامن خود نظر کردن؛

۷. خالی کردن دل از دوستی دنیا و امور دنیوی و لبریز ساختن دل از عشق به خدا؛

توضیح: ذهن انسان همواره متوجه چیزی است که به آن عشق می ورزد؛ همانند عاشقی که لحظه ای از فکر معشوق خود بیرون نمی رود. اینکه ما در نمازهایمان همواره به فکر دیگر مسائل هستیم، به سبب تعلق شدید نفس به دنیا و حب آن است، ولی آن که عاشق حق شد، در هر حال و در هر کاری به یاد خدا خواهد بود، به گونه ای که گویی همیشه در نماز است.

۸. توجه به اینکه مبدأ و منتهای انسان خداوند است و آنچه در این میان روی می دهد، با هدف امتحان آدمی و ابزاری برای رشد و کمال اوست.

۹. توجه به عظمت و هیبت پروردگار و فقر و نیاز خود؛

طبیعی است که اگر انسان بداند در مقابل چه وجود بزرگ و عظیمی ایستاده و خود، عین فقر و وابستگی است، با تمام وجود خود را در عبادت صرف می کند.

۱۰. مطالعه درباره نماز اهل بیت علیهم السلام ، عرفا، علما و اولیا؛

۱۱. کسب معرفت از معانی، ذکرها و اعمال نماز؛

ص: ۶۶

یکی از شاگردان آیت الله بهجت می گویـد: «روزی به آقا عرض کردم: چه کنم در نماز حضور بیشتری داشـته باشم؟ غالباً در نماز، توجه و حضور قلب نـدارم؟» آقا سـر را پایین انـداخت، آنگاه سـر را بلنـد کرد و فرمود: «روغن چراغ کم است!» من دانسـتم چه می گوید؛ یعنی معرفت کم است. ایمان قلبی و باطنی ضعیف است، وگرنه ممکن نیست با شناخت کافی، قلب حاضر نباشد.(۱)

۱۲. رعایت آداب ظاهری و باطنی نماز؛

۱۳. توجه به فراغت وقت نماز؛

یکی از عوامل حضور قلب در نماز، «فراغت وقت» است. امام خمینی رحمه الله فراغت وقت را چنین معنا می کند:

«فراغت آن است که انسـان در شـبانه روز برای عبـادت خود، وقـتی را معیّن کنـد تـا در آن زمـان، اشـتغال دیگری به غیر از عبـادت نداشته باشد».(۲)

۱۴. توجه به فراغت قلب؛

فراغت قلب، مهم تر از فراغت وقت است و در واقع مقدمه ای برای رسیدن به آن است.

فراغت قلب، یعنی انسـان نمازگزار هنگام عبادت، ذهن و قلب خود را از مشـغله های دنیایی، فارغ و توجه قلب را از امور پراکنـده و پریشـانی خـاطر منصـرف کنـد تا با تمام دل با پروردگار به مناجات بپردازد. برای همین، سـزاوار است انسان پیش از نماز، مـدتی بر سجاده خود بنشیند و اندیشه خود را برای مناجات با خداوند خلوت کند، تا قلبش برای ملاقات با حضرت حق مهیا شود.

۱- رضا باقی زاده، برگی از دفتر آفتاب، ص ۱۳۲.

۲- امام خمینی، اربعین حدیث، ص ۴۶۷.

ص: ۶۷

«هنگام نماز» و «هنگام ارتباط با خدا»، قله لحظات زندگی ماست. البته باید دانست که این لحظه ها از دیگر ساعت های زندگی ما جدا نیست. پریشانی در برنامه روزانه و نگرانی از آینده، در کاهش نشاط روحی و در پی آن، کاستن معنویت نماز مؤثر است. یکی از شاگردان علامه طباطبایی رحمه الله از نداشتن خشوع و حضور قلب در نماز ناراحت بود. نزد علامه رحمه الله رفت و راهنمایی خواست. علامه نخست پاسخ نداد، ولی پس از اصرار شاگرد فرمود: «شما نمی توانی!» شاگرد گفت: «آقا شما بفرمایید، دست کم اگر کسی پرسید، به او بگویم».

علامه رحمه الله پاسخ داد: «فکر در نماز دنبال افکار شبانه روز است. کسی که صبح تا ظهر به یاد خدا نبوده، نمی تواند هنگام نماز یاد خدا را استمرار دهد».

همچنین آیت الله بهجت، در پاسخ شاگردانش درباره حضور قلب فرمود:

یکی از عوامل حضور قلب این است که در تمام ۲۴ ساعت، باید حواس خود را کنترل کنیم؛ زیرا حضور قلب مقدماتی دارد. باید در طول روز، چشم و گوش و دیگر اعضا و جوارح خویش را کنترل نماییم تا زمینه حضور قلب در هنگام نماز فراهم گردد.

آیت الله بهجت در سفارش دیگری می فرماید:

احساس لذت در نماز و حضور قلب، مقدماتی در خارج از نماز و مقدماتی در خود نماز دارد. آنچه باید خارج از نماز مورد ملاحظه باشد و به آن عمل شود، این است که انسان گناه نکند و قلب را سیاه و دل را تیره نسازد؛ چون معصیت و نافرمانی خداوند، دل را تیره می کند و نورانیت دل را از بین می برد.(۱)

۱۵. یاد مرگ؛

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که نماز واجب را می خوانی، در وقتش بخوان، مانند کسی که نماز وداع می خواند و می ترسد که بعد از این، توفیق نماز خواندن نیابد».(۲)

۱- برگی از دفتر آفتاب، ص ۱۳۲.

۲- بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۳.

ص: ۶۸

۱۶. دعا و درخواست از خداوند برای کسب توفیق حضور قلب در نماز؛

۱۷. توجه به نوافل؛

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر می فرماید: «خداوند فرمود: بنده به واسطه نوافل آن قدر به خدا نزدیک می شود که خدا او را دوست می دارد».(۱)

نوافل سبب می شود کاستی های باطنی نماز جبران شود. همچنین قسمت هایی از نماز را که بدون حضور قلب خوانده ایم، خداوند بپذیرد.(۲)

۱۸. نشاط؛

منظور از نشاط این نیست که انسان خوش حال و خندان باشد، بلکه یعنی کسالت و بی حالی را از خود دور سازد. گاهی بر اثر روزمرگی و کار و فعالیت زیاد، خستگی و کسالت انسان را فرا می گیرد. امام محمد باقر علیه السلام در قسمتی از روایتی می فرماید: «وَ لَا تَقُمْ اِلَی الصَّلاهِ مُتکاسِلًا وَ لَا مُتناعِساً؛ در حال کسل بودن و سستی نزدیک به خواب (و خمیازه کشان) به نماز مشغول نشوید».(۳)

این نشاط باید هم در چند دقیقه پیش از نماز و هم هنگام خواندن نماز حفظ شود.

۱۹. ترک مکروهات نماز؛

نماز خواندن مقابل دری که باز است یا روبه روی عکس و مجسمه چیزی که روح دارد و همه چیزهایی که ممکن است حواس نمازگزار را پرت کند، مکروه است. نکاتی مانند انگشت شکستن و بازی با سر و صورت نیز بهتر است ترک شود.

۲۰. نظم داشتن برای نماز اول وقت؛

نظم دغدغه فکری را از میان می برد. پس نماز و امور عبادی نیز اگر با نظم انجام گیرد، در حضور قلب مؤثر هستند.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۲.

۲- علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۳.

۳- شیخ کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۹۹.

ص: ۶۹

۲۱. عزم؛

بایـد تصـمیم گرفت. بـا یـک تصـمیم قاطع، هنگام نماز افکار، خیالات و حواس پرتی را در حـد توان کنار بگذاریـد. رعایت کردن دقیق موردهای گفته شـده، در موفقیت این عزم بسـیار مؤثر است. هر چه آنها دقیق تر انجام گیرد، در خودِ نماز هم موفق تر خواهید بود.

پرسش چهلم: آیا نداشتن حضور قلب و خشوع در نماز می تواند مجوزی برای ترک آن باشد؟

پرسش چهلم: آیا نداشتن حضور قلب و خشوع در نماز می تواند مجوزی برای ترک آن باشد؟

آیا کسـی که غـذای خود را نیمه کاره رها می کنـد و یا بدون خوب جویدن می خورد، با کسـی که غذا نمی خورد یکسان است و آیـا نفر اول، انرژی بیشتری در مقـایسه با شـخص دوم به دست نمی آورد؟ آیا منطقی است که کسـی بگویـد چون کاملاً سـیر نمی شوم و همه نیـاز بـدنم تـأمین نمی شود، پس اصـلاً غـذا نمی خورم؟ واقعیت مطلب آن است که هر چیزی در حـد خود تأثیر دارد و هرگز معقول نیست که با دست نیافتن به مراتب بالای یک عمل، همه آن را به کلی از دست داد.

حضور قلب و خشوع در نمـاز، شـرط کمـال نمـاز است، نه شـرط صـحت و درستی آن. یعنی نمـاز وقتی کامل و تمام عیار است که افزون بر رعایت مقدمات و شـرایط و آداب آن، که در رساله های عملیه آمده است، همراه با حضور قلب و توجه و تمرکز باشد که این به منزله روح عبادت و نماز است، ولی اگر در عین نداشـتن توجه و حضور قلب، شرایط نماز مانند وضو داشتن و روبه قبله بودن و صـحیح خوانـدن آن رعایت شـده باشد، از نظر شـرعی پذیرفته است و قضا و اعاده ندارد و تکلیف را از عهده خارج می کند؛ هر چند نمازی کامل نباشد.

ص: ۷۰

جوانی از انصار در عین حال که با پیامبر نماز می خوانـد، مرتکب گناه نیز می شـد. هنگامی که جریان را به پیامبر گفتنـد، حضـرت فرمود: بالاخره روزی نمازش او را از گناه باز می دارد. چندان طول نکشید که جوان متنبه شد و توبه کرد.(۱)

پس به بهانه حضور قلب نداشتن یا اقامه ظاهری نماز، نمی توان آن را ترک کرد، بلکه باید در فکر بهتر کردن آن بود.

از سوی دیگر، عقل و منطق حکم می کنـد که انسان هر چیز ناقص را به کامل آن مبـدل کنـد؛ نه آنکه همان ناقص را هم از دسـت بدهد. بنابراین، باید به چنین کسانی فهماند که این نگرش به کلی دور از خرد و عقل سلیم است و باید بکوشند آن مقدار از عبادت را نیز با وسوسه شـیطانی از دست ندهند. از سوی دیگر، به تدریج در به سازی آن همت کنند تا از برکات دنیوی و اخروی آن بهره مند شوند.

پرسش چهل و یکم: نماز فرادا با حضور قلب بهتر است یا نماز جماعت با حضور قلب کمتر؟

پرسش چهل و یکم: نماز فرادا با حضور قلب بهتر است یا نماز جماعت با حضور قلب کمتر؟

۱. اگرچه شاید حضور قلب در نمازهای فرادا بیشتر باشد، ولی بنا بر روایت ها شرکت در نماز جماعت، از نماز فرادا فضیلت بیشتری دارد.

بایـد گفت با حسن تدبیر و با به کارگیری راهکارهای عملی می توان حضور قلب را در نمازهای جماعت نیز گسترش داد. به همین منظور، توجه به توصیه های زیر مفید است:

الف) حضور در صف اول نماز جماعت؛

ب) حضور در مـدتی، چنـد دقیقه، پیش از اذان و اقـامه در صف نمـاز جماعت برای به دست آوردن آرامش بیشتر و توجه کامل به نماز؛

ج) خواندن ذکرها و دعاهای وارد شده هنگام وضو؛

۱- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸.

ص: ۷۱

د) توجه به اذان و اقامه امام جماعت؛

ه) خواندن تعقیبات و دعاهای وارد شده پس از نماز جماعت.

۲. نماز عبادت تک منظوره نیست، بلکه هندسه آن چند ضلعی است و به هدف ویژه ای محدود نمی شود.

اگر هدف نماز، تنها لذت ذکر و معرفت بود، این سخن را می پذیرفتیم که با گوشه نشینی و مراقبت فردی، بیشتر می توان آن حالات معنوی و عرفانی را کسب کرد ولی نماز در اسلام، بعدی کاملاً اجتماعی دارد. برای همین در نماز، اصل، جماعت است و «ضمایر جمع» در سوره حمد، شاهد مدعای ماست. پس باید با خواندن نماز، همراه جماعت حرکت کرد و هنر این است که آدمی، به گونه ای باشد که با وجود مشغله های گوناگون، از یاد خداوند غافل نشود و همواره او را حاضر و ناظر ببیند. در حقیقت در همه احوال، مشغول نماز باشد.

نماز اسلام، نماز ناهی از منکر و عمود برپایی خیمه دین است و چنین عبادتی، با گوشه گیری تحقق نمی یابد.

به گفته یکی از بزرگان دانش، «نماز فرادا» همانند آن است که هر شخصی در اتاق خود، چراغی داشته باشد که اگر خاموش شود، از نور بی بهره خواهد بود، ولی «نماز جماعت»، همانند آن است که در کنار هم هر یک، چراغی داشته باشیم که در صورت خاموش شدن یک یا چند مورد از آن، نور از بین نمی رود و از نور دیگری بهره برده می شود.

پرسش چهل و دوم: اگر فردی گرسنه باشد و هنگام نماز فرا رسد، در این شرایط آیا بهتر است که ابتدا نماز بخواند یا غذا بخورد؟

پرسش چهل و دوم: اگر فردی گرسنه باشد و هنگام نماز فرا رسد، در این شرایط آیا بهتر است که ابتدا نماز بخواند یا غذا بخورد؟

محور اصلی در عبادت ها به ویژه نماز که گل سرسبد همه عبادت هاست، حضور قلب، توجه و تمرکز است؛ توجه به اینکه با چه کسی گفت وگو و

ص: ۷۲

راز و نیـاز می کنیم و در برابر چه موجود قـادر و عظیمی ایسـتاده ایم. درك همین نکته و توجه به این امور است که سـبب می شود اولیای الهی هنگام عبادت و به ویژه نماز، یکسـره از عالم و آدم، خود و دنیا غافل شونـد؛ زیرا آنان عظمت خدا را با همه وجودشان احساس می کنند و خداوند متعال را به خوبی می شناسند. پس جز عظمت الهی، همه چیز در چشم آنها ناچیز و کوچك است.

از سـفارش هـای مهم اولیـای الهی خوانـدن نمـاز اول وقت همراه بـا جمـاعت است. از سویی دیگر، چنـد چیز را از مکروهـات نماز شمرده انـد. برای مثال، نماز خواندن در حال خواب آلودگی، گرسـنگی زیاد یا نیاز به دست شویی مکروه است. اگر در این احکام نورانی و عمیق دقت کنیم، درمی یـابیم که هر یـك از این حـالت ها، انسان را از حضور قلب در نماز و توجه به آن باز می دارد. در واقع، نمـاز در این حـالت هـا نمازی بی روح و بی مغز است. البته این به حسب نوع افراد است که اموریماننـد گرسـنگی و خواب، تمرکز را از آنها می گیرد، ولی ممکن است افرادی باشند که در برابر خواب و گرسنگی، بر اثر تمرین و تکرار، مقاومت زیاد داشته باشند و این دو، تمرکز را از او نگیرد. با این حال، خواندن نماز در غیر این حالات بهتر و پرثمرتر است.

پس در پاسخ به این پرسـش باید گفت در این گونه موارد، بهتر است انسان به اندازه ای غذا بخورد تا بتواند تمرکز لازم را در نماز داشـته باشـد. سـپس هر چنـد پس از اول وقت، نماز را بخوانـد. البته نباید پرخوری کند و با شـکم پر نماز بخواند؛ چون این از چاله درآمـدن و در چـاه افتـادن است. نماز خوانـدن با شـکم پر نیز مکروه است. بایـد توجه داشت که اگر گرسـنگی هنگام نماز موردی باشد طبیعی است، ولی اگر همیشه تکرار شود، چه بسا از دام های شیطان باشد. انسان برای رسیدن

ص: ۷۳

به هدف مهمی مانند خواندن نماز در اول وقت، باید در تمام طول روز برنامه منظم بچیند.

پرسش چهل و سوم: چرا نماز بدون اعتقاد به ولایت، پذیرفته نیست؟

پرسش چهل و سوم: چرا نماز بدون اعتقاد به ولایت، پذیرفته نیست؟

اعتقاد به ولایت معصومان علیهم السلام ، شرط پذیرفته شدن همه عبادت ها از جمله نماز است. شاید به این دلیل که امام، حافظ شرع و عامل بقای دین است. امام با تبیین آموزه های دینی و رهبری امت، افزون بر جلوگیری از تحریف و انحراف در قوانین و عبادت های دین، نقش مهمی در هدایت و اثرگذاری آن قوانین نیز خواهد داشت.

اگر امام در جامعه نباشد، قوانین و احکام دین، مانند جسم بدون روح هستند که قدرت ایفای نقش خود را ندارند. در حدیثی، امام باقر علیه السلام می فرماید: «اسلام بر پنج چیز بنا شد: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.» زراره می گوید: گفتم کدام اینها بهتر است؟ حضرت پاسخ داد: «ولایت برتر است؛ زیرا کلید همه است و والی و امام، رهبر به آنهاست».(۱)

بنابراین، فروعات و احکام دین، با وجود رهبری معصوم علیهم السلام می توانند کارکرد حقیقی خودشان را داشته باشند و بدون آن، راه به جایی نخواهند برد. ازاین رو، پذیرفته شدن نماز، در گرو پذیرش ولایت و رهبری معصومان علیهم السلام است.

پرسش چهل و چهارم: نمازی که بدون حضور قلب و با بی توجهی خوانده می شود، صحیح است؟ آیا حضور قلب در نماز الزامی است؟

پرسش چهل و چهارم: نمازی که بدون حضور قلب و با بی توجهی خوانده می شود، صحیح است؟ آیا حضور قلب در نماز الزامی است؟

باطل بودن نماز، مربوط به کم و زیاد شدن واجبات آن از روی عمد است و ارتباطی به بی توجهی به مفاهیم و معانی آن ندارد. بنابراین، اگر واجبات نماز

۱- اصول کافی، ترجمه: کمره ای، ج ۴، ص ۶۵.

ص: ۷۴

به صورت ظاهری، صحیح انجام شود، نماز صحیح است، ولی ممکن است این نماز در درگاه خداوند پذیرفته نشود؛ زیرا نماز مقبول، افزون بر درستی شکل ظاهری، باید شرایطی مانند حضور قلب، خشوع و خضوع نیز داشته باشد. هر قدر حضور قلب بیشتر باشد، نماز ثواب بیشتری خواهد داشت و در نهایت، به همان اندازه انسان را از گناه باز می دارد.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «هر کس دوست دارد بداند نمازش پذیرفته شده است یا نه، ببیند آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز داشته یا نه. به همان اندازه نمازش پذیرفته شده است».(۱)

داشتن حضور قلب در نماز الزامی نیست، ولی قرآن، ثمره نماز را بازداشتن از فحشا و منکرات می داند و نمازِ با حضور قلب است که آدمی را از بدی ها باز می دارد. این ویژگی، مغز و محتوای اصلی نماز و نشان پذیرفته شدن اعمال و عبادت هاست؛ وگرنه، نماز بدون حضور قلب، مثل هسته بی مغز رشد نمی کند و ثمر نمی دهد و عبادت بی محتوایی بیش نیست.

پرسش چهل و پنجم: چگونه هم زمان با حضور قلب به معانی کلمات نماز هم بیندیشیم؟

پرسش چهل و پنجم: چگونه هم زمان با حضور قلب به معانی کلمات نماز هم بیندیشیم؟

یکی از مراتب نماز آن است که نمازگزار در طول مدت نماز، به معانی ذکرهای نماز توجه داشته باشد یعنی به بیان الفاظ نماز بسنده نشود بلکه در طول نماز باید توجه به خداوند و حضور او حس شود. نمازگزار احساس کند رو در رو با خداوند گفت وگو و مناجات می کند. مثلاً وقتی در نماز می گوید: «مالک یوم الدین»، باید به معنایی که این عبارت به آن اشاره می کند و بر آن دلالت دارد، توجه کند. برای مثال، هنگامی که انسان با دوستش یا دیگر افراد سخن می گوید، بیشتر توجه او به مخاطب و شنونده است، به

۱- مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۸۵.

ص: ۷۵

گونه ای که گـاه هیـچ گونه توجهی به الفـاظ خود نـدارد و در عین حـال، به الفـاظ و عباراتش نیز توجه دارد، وگرنه نمی توانسـت مقصود و مطلب خود را به شنونده برساند.

پس بهترین کار در نماز، توجه به حضور خداونـد است. البته این کار بایـد در خارج از وقت نماز و در دیگر زمان های زنـدگی نیز انجام گیرد؛ یعنی انسان بایـد همیشه حضور خداونـد را در جای جای عالم، آشـکار و نهان احساس کنـد تا بتوانـد این حضور را در نماز، روشن تر و عمیق تر بیابد.

اگر صـفت یا حالتی برای انسان ملکه شود، آن صفت یا حالت، در همه صحنه ها و شئون زندگی، خود را نشان می دهد و آدمی را رها نمی کنـد. کسـی که در کوچه و بازار، در کلاس و مـدرسه، در محیط خانه و محل کار به یاد خـداست و از او غافل نیست، بی تردیـد در نماز نیز از یاد خداونـد غفلت نمی کند. بر خلاف کسـی که همه جا از یاد خدا غافل است و دلش متعلق به غیر خداست. بی شک، چنین کسـی نمی توانـد در نماز، قلب خود را متوجه خـدا سازد، بلکه دلش در پی دنیا و غیر خداست. خداوند در وصـف بندگان مؤمن خویش می فرماید: «رِجَالٌ لَّا تُلْهِیهِمْ تِجَارَهٌ وَلَا بَیْعٌ عَن ذِکْرِ اللَّهِ؛ مردانی که آنها را هیچ تجارت و معامله ای از یاد خدا باز نمی دارد». (نور: ۳۷)

پرسش چهل و ششم: آیا می توانیم به دلیل اینکه چیزی از نماز نمی فهمیم، نماز را ترک کنیم؟

پرسش چهل و ششم: آیا می توانیم به دلیل اینکه چیزی از نماز نمی فهمیم، نماز را ترک کنیم؟

شرط وجوب نمـاز، آگـاهی از اسـرار آن نیست. انسـان در هر شـرایطی بایـد نماز بخوانـد. البته نماز و نمازگزاری، مراتب و مراحلی دارد و هرچه انسان در مسیر کسب معرفت خداوند و پیمودن مراحل سیر و سلوک الی الله تلاش کند، به مراتب بالاتری از قرب و به لایه های عمیق تری از نماز و عبادت دست می یابد.

ص: ۷۶

بنابراین، نماز در هیچ شرایطی ساقط نمی شود و خستگی و کسالت و امثال آن، وسوسه هایی شیطانی اند که باید از آنها گریخت. پس انسان بایـد اصل نماز را به پا دارد تا از عقوبت ترک نماز در امان باشـد. سپس در مراحل بعـدی نمازگزاری، به کسب معرفت خداوند و اسرار و معنای عبادت (نماز) همت گمارد.

بنابراین اگرچه در راه درک صحیح نماز باید قدم برداشت، ندانستن مسائل و معنای نماز، دلیل بر ترک نماز نیست.

پرسش چهل و هفتم: موانع حضور قلب در نماز چیست؟ راه های رفع آنها را بیان کنید؟

اشاره

پرسش چهل و هفتم: موانع حضور قلب در نماز چیست؟ راه های رفع آنها را بیان کنید؟

زیر فصل ها

۱. پراکندگی خیال

۲. وسواس در قرائت ۳. خودنمایی ۴. عادت در عبادت و بی توجهی به محتوا

۱. پراکندگی خیال

اشاره

۱. پراکندگی خیال

زیر فصل ها

الف) عوامل درونی پراکندگی خیال

ب) عوامل بیرونی پراکندگی خیال

الف) عوامل درونی پراکندگی خیال

الف) عوامل درونی پراکندگی خیال

یک وسوسه شیطان

پیامبر می فرمایـد: «هنگامی که بنـده مشـغول نماز می شود، شـیطان به انسان می گوید: این را به یاد آور، آن را به یاد آور، تا اینکه نداند چطور نماز خوانده است».(۱)

برای مبارزه با وسوسه شیطان هنگام نماز، توجه به نقش شیطان در عبادت، مدد جستن از خداوند و مداومت بر آن در تمام مراحل زندگی، در کنار تقویت اراده برای تمرکز حواس در نماز، ضروری است.

دو حب دنیا و توجه به متاع دنیوی

توجه به امور دنیوی مانع از تمرکز حواس در نماز و یاد خدا می شود. چراکه انسان توجه و حواسش به چیزی است که او را بیشتر دوست دارد. پس وقتی

۱- بحارالانوار، ج ۸۴ ص ۲۵۹.

ص: ۷۷

کسی دنیا و متاع دنیوی را دوست دارد، بیشتر به آن فکر می کند و نمی تواند ذهنش را در نماز و یاد خدا متمرکز کند.

سه شتاب در قرائت نماز

شتاب در قرائت، مانع تمرکز در نماز می شود. به طور کلی انجام شتاب زده هر کاری مانع از توجه به آن کار و دقت و صحت در انجام آن می شود. توجه به خداوند بزرگ و پایبندی به طمأنینه در قرائت الفاظ نماز، این آسیب را از انسان دور می کند.

چهار خواب آلودگی و کسلی

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خوابیدن فراوان، بر اثر آشامیدنی زیاد است و نوشیدن زیاد هم بر اثر زیاد خوردن است و این دو، سنگین کننده نفس از طاعت و عبادت هستند».(۱)

ب) عوامل بیرونی پراکندگی خیال

ب) عوامل بیرونی پراکندگی خیال

یک بیهوده گویی یا سخن لغو

امام صادق علیه السلام می فرماید: «کسانی که در غیر ذکر خدا پرحرفی کنند، دل هایشان سخت می شود، لیکن خودشان نمی دانند».(۲)

دو چشم چرانی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «چشم، جاسوس قلب و فرستاده عقل است».(۳)

سه خواندن نماز در مکان شلوغ و پر سر و صدا چهار شرکت در مجالس آلوده به گناه پنج بی توجهی به احکام فقهی و آداب ظاهری نماز

برخی امور مثل بازی کردن با سر و ریش و لباس و اعضای بدن یا پوشیدن لباس تنگ در نماز مکروه است؛ زیرا مانع تمرکز فکر نمازگزار است.

۱- مصباح الشریعه امام صادق علیه السلام ، ترجمه: عبدالرزاق گیلانی، ص ۲۵۳.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۱.

۳- بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۰۱.

ص: ۷۸

امام باقر علیه السلام می فرماید: «در نماز با دست و ریش خود بازی مکن و در دل، حدیث نفس مکن و در هنگام نماز، خمیازه مکش و قامت کشی مکن».(۱)

۲. وسواس در قرائت ۳. خودنمایی ۴. عادت در عبادت و بی توجهی به محتوا

۲. وسواس در قرائت ۳. خودنمایی ۴. عادت در عبادت و بی توجهی به محتوا

امام صادق علیه السلام می فرماید: «به طولانی کردن رکوع و سجود کسی نگاه نکنید؛ زیرا شاید این چیزی باشد که به آن عادت کرده است که اگر ترکش کند، وحشت می کند، ولی راستی در گفتار و ادای امانتش را در نظر بگیرید».(۲)

برای پرهیز از یک نواختی عادت گونه در نماز، توجه به امور زیر سودمند است:

الف) ایجاد تنوع و جذابیت در خواندن نماز با توجه به روحیات هر فرد؛ برای مثال خواندن نماز در زمان ها و مکان های مقدس گوناگون؛

ب) آگاهی از فلسفه و اسرار نماز؛

ج) احساس نیاز به ارتباط و گفت وگو با خداوند؛

د) الگوپذیری از نمازهای ائمه علیهم السلام و عرفا و علما؛

ه) تصمیم به حضور قلب در نماز و پایبندی بر آن.

پرسش چهل و هشتم: موضوع زکات دادن حضرت علی علیه السلام در رکوع تا چه اندازه صحت دارد و آن حضرت چگونه یک بار در رکوع به فقیر انگشتر می دهد و زمانی در حال نماز از پایش تیر خارج می کنند و ایشان متوجه نمی شود؟

پرسش چهل و هشتم: موضوع زکات دادن حضرت علی علیه السلام در رکوع تا چه اندازه صحت دارد و آن حضرت چگونه یک بار در رکوع به فقیر انگشتر می دهد و زمانی در حال نماز از پایش تیر خارج می کنند و ایشان متوجه نمی شود؟

داستان بخشیدن انگشتر به فقیر در رکوع و نزول آیه ۵۵ سوره «مائده» در شأن حضرت علی علیه السلام را عده زیادی از اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند.

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۱.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

ص: ۷۹

ابن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن سلام، انس بن مالک، جابر بن عبدالله و ابوذر غفاری در شمار گویندگان این روایتند.

در کتاب غایه المرام ۲۴ حدیث دراین باره از کتاب های اهل سنت آورده شده است. منابع آن حدیث، عبارتند از:

۱. محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۸۸؛

۲. قاضی شوکانی، فتح الغدیر، ص ۵۰؛

۳. جامع الاصول، ج ۹، ص ۴۷۸؛

۴. واحدی، اسباب النزول، ص ۱۴۸؛

۵. لباب النقول سیوطی، ص ۱۰۵؛

۶. تفسیر طبری، ص ۱۶۵؛

۷. تفسیر فخر رازی، ج ۳، ص ۴۳۱؛

۸. جلال الدین سیوطی، تفسیر درالمنثور، ج ۲، ص ۳۹۳؛(۱)

۹. علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۶، ص ۳۹۱.

این حدیث از جمله احادیث متواتر است که هیچ تردیدی در آن نیست، ولی چگونه امام علی علیه السلام زمانی در نماز، انگشترش را به فقیر می دهد و زمانی نیز در نماز تیر از پای حضرت بیرون می کشند؟

باید گفت حالات انسان همواره یکسان نیست؛ یعنی نمی توان چنین ادعایی کرد که حضرت علی علیه السلام هرگز در نمازهای خود توجهی به اطراف یا بدن خود نداشته است. بنابراین، اشکالی ندارد که در یکی از نمازها به اطراف توجه کند و به فقیر انگشتر بدهد و در نمازی نیز آن چنان غرق در عبادت باشد که بر کشیدن تیر از پای را حس نکند.

۱- در این مورد مطالعه کتاب رویا جعفری، بررسی و استخراج روایات وارده در فضایل علی علیه السلام در تفسیر الدر المنثور، مفید است.

ص: ۸۰

بر این اساس، شرایط گوناگون زمانی، مکانی و روحی فرد، در هر زمان نیازهایی دارد، چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز گاهی در نماز به اطراف توجه می کرد. برای مثال، روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام نماز متوجه شد که دیوار گلی مسجد، آلوده به اخلاط سینه است. حضرت در حین نماز چند قدم به جلو رفته و با چوبی، آلودگی را از مسجد دور کرد.(۱)

در ضمن، باید توجه داشت که میان «خارج کردن پیکان از بدن» و «بخشیدن انگشتر به فقیر» تفاوت بسیاری است؛ زیرا خارج کردن پیکان از بدن، جنبه شخصی و جسمی دارد و از مقام توجه کامل به خداوند و غرق شدن در ذات او حکایت دارد؛ ولی توجه به حال بنده فقیر و محرومی که در مسجد پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله ناله مظلومانه سر داده و درخواست کمک می کند، حرکتی خدایی و قربی است و با توجه به خدا تناسب دارد.

بنابراین حضرت در آنجا که به فقیر عطایی می بخشد، در حقیقت، توجه او به خدا بوده است نه خود. به عبارت دیگر، کمک به خلق خدا و مستمندان و فقیران، یکی از عبادت های بزرگ است و با نماز هم خوانی کامل دارد. بدین ترتیب، جای تعجب نیست که ناله سوزان و نافذ آن فقیر محروم و استرحام در مسجد، دلِ آگاه امام علی علیه السلام را هنگام نماز متوجه خود سازد. این عمل به قدری شایسته و ارزنده بود که آیه ای درباره آن نازل شد.(۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۱.

۲- نک: مائده: ۵۵.

ص: ۸۱

فصل پنجم: احکام نماز

اشاره

فصل پنجم: احکام نماز

زیر فصل ها

پرسش چهل و نهم: چرا به طرف قبله نماز می خوانیم، درحالی که خداوند همه جا هست و جهت معینی ندارد؟

پرسش پنجاهم: در زمان پیامبر اسلام، مدتی بیت المقدس قبله مسلمانان بود. چه عواملی سبب شد این قبله به کعبه تغییر یابد؟

پرسش پنجاه و یکم: چگونه تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه، در یک نماز انجام گرفته است؟

پرسش پنجاه و دوم: چرا ما نماز «ظهر و عصر» یا «مغرب و عشا» را یک جا در یک زمان به جا می آوریم، در صورتی که هر یک از این نمازها برای خود وقت خاصی دارد و پیشوایان بزرگ اسلام هر کدام را در وقت خود به جا می آوردند؟

پرسش پنجاه و سوم: چرا باید نماز را به زبان عربی خواند؟ آیا نمی توان آن را به صورت فارسی به جا آورد؟

پرسش پنجاه و چهارم: اگر افرادی که به زبان عربی سخن نمی گویند، مسلمان شوند، باید چگونه نماز بخوانند؟

پرسش پنجاه و پنجم: چرا زنان باید در حال نماز، بدن خود را بپوشانند؟

پرسش پنجاه و ششم: فلسفه شکسته بودن نماز در مسافرت چیست؟

پرسش پنجاه و هفتم: چرا شیعیان بر مهر سجده می کنند؟

پرسش پنجاه و هشتم: علت پهن کردن سجاده هنگام نماز خواندن چیست؟

پرسش پنجاه و نهم: چرا اگر در لباس نمازگزار یک دکمه یا نخ غصبی باشد نمازش باطل است؟

پرسش شصتم: آیا می توان شخص خوابیده را برای ادای نماز بیدار کرد؟

پرسش چهل و نهم: چرا به طرف قبله نماز می خوانیم، درحالی که خداوند همه جا هست و جهت معینی ندارد؟

پرسش چهل و نهم: چرا به طرف قبله نماز می خوانیم، درحالی که خداوند همه جا هست و جهت معینی ندارد؟

قرآن کریم می فرماید: «فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَیْثُ مَا کُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ...؛ پس روی کن به طرف مسجدالحرام و شما مسلمانان نیز هر کجا باشید، در نماز روی بدان جانب کنید». (بقره: ۱۴۴)

همچنین می فرماید: «وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...؛ و ای رسول از هر جا و به هر دیار بیرون شدی، روی به جانب کعبه کن و شما مسلمانان هم به هر کجا بودید، روی بدان جانب کنید». (بقره:۱۵۰)

با توجه به این آیات، می توان به برداشت های زیر رسید:

۱. همان خدایی که فرموده است، به هر طرف رو کنید، آنجا وجه خدا است و اینکه او از رگ گردن به انسان نزدیک تر است، همو دستور داده است که به هنگام نماز به سوی مسجدالحرام نماز بخوانید.

۲. اینکه خدا همه جا هست، نمی تواند توجیهی برای بی توجهی به قبله باشد. مثلاً خدا همه زبان ها را می داند، ولی باید نماز را به زبان عربی خواند. خداوند به دلایل گوناگون دستور داده است که به سوی قبله واحد، به زبان واحد، و با شرایط مشترک دیگری نماز گزارده شود.

ص: ۸۲

به عبارت دیگر، نماز خواندن به سوی قبله، به معنی در مکان قرار دادن خداوند نیست. قرآن می فرماید: «وَللّه الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَاَيْنَمَا تَوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّه ؛ مشرق و مغرب از آن خداست؛ و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست.» (بقره: ۱۱۵) و در آیه دیگر چنین می خوانیم: «قُلْ للّه الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ؛ بگو مشرق و مغرب از آنِ خداست.» (بقره: ۱۴۲) در واقع انسان به حکم جسم بودنش، هنگام نماز ناچار باید به یک سو متوجه باشد، ولی اسلام می خواهد از این موضوع برای تکمیل این عبادت (نماز) بیشترین استفاده را ببرد. در این میان همه مسلمانان می دانند که خانه کعبه قدیمی ترین مرکز توحید است؛ خانه ای که به دست قهرمان توحید، ابراهیم خلیل علیه السلام تجدید بنا شده و محل توجه تمام راهنمایان توحید و پیغمبران خدا بوده است. بنابراین، مکانی چنین مقدس و معنوی، ملکوتی ترین فضای موجود در هستی برای رو کردن عزیزترین بندگان خدا یعنی اسلام آورندگان دین حقیقی اوست.

توجه به این مرکز توحید، در واقع توجه به خداست. درست است که خداوند مکانی ندارد، ولی کسی که مقابل این مرکز بایستد، به خدا نزدیک تر است و گویا خود را در پیشگاه او حاضر می بیند.

همچنین، توجه عموم مسلمانان در هر شبانه روز پنج مرتبه به این مرکز مقدس، روح وحدت و یگانگی را در دل و جان آنها پرورش می دهد و به وحدت اسلامی و هماهنگی مسلمانان جهان کمک می کند. گروه های گوناگون اسلامی را از شرق و غرب به هم پیوند می دهد و شوکت و عظمت آنها را آشکار می کند. همچنین جوهر آموزه های جهانی اسلام را به صورت «وحدت هدف و عقیده» به دنیا نشان می دهد.

ص: ۸۳

پرسش پنجاهم: در زمان پیامبر اسلام، مدتی بیت المقدس قبله مسلمانان بود. چه عواملی سبب شد این قبله به کعبه تغییر یابد؟

پرسش پنجاهم: در زمان پیامبر اسلام، مدتی بیت المقدس قبله مسلمانان بود. چه عواملی سبب شد این قبله به کعبه تغییر یابد؟

۱. بـا توجه به آیـات قرآن، قبله مسـلمانان در حقیقت همـان کعبه (بیت الله الحرام) بود و زمـانی بیت المقـدس «قبله ای موقتی» برای مسـلمانان معرفی شـد. آیه «قَدْ نَرَی تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَهً تَرْضَاهَا...؛ نگـاه های انتظارآمیز تو را به سوی آسـمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم! اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشـنود باشـی، بازمی گردانیم... .» (بقره: ۱۴۴) گواه بر این است که پیغمبر از گفت وگوهـای یهود دربـاره قبله بیت المقـدس نـاراحت بود و پیوسـته انتظـار می کشـید که زمان این قبله موقّتی پایان پذیرد و قبله ابدی مسلمانان را خداوند بزرگ اعلام کند.

حال بایـد دیـد چرا از ابتدا قبله اصـلی یعنی «کعبه» به مسـلمانان معرفی نشد. قرآن می فرماید: «... وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَهَ الَّتِی کُنتَ عَلَیْهَا إِلاَّ لِنَعْلَمَ مَنْ یَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ یَنقَلِبُ عَلَی عَقِبَیْهِ...؛ و مـا آن قبله ای را که پیش از این بر آن بودی، تنهـا برای این قرار دادیم تـا افرادی که از پیـامبر پیروی می کننـد، از آنهـا که به جاهلیت بازمی گردنـد مشـخص شونـد... .» (بقره: ۱۴۳) همان گونه که پیـداست، این موضوع فقط به منظور تربیت مسـلمانان بود و برای پرورش روح اطاعت در افراد تازه مسلمان و پیشرفت هدف مقدس اسلام صورت گرفته است.

اعراب حجاز به ویژه اهل مکه، علاقه زیادی به سـرزمین خود داشتند. بنابراین، در آغاز کار لازم بود برخلاف خواسته های نفسانی، کعبه را برای مدتی رها کنند و به سوی بیت المقدس نماز بگزارند تا تعصب های درونی آنها کشـته و روح اطاعت و فرمان برداری در آنها تحکیم شود.

۲. مسـلمانان بایـد برای مـدتی به سوی بیت المقـدس، مرکز قـدرت و پایتخت یهود، توجه کنند و عبرت بگیرند. بیت المقدس موزه عبرت جهان و

ص: ۸۴

جایگاه عزت و ذلت بنی اسرائیل است. در بیت المقدس علل انحطاط و پیشرفت این قوم دیده می شود. بنی اسرائیل با ذلت از مصر به آنجا آمدند و با جهاد و فداکاری به عزت رسیدند و سپس بر اثر پشت پا زدن به فرمان های خدا، در سراشیبی سقوط قرار گرفتند. زندگی آنها برای تازه مسلمانان، درس عبرتی به شمار می رفت. مسلمانان باید بدانند که خانه کعبه، قدیمی ترین مرکز توحید و خداشناسی است که به دست قهرمان بزرگ توحید بنا و تعمیر شده است.

۳. در آغاز اسلام، بیت المقدس، سال ها قبله مسلمانان بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی خواست کعبه را که به صورت بتخانه در آمده بود، قبله عبادت قرار دهد، ولی پس از هجرت، شرایطی پیش آمد که قبله مسلمانان از بیت المقدس به مسجدالحرام تغییر یافت. یکی از دلایل آن، زخم زبان های یهودیان به مسلمانان بود. آنان می گفتند: «شما خودتان قبله ندارید و به سوی قبله ما نماز می خوانید».

۴. آیات تغییر قبله، به مسلمانان همه، تاریخ درس آزادی می دهد و یادآوری می کند که حتی در مسائل عبادی هم بار منت را نپذیرید و شرافت مندانه زندگی کنید.

پرسش پنجاه و یکم: چگونه تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه، در یک نماز انجام گرفته است؟

پرسش پنجاه و یکم: چگونه تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه، در یک نماز انجام گرفته است؟

مسئله تغییر قبله، از مسلّمات تاریخ اسلام است. در آیات و روایات نیز چگونگی آن بیان شده است. در مدینه مسجدی به نام «ذو قبلتین» وجود دارد؛ یعنی مسجدی که دو قبله در آن دیده می شود. مسلمانان در این مسجد در حال نماز، ۱۷۰ درجه تغییر جهت دادند. موضوع حرکت هنگام نماز،

ص: ۸۵

مشکلی ایجاد نمی کند. در توضیح المسائل بیان شده که در نماز واجب، می توانیم مقداری جابه جا شویم یا در حال ضرورت، می توانیم نماز واجب را بر روی اسب، ماشین و کشتی بخوانیم. حرکت در نماز، در مقام ضرورت، اشکالی ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام تغییر قبله، از سمت شمال به سمت جنوب ایستاد. مسلمانان نیز در حال نماز حرکت کردند و کاملاً به سمت جنوب قرار گفتند.

از نظر فقه اسلامی، این مقدار راه رفتن در مقام ضرورت، اشکالی ندارد، (برای توضیح بیشتر به تفسیر نمونه، جلد ۱، ذیل آیه های ۱۴۳ و ۱۴۴، مراجعه شود.)

البته دراین باره نظریه های دیگر نیز وجود دارد. برای مثال، برخی می گویند پیامبر به تنهایی نماز می خوانده است، در این صورت تغییر قبله را یک معجزه الهی می پنداریم که به آسانی می توان پذیرفت.

مجلسی رحمه الله در کتاب لوامع صاحب قرآنی [ج ۳ ص ۴۸۴] می نویسد:

...پس جبرئیل دست مبارك حضرت سیدالانبیاء صلی الله علیه و آله را گرفت و روی حضرت را به جانب کعبه کرد و آنها که در عقب آن حضرت نماز می کردند، روی خود را در نماز به جانب کعبه کردند، به طوری که مردان به جای زنان رفتند و زنان به جای مردان. پس اولِ نماز ایشان به سوی بیت المقدس بود و آخر نماز ایشان به جانب کعبه.

از این گفته ها و احادیث، معلوم می شود که زن ها جایشان را با مردها عوض کردند.

نکته مهم درباره قبله که در شمار یکی از معجزه های پیامبر مطرح می شود، جهت دقیق قبله مسجد مدینه است که پیامبر، آن را بدون ابزار جهت یابی به دقت تعیین کرد.

موضوع تغییر قبله در کتاب بحارالانوار، جلد ۱۹، صفحه ۱۹۶ نیز آمده است.

ص: ۸۶

پرسش پنجاه و دوم: چرا ما نماز «ظهر و عصر» یا «مغرب و عشا» را یک جا در یک زمان به جا می آوریم، در صورتی که هر یک از این نمازها برای خود وقت خاصی دارد و پیشوایان بزرگ اسلام هر کدام را در وقت خود به جا می آوردند؟

اشاره

پرسش پنجاه و دوم: چرا ما نماز «ظهر و عصر» یا «مغرب و عشا» را یک جا در یک زمان به جا می آوریم، در صورتی که هر یک از این نمازها برای خود وقت خاصی دارد و پیشوایان بزرگ اسلام هر کدام را در وقت خود به جا می آوردند؟

اقامه نماز در پنج وقت و ادای هر نماز در وقت فضیلت خود، شیوه پیامبر و دیگر پیشوایان و عموم مسلمانان صدر اسلام بوده است. آنان پنج نماز را در پنج وقت می خواندند. ولی سخن اینجاست که آیا «تفریق» و فاصله افکندن میان نمازها چنان که بسیاری از فقهای اهل تسنن قائل هستند واجب است یا اینکه امری است مستحب و مانند دیگر مستحبات که انسان در فعل و ترک آن مختار است، اگرچه انجام آنها به شکل جداگانه بهتر است؟

اهل تسنن، جمع میان نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را نمی پذیرند، ولی هنگام سفر یا خوف یا زمانی که هوا بارانی است، جمع کردن میان آنها را در یک وقت جایز می دانند. دلیل اهل تسنن، سیره پیامبر است که میان نماز ظهر و عصر فاصله می انداخت.

از نظر شیعه این مطلب نمی تواند مرام آنها را در وجوب تفریق ثابت کند. به لحاظ اینکه سیره عملی لزوماً مفید وجوب نیست، بلکه اعم از وجوب، استحباب و اباحه است و حمل آن بر وجوب، نیاز به دلیل جداگانه دارد.

افزون بر آن، ملتزم بودن پیامبر به پنج وقت برای اقامه نماز جماعت، برای این بوده است که مردم از زمان آمدن پیامبر باخبر شوند تا پرسش هایشان را با ایشان در میان بگذارند. در حقیقت، این موضوع، انگیزه ای برای اجتماع مردم در مسجد بوده است. بنابراین، این شیوه هرگز نمی تواند دلیلی برای نفی جمع میان نمازها باشد.

ص: ۸۷

دانشـمندان شـیعه، به پیروی از احـادیثی که از عمـل پیـامبر حکـایت می کنـد و روایـاتی که از پیشوایان بزرگ اسـلام و همچنین به پیروی از ظواهر آیات قرآن، در همه دوران های اسلامی، تفریق میان نمازها را مستحب می شمارند.

البته جمع میـان دو نمـاز، به این معنـا نیست که یکی را در غیر وقت خود می خوانیم. برای مثـال، اگر نماز مغرب و عشا را سـر شـب خوانـدیم، چنین نیست که عشـا را در غیر وقت خود به جـا آورده ایم، بلکه هر دو نماز را در وقت مشترک خود گزارده ایم؛ زیرا از آغـاز مغرب تـا نیمه شب، وقت هر دو نمـاز است (جز اینکه از اول مغرب به انـدازه سه رکعت، به نمـاز مغرب اختصـاص دارد، و از آخر به انـدازه چهار رکعت به نماز عشا و باقیمانده وقت، میان هر دو نماز مشترک است). اگر نماز عشا را همراه با نماز مغرب یعنی اول شـب یـا مغرب را در آخر وقـت بـه همراه نمـاز عشـا بخـوانیم، هر دو را در وقت خـود به جـا آورده ایم، ولی مسـتحب است که نمـازگزار، نمـاز مغرب را سـر شب و نماز عشا را پس از زوال شـفق به جا آورد، و اگر کسـی این شـرط را رعایت نکنـد، فقط یک مستحب را ترک کرده است.

جایز بودن جمع میان دو نماز

جایز بودن جمع میان دو نماز

دلیـل و گواه مـا بر جواز جمع میان دو نماز، احادیثی است که از پیشوای شـشم حضـرت صادق علیه السـلام نقل شـده است. مرحوم شیخ حرّ عاملی این احادیث را در کتاب خود به نام وسائل الشیعه(۱) گرد آورده است.

باید توجه داشت که تنها محدّثان شـیعه نیسـتند که این احادیث را نقل کرده اند، بلکه محدّثان اهل تسنن نیز روایات مربوط به جواز جمع میان نمازها را حتی در مواقعی که عذری در پیش نیست از پیغمبر

۱- وسائل الشیعه، کتاب صلاه، باب های مربوط به وقت نماز (باب ۳۲ و ۳۳).

ص: ۸۸

گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده اند. در حدود ده روایت در کتاب های معتبر از صحابه پیامبر در این زمینه نقل شده که فقط به برخی از آنها بسنده می کنیم:

۱. محدث معروف جهان تسنن، احمد بن حنبل، در مسند خود، از ابن عباس چنین نقل می کند: «صَلَّى رَسُول اللّهِ صلى الله علیه و آله الظُّهرَ وَالْعَصْرَ جَمیعاً، وَالْمَغرِبَ وَالْعِشاءَ جَمیعاً مِنْ غَیْرِ خَوفٍ وَ لَا سَفَرٍ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله نمازهای ظهر و عصر، و مغرب و عشا را با هم در یک جا، بدون داشتن عذری مانند ترس از دشمن و مسافرت به جا آورد».(۱)

۲. وی از طریق جابر بن زید از ابن عباس نقل می کند: «من با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هشت رکعت نماز ظهر و عصر و هفت رکعت نماز مغرب و عشا را یک جا به جا آورده ام».

۳. همان محدث، در کتاب خود از عبدالله شقیق نقل می کند: «روزی ابن عباس برای مردم خطابه ای ایراد می کرد و سخنرانی او به اندازه ای طول کشید که ستارگان در آسمان پیدا شدند. مردی از «بنی تمیم» برخاست و به عنوان اعتراض گفت: الصلاه، الصلاه؛ اکنون وقت نماز مغرب است و ادامه سخن سبب می شود که وقت آن سپری گردد. ابن عباس به وی گفت: من به سنت و روش پیامبر از شما آشناترم. می دیدم که پیامبر خدا نماز ظهر و عصر و نیز مغرب و عشا را با هم می خواند. راوی می گوید: من در این مطلب به شک و تردید افتادم، جریان را به ابوهریره گفتم. او گفتار ابن عباس را تصدیق کرد».(۲)

۴. محدث معروف، مسلم بن الحجّاج القشیری، متوفای سال ۲۶۱ هجری قمری، یک باب در صحیح خود با نام «جمع نماز در حضر» نگاشته است. وی در این زمینه سه روایت از ابن عباس و یک روایت از معاذ بن جبل نقل

۱- مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۲۱.

۲- مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۵۱ و قریب به این مضمون را زرقانی شارح کتاب موطا مالک در شرح خود ج ۱، ص ۲۶۳ آورده است.

ص: ۸۹

می کند.(۱) مضمون این چهار حدیث با آنچه نقل کردیم، یکی است و در این روایات به نکته تازه ای اشاره شده و آن اینکه: وقتی راوی از علت این جمع می پرسد، ایشان در پاسخ می گویند: «اراد ان لا یحرج امّته؛ خواست، امت خود را به زحمت و مشقت نیفکند».

این تعلیل در روایات شیعه نیز وارد شده و در روایات امام صادق علیه السلام دراین باره، این نکته نیز موجود است.(۲)

۵. راویان این مسئله (جمع میان دو نماز) تنها ابن عباس و معاذ نیستند، بلکه طبرانی از عبدالله بن مسعود نقل می کند که پیامبر خدا میان نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا را برای اینکه امت وی به زحمت نیفتند، جمع می کرد.(۳)

از عبدالله بن عمر نیز نقل شده است: «پیامبر درحالی که مسافر نبود، میان دو نماز جمع نمود تا امت وی در مشقت نباشند».(۴)

۶. ابوایوب انصاری می گوید: «رسول خدا مغرب و عشا را به صورت جمع خوانده است».(۵)

۷. ابن عمر می گوید: «هرگاه رسول خدا برای مسافرت عجله داشت، بین نماز مغرب و عشا جمع می کرد».(۶)

البته مخالفان جمع میان دو نماز نیز برای ادعای خود به برخی روایات تمسک کرده اند،(۷) ولی روایات آورده شده، از نظر سند ضعیف است و از نظر دلالت نیز با روایات مشابه تعارض دارد.

۱- مسلم بن حجاج النیسابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۵۱.
۲- وسائل الشیعه، کتاب صلاه، ابواب وقت، باب ۳۲، حدیث های ۲ و ۳ و ۴ و ۷.
۳- شرح موطأ زرقانی، ص ۲۶۳.
۴- علی بن حسام الدین متقی، کنزالعمال، ص ۲۴۲.
۵- سنن الدارمی، ج ۱، ص ۳۵۶. برای مطالعه روایات موجود در همین موضوع، نک: صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۱۵؛ سنن ابی داوود، ج ۱ و ۲، ص ۲۷۲؛ صحیح بخاری، ج ۱ و ۲، صص ۲۸۶ و ۲۸۷؛ مسند ابی داوود الطیالسی، جزء حادی عشر، ص ۳۵۵؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۵۱.
۶- بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۱۷۳؛ روایات در همین موضوع: صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۱۵.
۷- سنن ترمذی، ج ۱، ص ۳۵۶، ح ۱۸۸؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۶۸۹؛ سنن ابی داوود، ج ۱، ص۴۳۳.

ص: ۹۰

فرقه هایی که قائل به جمع میان دو نماز نیستند، در برخی حالات اضطراری مانند سفر،(۱) باران،(۲) بیماری و خوف(۳) به جمع میان دو نماز حکم می کنند.

در پایان، نکته ضروری اینکه اسلام دین زندگی است و پابه پای تحولات زندگی بشر حرکت می کند. امروزه در سایه شهرنشینی و توسعه فن آوری، مشکلات زیادی برای بشر پیش آمده است، ولی در عین حال دین اسلام، دین بسیار آسان است و تکالیف سختی ندارد.

مرحوم شرف الدین می گوید:

شاید محققانی از فقهای اهل سنت در این دوره، هم نظر ما باشند، همان گونه که برخی به صورت مشافهه ای به من گفته اند، ولی جرئت مواجه با مردم عامه ندارند و چه بسا احتیاج، مانع آنهاست.(۴)

گفتنی است برخی علمای مکه نیز در صورت وجود همین اشتغال و مشکلات، بر جواز جمع حکم داده اند.(۵)

پرسش پنجاه و سوم: چرا باید نماز را به زبان عربی خواند؟ آیا نمی توان آن را به صورت فارسی به جا آورد؟

پرسش پنجاه و سوم: چرا باید نماز را به زبان عربی خواند؟ آیا نمی توان آن را به صورت فارسی به جا آورد؟

غنای معنایی زبان عربی، در مقایسه با زبان های دیگر بسیار بیشتر است. به گونه ای که با بررسی های انجام شده، بسیاری از مفاهیم موجود در الفاظ قرآن در هیچ زبانی معادل ندارد. برای مثال، با تحقیقات کارشناسان ترجمه های قرآنی، عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم» به هیچ زبانی درست ترجمه نشده و ترجمه آن با معادل گذاری و بدون تکیه بر تفسیر هرگز ممکن نیست.

۱- تذکره الفقها، ج ۲، ص ۳۶۵؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲- بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۳۷۱؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۱۷۳.

۳- بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۳۷۳؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۱۷۳.

۴- المسائل الفقهیه، ص ۱۹.

۵- محمد عبده، الفتاوی الاسلامیه، ج ۱، صص ۲۳۹ و ۲۴۰.

ص: ۹۱

از سویی عربی بودن نماز، انس مسلمانان با زبان دین و کتابشان را بیشتر می کند. نتیجه، زمینه ساز آشنایی بیشتر با آموزه ها و فرهنگ دینی شان خواهد بود.

خواندن نماز به یک صورت معیّن نیز آن را از دستبرد، تحریف، آمیخته شدن به خرافات و مطالب بی اساس هنگام ترجمه آن به دیگر زبان ها نگاه می دارد. با این دستور، روح این عبادت اسلامی بهتر حفظ می شود.(۱)

زبان، جهت و افعال واحد در نماز، بیانگر روح اتحاد در میان جوامع مسلمانان است. هر مسلمانی در هر جای عالم باشد، به سوی یک قبله و با یک طریق و با یک زبان با معبود خویش به راز و نیاز برمی خیزد و در هر دیار و کشوری که انسان مسلمان وارد شود، هر چند زبان ها متفاوت است، در هر مسجدی که قدم بگذارد، شیوه نیایش با خدای سبحان یکی است و این خود، بهترین نوع اتحاد و همدلی را پدید می آورد.

پرسش پنجاه و چهارم: اگر افرادی که به زبان عربی سخن نمی گویند، مسلمان شوند، باید چگونه نماز بخوانند؟

پرسش پنجاه و چهارم: اگر افرادی که به زبان عربی سخن نمی گویند، مسلمان شوند، باید چگونه نماز بخوانند؟

بسیاری از تازه مسلمانان، تحصیل کرده هستند و برای آنها فرا گرفتن نماز و قرآن به صورت عربی کار مشکلی نیست. حتی آنها در بسیاری از دانشگاه های خود، زبان عربی را برای خاورشناسی فرا می گیرند. همان گونه که ما هم هنگام فرا گرفتن زبان آنها می کوشیم لهجه و تلفظ آنها را بیاموزیم.

افراد بی سواد این گروه نیز تا آنجا که می توانند، کلمات عربی را یاد می گیرند و خداوند بیش از آنچه یاد گرفته اند و توانایی دارند، از آنها نمی خواهد. بنابراین، باید همه مسلمانان به اندازه توانایی و قدرت، نماز و قرآن را با زبان عربی بخوانند.

۱- آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی، پاسخ به پرسش های مذهبی، ص ۲۹۴.

ص: ۹۲

پرسش پنجاه و پنجم: چرا زنان باید در حال نماز، بدن خود را بپوشانند؟

پرسش پنجاه و پنجم: چرا زنان باید در حال نماز، بدن خود را بپوشانند؟

۱. شکی نیست که خداوند از همه چیز در همه حال باخبر است و پوشیده و پنهان برای او مفهومی ندارد. او با بندگان خود نیز نامحرم نیست. ولی انسان در حال عبادت، خود را در حضور خدا می بیند و با او سخن می گوید و به راز و نیاز با او برمی خیزد. در چنین حالی، باید مناسب ترین لباس را در حضور او بپوشد. روشن است که مناسب ترین لباس برای زن، همان لباس کامل است؛ یعنی لباسی که نشانه عفت و پاک دامنی اوست و بهترین حالات او را منعکس می سازد. تنها چنین لباسی شایسته حال عبادت است. مردان نیز باید افزون بر پوشش مقدار واجب، با لباسی نماز بخوانند که نشانه نهایت احترام باشد.

۲. این، خود، نوعی تمرین پیاپی و همه روزه برای حفظ حجاب است. این نوع پوشش یکی از عواملی است که در پاسداشت همیشگی پوشش اسلامی زن و جلوگیری از آسیب پذیری آن، نقش مهمی ایفا می کند.

۳. وجود پوششی یکپارچه برای تمام بدن و داشتن پوششی ویژه برای نماز، توجه و حضور قلب انسان را بیشتر و ارزش نماز را صدچندان می کند.

۴. داشتن پوشش کامل در پیشگاه خداوند، نوعی ادب و احترام به ساحت قدس ربوبی است. ازاین رو، برای مرد نیز در برداشتن عبا و پوشاندن سر در نماز، مستحب است.

افزون بر آن، حکم پوشش در نماز، با حفظ حجاب در برابر نامحرم تفاوت هایی دارد و نباید با آن مقایسه کرد. برای مثال، پوشاندن روی پا در برابر نامحرم واجب است، ولی در نماز بدون حضور نامحرم واجب نیست.

ص: ۹۳

۵. با این حال، باید بدانیم که اصل این احکام تعبدی است و فلسفه دقیق آنها برای ما روشن نیست، بلکه چه بسا ده ها حکمت خفی داشته باشد، ولی اساس آن تعبد در پیشگاه حق تعالی است.

پرسش پنجاه و ششم: فلسفه شکسته بودن نماز در مسافرت چیست؟

پرسش پنجاه و ششم: فلسفه شکسته بودن نماز در مسافرت چیست؟

شکسته بودن نماز مسافر، از احکام امتنانی اسلام است؛ زیرا انسان در سفر با مشکلات و خستگی هایی روبه روست. ازاین رو، خداوند نوعی تخفیف در اعمال در نظر گرفته است. در روایتی از امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر می خوانیم:

پیامبر فرمود: خداوند هدیه کرد به من هدیه ای از روی کرامت که به هیچ یک از اُمم گذشته هدیه نکرده است. پرسیدند: آن چیست ای رسول خدا؟ فرمود: افطار در سفر و شکسته خواندن نماز. پس کسی که این دستور را انجام ندهد، رد هدیه خداوند است.(۱)

پرسش پنجاه و هفتم: چرا شیعیان بر مهر سجده می کنند؟

پرسش پنجاه و هفتم: چرا شیعیان بر مهر سجده می کنند؟

بنابر نظر همه فقهای اسلام، سجده بر زمین و بر آنچه از جنس زمین باشد، جایز است. تنها اختلاف در این است که آیا فقط بر زمین و آنچه از جنس زمین است، باید سجده کرد یا اینکه سجده بر دیگر اشیا مثل فرش یا لباس و از این دست نیز جایز است.

بنابراین، کارهایی را که شیعیان هنگام سجده انجام می دهند، همه فقهای مسلمان پذیرفته اند و کسی نمی تواند در آن شبهه کند، ولی درباره سجده بر فرش، مسلمانان به نظر واحد نرسیده اند. دست کم علمای شیعه، مخالف این عمل اهل سنت هستند. بر این اساس، عمل شیعیان، موافق با عقل و احتیاط است و شبهه ای در آن راه ندارد. استفاده شیعیان از مُهر هنگام سجده نیز

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۲۰.

ص: ۹۴

برای سهولت کار است؛ زیرا بیشتر خانه ها مفروش است و دست رسی به زمین یا چیزی که از جنس زمین باشد، مشکلاتی در پی دارد. پس مهر گذاشتن شیعه، به دلیل حفظ شرط سجده و سهولت در آن است.

نکته مهم دیگر این است که شیعیان برای خداوند بر مهر سجده می کنند، نه اینکه برای مهر سجده کنند؛ این دو، تفاوت مهمی با یکدیگر دارند. همچنان که اهل سنت نیز برای خداوند بر فرش سجده می کنند.

باید گفت استفاده شیعه از مهر در نماز، به معنای انحصار سجده بر مهر نیست، بلکه سجده بر مطلقِ زمین و آنچه از آن می روید، ولی خوردنی نیست، در هر شرایطی جایز است. پس در حرم ائمه یا در مساجدی که کف آنها سنگ فرش است، نیازی به گذاشتن مهر نیست و سجده بر همان سنگ کافی است.

نکته مهم اینکه در صدر اسلام نیز مهر گذاشتن سابقه داشته است. می گویند که یکی از فقهای تابعین به نام مسروح بن اجدع، در سفرهایش گل خشکیده ای را از مدینه به همراه خود داشت و بر آن سجده می کرد. وی از اهل کوفه بود و از ابوبکر، عمر، عثمان و حضرت علی علیه السلام و عبدالله بن مسعود روایت نقل کرده است.(۱)

از نظر شیعه، سجده بر خاک کربلاـ ثواب زیادی دارد؛ زیرا سجده بر خاک کربلاـ یادآور پیام عاشورا و اهداف قیام اباعبدالله الحسین علیه السلام است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

سجده بر گِل قبر حسین علیه السلام ، تا هفت زمین را نورانی می کند و هر کس تسبیحی از گِل قبر حسین علیه السلام داشته باشد، تسبیح گو نوشته می شود، گرچه تسبیح نگوید.(۲)

۱- جعفر سبحانی تبریزی، الاعتصام بالکتاب و السنه، ص ۸۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۶، از ابواب ما سجد علیه، صص ۶۰۷ و ۶۰۸.

ص: ۹۵

پرسش پنجاه و هشتم: علت پهن کردن سجاده هنگام نماز خواندن چیست؟

پرسش پنجاه و هشتم: علت پهن کردن سجاده هنگام نماز خواندن چیست؟

نماز، پاک ترین و عمیق ترین ارتباط انسان با خداوندگار پاک و منزه است. یکی از امور بسیار مهم در نماز، رعایت نظافت و پاکی است. پـاک بودن لبـاس نمـازگزار، از شـرایط نمـاز است و پـاک بودن مکـان نمـاز، از آداب آن. به لحاظ شـرعی پاک بودن محل ایسـتادن در نماز، واجب نیست، ولی شایسـته است که آدمی در مکان پاک بایسـتد و به سوی خـدای پاک توجه کنـد و از او تزکیه نفس و پاکی روح بخواهد.

برای حرمت نهادن به نماز که معراج مؤمن است و تقویت روحیه معنوی در آن، کسانی که سجاده ای پاک می گسترند و بر آن می نشـینند، سـپس آن را با احترام جمع می کننـد و در مکان مناسبی قرار می دهنـد، با کسانی که مهری می گذارند، نماز می خوانند و سپس آن مهر را به گوشه طاقچه پرتاب می کنند برابر نیستند.

پهن کردن سجاده، کاری عقلایی است که برای هر کس و در شرایط گوناگون، موردهای گوناگونی دارد و لازم نیست حتماً علتی داشته باشد.

پرسش پنجاه و نهم: چرا اگر در لباس نمازگزار یک دکمه یا نخ غصبی باشد نمازش باطل است؟

پرسش پنجاه و نهم: چرا اگر در لباس نمازگزار یک دکمه یا نخ غصبی باشد نمازش باطل است؟

نماز خوانـدن در لباس و یا مکان غصبی، موجب بطلان نماز است؛ حتی اگر دکمه ای از لباس غصبی باشد. این موضوع در آیات و روایات دارای دلیل است.

در قرآن مجید می خوانیم: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ همانا خداوند عمل را از افراد با تقوا می پذیرد.» (مائده: ۲۷) در وصایای علی علیه السـلام به کمیـل نیز آمـده است: «ای کمیـل نگاه کن که در چه چیزی و بر روی چه مکانی نماز می خوانی که اگر آنها از راه حلال نباشند، قبولی در کار نیست.»(۱) بنابراین، حتی یک دکمه غصبی هم می تواند مبطِّل نماز باشد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۱۹.

ص: ۹۶

البته این موضوع افزون بر جنبه هـای فقهی، از جنبه تربیتی و اجتماعی نیز مهم است. این حکم نشان می دهـد انسان برای پاک بودن نفس و قبول شـدن عبادتش، بایـد کسب و کاری پاک داشـته باشد و حقوق اجتماعی را رعایت کند. به دیگر سـخن، حق الله و حق النـاس بـا یکـدیگر در ارتبـاط هسـتند و عبادت فقط امری فردی و به دور از شـئون اجتماعی نیست. نمازگزار پیش از اینکه مشـغول عبادت شود و رو به قبله بایستد، باید روابطش را با دیگر افراد جامعه تصحیح کند و به رعایت حقوق آنها متوجه باشد.

پرسش شصتم: آیا می توان شخص خوابیده را برای ادای نماز بیدار کرد؟

پرسش شصتم: آیا می توان شخص خوابیده را برای ادای نماز بیدار کرد؟

شخص خوابیـده به لحاظ اینکه مشاعر ادراکی اش فی الجمله از کار افتاده و نه می بینـد و نه می شـنود و از وقایع و حوادث پیرامون خود آگاهی نـدارد، تکلیفی نـدارد. ازاین رو، بیدار کردن کسـی از خواب حتی برای نماز جایز نیست؛ مگر آنکه پیش تر، خود آن شخص، خواهان آن شده باشد یا بدانیم که اگر او را صدا نکنیم، ناراحت می شود.

ص: ۹۷

فصل ششم: نماز و مذاهب اسلامی

اشاره

فصل ششم: نماز و مذاهب اسلامی

زیر فصل ها

پرسش شصت و یکم: اختلاف های مذاهب اسلامی درباره وضو به چه تاریخی بازمی گردد؟

پرسش شصت و یکم: اختلاف های مذاهب اسلامی درباره وضو به چه تاریخی بازمی گردد؟

در دوره نبوی، مسلمانان با یک شیوه و با اقتدا به سیره عملی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وضو می گرفتند و هیچ گونه آیه یا روایتی مبنی بر اینکه پیامبر، مسح یا غسل را به صورت تخییری انجام داده باشد، گزارش نشده است. در عهد ابوبکر (۱۱ ۱۳ ه .ق) نیز اختلاف هایی درباره وضو روایت نشده است؛ زیرا اگر دراین باره اختلافی وجود داشت، معلوم می شد و برای نسل های بعدی نقل می شد.

پس از ابوبکر، عمر (۱۳ ۲۳ ه .ق) به خلافت رسید. در این دوره نیز اختلاف و مناقشه ای در مورد کیفیت وضو گرفتن روایت نشده و تنها، مسئله «مسح بر خفّین»(۱) بود که عمر مطرح کرد و برخی از صحابه با آن به مخالفت برخاستند. بر پایه گزارش های

تاریخی، عثمان بن عفان (۲۳ ۳۵ ه .ق)

۱- خُف: نوعی کفش که کف آن از کفش معمولی نازک تر و شبیه جوراب است. مسح خفّین یعنی رساندن رطوبت به مقدار سه انگشت بر پای پوش. (سید محمدحسین حسینی، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، تهران، سروش، ۱۳۸۲، صص ۴۷۲ و ۲۰۵)

ص: ۹۸

نخستین کسی است که غسل رجلین را جزو وضو دانسته است. او اعلام کرد که من می خواهم وضوی پیامبر را برای شما حکایت کنم. او بیش از بیست روایت در مورد کیفیت وضوی پیامبر نقل کرده است.(۱)

پرسش شصت و دوم: با توجه به اینکه در رساله های عملیه، یکی از شرایط امام جماعت، شیعه دوازده امامی بودن است، چگونه اقتدا به اهل سنت صحیح است؟

پرسش شصت و دوم: با توجه به اینکه در رساله های عملیه، یکی از شرایط امام جماعت، شیعه دوازده امامی بودن است، چگونه اقتدا به اهل سنت صحیح است؟

بدون تردید، امام جماعت در نماز شرایطی دارد و تنها به سبب مسلمان بودن، نمی توان به هر مسلمانی اقتدا کرد؛ از جمله این شرایط، قرائت صحیح، مرد بودن و صحت عقل است، ولی آیا در نماز جماعت اعتقاد و پیروی امام جماعت از مذهب خاص فقهی، شرط صحت نماز است؟

اصل اولی در مذهب شیعه، آن است که امام جماعت، افزون بر داشتن دیگر شرایط، باید به امامان دوازده گانه اعتقاد داشته باشد، ولی بر اساس اصل ثانوی، اقتدا به دیگر مذاهب جایز است. توضیح آنکه برخی موضوع ها به واسطه عنوان های ذاتی و اولیِ خود، حکم ویژه ای دارد، ولی به واسطه عروض دیگر عنوان، حکم آن مورد، عوض می شود. برای مثال، خوردن گوشت حیوان مردار حرام است، ولی هنگام اضطرار، خوردن آن به اندازه مورد نیاز حلال می گردد.

فقهای شیعه با توجه به عنوان های ثانوی، مانند تقیه و وحدت اسلامی، اقتدا به پیروان دیگر مذاهب را جایز دانسته اند.

حضرت امام خمینی رحمه الله اقتدا به نماز جماعت اهل سنت را در ایام حج(۲) و غیر ایام حج(۳) جایز دانسته است. به صورتی که نیازی به انجام دوباره آن نماز

۱- صحیح بخاری، ج ۱، صص ۵۲ و ۲۰۴؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۰۷.
۲- سید کاظم یزدی، العروه الوثقی، ج ۷، ص ۳۱۸.
۳- نک: امام خمینی رحمه الله ، استفتائات، ج ۱، صص ۲۷۸ ۲۹۲.

ص: ۹۹

درباره تقیه نیست و پیروی از کیفیت نماز آنان، از نظر نماز جماعت مثل شیعه است.(۱)

مقام معظم رهبری نیز اقتدای به اهل سنت را جایز می داند، ولی بر عنوان حفظ وحدت تأکید می کند (نه تقیه).(۲) ایشان درباره شرایط و کیفیت نماز، پیروی از کیفیت اهل سنت را بدون مانع می داند؛ ولی گذاشتن دست روی دست دیگر به هنگام قرائت را جز برای ضرورت، جایز نمی داند.(۳)

پرسش شصت و سوم: دلایل شیعه درباره روش وضو چیست؟

پرسش شصت و سوم: دلایل شیعه درباره روش وضو چیست؟

شیعه در مورد روش خود برای وضو، سه دلیل دارد:

۱. قرآن

خداوند در قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاهِ فاغْسِلُواْ وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُواْ بِرُؤُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَينِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای اقامه نماز آماده شوید، صورت و دست هایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خود را تا برآمدگی مسح کنید.» (مائده: ۶) البته درباره قرائت و برداشت ها از این آیه، نقل های گونه گون وجود دارد، اما اگر کسی کوچک ترین آشنایی با قواعد زبان عربی داشته باشد، برداشت شیعه از آیه را صحیح تر از بقیه خواهد یافت.(۴)

۲. روایات

امام باقر علیه السلام به اصحاب خود فرمود: «آیا می خواهید برای شما وضوی پیامبر را نقل کنم؟» سپس آن حضرت یک مشت آب را برداشت و بر صورتش

۱- نک: امام خمینی رحمه الله ، استفتائات، ج ۱، صص ۲۷۸ ۲۹۲.

۲- تقیه مربوط به شرایطی است که مال، جان، آبرو (عرض) یا ناموس فرد در خطر است.

۳- سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، ج ۱، ص ۱۶۹.

۴- آلوسی، روح المعانی، ج ۳، ص ۷۳؛ الاعتصام بالکتاب و السنه، ص ۱۲؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۱۶۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۶۸؛ فاضل مقداد، کنز العرفان، ص ۳۸.

ص: ۱۰۰

ریخت و آنگاه یک مشت آب را بر ذراع راستش ریخت و بعد از آن همین کار را برای ذراع دیگرش انجام داد و سپس سر و پایش را مسح کرد.(۱)

البته در منابع اهل سنت نیز روایاتی به این مضمون نقل شده است. برای مثال عباد بن تمیمی مازنی از پدرش نقل می کند که گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که وضو می گرفت و بر پاهای مبارک مسح می کشید».(۲)

۳. سیره صحابه و تابعین

بسیاری از صحابه و تابعین به وجوب مسح در وضو معتقد بوده اند و اهل سنت قول صحابه را حجت می دانند. برخی آنها عبارتند از: عبدالله بن زید مازنی، عباد بن تمیم، قتاده بن عزیز، انس بن مالک، ابومالک اشعری.(۳)

پرسش شصت و چهارم: تاریخِ ذکر «الصلاهُ خَیْرٌ مِنَ النَّوْم» در اذان به چه زمانی باز می گردد؟

پرسش شصت و چهارم: تاریخِ ذکر «الصلاهُ خَیْرٌ مِنَ النَّوْم» در اذان به چه زمانی باز می گردد؟

اهل سنت، الصلاه خیر من النوم که از آن به تثویب تعبیر می شود را جزو اذان صبح دانسته و قرائت آن را در اذان صبح مستحب می دانند، ولی شیعه امامیه، نه تنها آن را جزو اذان نمی داند، بلکه آن را یک بدعت می دانند.(۴) (شارع باید اصل و کیفیت عبادات را بیان کند و کسی مجاز نیست که از طرف خود احکام را کم یا زیاد نماید).(۵)

۱- نک: حکم الارجل فی الوضوء، صص ۶۳ و ۶۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۱۵، ابواب الوضوء، صص ۳۹۱ و ۳۹۵.

۳- الاصابه، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۸۴۳، روایات مشابه: سنن ابن ماجه، ج ۱، باب ۵۷، ح ۴۶۰، رقم ۴۵۳؛ سنن ابی داوود، رقم ۷۳۰ و ۱۳۸؛ سنن النّسائی، ۱۱۲۴؛ سنن الدارمی، ۱۲۹۵؛ مسند احمد، مسند العشره، ۱۲۸۵ و ۳۹۱؛ مسند ابی شیبه، ج ۱، ص ۸۱؛ کنزالعمال، ص ۴۴۲، ح ۲۶۸۸۶؛ تفسیر طبری، ج ۶، ص ۸۲.

۴- مسائل الناصریات، صص ۱۸۱ و ۱۸۲؛ البیان، ص ۱۴۱؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۲۶۶؛ تذکره الفقها، ج ۳، ص ۴۷؛ مجمع الفائده و البرهان، ج ۲، ص ۱۷۷.

۵- برای مطالعه نظر علمای شیعه در باره تثویب نک: الحدائق الناظره، ج ۷، ص ۴۲۰؛ المسالک، ج ۱، ص ۲۴.

ص: ۱۰۱

در حدیثی آمده است که الصلوه خیر من النوم، بدعت بنی امیه است و جزو اذان نبوده است.(۱) به احتمال قوی، تثویب را پس از پایان اذان، به منظور بیدارباش مردم می گفتند و جزو اذان نبوده، ولی بعدها وارد اذان شده است، چنان که ابوحنیفه نیز به آن اشاره می کند.(۲)

هر چند اهل سنت، تثویب را در اذان مستحب می دانند، برخی بزرگانِ آنها به بدعت بودن آن اعتراف کرده اند.(۳) اهل سنت برای اثبات ادعای خود روایاتی آورده اند،(۴) ولی این روایات، با یکدیگر متعارضند و نمی توان آنها را به معنای یکسانی ارجاع داد.(۵)

پرسش شصت و پنجم: قرار دادن دست ها روی هم در نماز به چه تاریخی برمی گردد؟

پرسش شصت و پنجم: قرار دادن دست ها روی هم در نماز به چه تاریخی برمی گردد؟

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی از صحابه و اهل بیت علیهم السلام در نماز چنین کاری انجام نمی داد. پس از رحلت آن حضرت، مردم به فرمان خلفا، در نماز این عمل را انجام می دادند. این کار، نوعی احترام ایرانیان باستان به پادشاهان به شمار می آمده است. برخی نویسندگان، کیفیت عبادت زرتشتیان را چنین نقل کرده اند که عبادت و نماز آنان این بود که در مقابل خدا می ایستادند و دست بندگی را بر سینه شان می گذاشتند.

مسلمانان بر اثر ارتباطی که به ویژه پس از فتوحات اسلامی با دیگر ملت ها برقرار کردند، با آداب و سنن آنان آشنا شدند. ازآنجاکه در میان آنها

۱- بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۱۷۹.

۲- جامع المسند، ج ۱، ص ۲۹۶.

۳- نک: کنزالعمال، ج ۸، ص ۳۵۷؛ صنعانی، المصنف، ج ۱، ص ۴۷۵؛ نیل الاوطار، ج ۲، ص ۴۳.

۴- سنن ابن ماجه، ج ۱، صص ۲۳۲ و ۲۳۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۱۶، ص ۵۱۹؛ نیل الاوطار، ج ۲، ص ۴۲؛ سنن ترمذی، ج ۱، ص ۳۷۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۳۷؛ سنن ابی داوود، ج ۱، ص۱۳۶، ح ۵۰۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۳۱۷.

۵- جهت مطالعه بیشتر و بررسی ادله طبقه بندی شده نک: جعفر سبحانی تبریزی، الاعتصام بالکتاب و السنه، صص ۵۵ و ۵۶.

ص: ۱۰۲

هم نکات مثبت و منفی وجود داشت، برخی صحابه از روی اجتهاد و رأی خود، این نوع احترام و عمل را وارد نماز کردند.

صاحب جواهر در این زمینه می گوید:

از عمر حکایت شده که وقتی اسیران ایرانی را پیش او آوردند، به نشاط احترام جلوی او تکفیر (قبض)(۱) انجام دادند. او از این عمل پرسید. پاسخ دادند که ما این کار را برای تواضع و خضوع پادشاهان خود انجام می دهیم. پس عمر این کار را در نماز نیکو شمرد.(۲)

پرسش شصت و ششم: حکم گذاشتن دست راست روی دست چپ در حالت قیام نماز، در میان مذاهب گوناگون اسلامی چیست؟

پرسش شصت و ششم: حکم گذاشتن دست راست روی دست چپ در حالت قیام نماز، در میان مذاهب گوناگون اسلامی چیست؟

هیچ یک از مذاهب اسلامی، این کار را در نماز، واجب نمی دانند، ولی حنفی ها و شافعی ها و حنبلیان آن را در نماز، سنت دانسته اند. البته مالکی ها رها کردن دست ها را در نماز واجب، مستحب می دانند.(۳) ولی مشهور شیعه امامیه، قبض در نماز را حرام و مبطل نماز می دانند، ولی برخی ترک آن را مستحب و برخی دیگر آن را مکروه دانسته اند.(۴)

پرسش شصت و هفتم: چگونه نماز، انسان را از گناه باز می دارد؟

اشاره

پرسش شصت و هفتم: چگونه نماز، انسان را از گناه باز می دارد؟

از نظر قرآن مجید، یکی از آثار نماز این است که انسان را از دست زدن به کارهای بد و ناروا باز می دارد، آنجا که می فرماید «وَ أَقِمِ الصّلاةَ إِنّ الصّلاةَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ؛ و نماز را برپا دار که نماز (انسان را) از زشتی ها و گناه باز می دارد.» (عنکبوت: ۴۵) با این حال، می بینیم که بسیاری از نمازگزاران به گناه و

۱- گذاشتن دست راست بر روی دست چپ در حال قیام نماز، دارای اسامی مختلفی از قبیل «تَکَتُّف»، «تکفیر» و «قبض» است.

۲- جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۹.

۳- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۵۱.

۴- الحدائق الناظره، ج ۹، ص ۱۰.

ص: ۱۰۳

کارهای بد آلوده اند و نماز در گفتار و کردار آنان اثری نگذاشته است و در این صورت، معنی آیه یاد شده چیست؟

اصولاً ـ باید توجه کرد که عامل اساسی برای بازداری انسان از خلاف و گناه، همان ایمان و یاد خداست. انسان غافل از خدا به سرانجام اعمال و کردار خویش نمی اندیشد و برای برآوردن غرایز سرکش خود، حد و مرزی نمی شناسد.

برعکس، یاد خدا؛ خدایی که از تمام کارهای کوچک و بزرگ ما آگاه است، خدایی که از آنچه در اندیشه ما می گذرد با خبر است، ما را از خودکامگی و هوس رانی و «مرزنشناسی» باز می دارد.

راه طبیعی و مؤثر و پیوسته برای کنترل غرایز و خواسته های نامشروع، یاد خدا، یاد کیفرهای خطاکاران و یاد پاداش فرمان برداران اوست.

نماز، وسیله یاد خداست

نماز، وسیله یاد خداست

یکی از اسرار نماز این است که انسان را به یاد خدا می اندازد. خود قرآن یکی از فلسفه های نماز را همین موضوع معرفی می کند، چنان که می فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛ نماز را برای یاد من به پا دار.» ناگفته پیداست از آنجا که نماز عبادت است و آن را باید به قصد قربت و برای خدا انجام داد، بی شک موجب یاد خدا خواهد بود.

گذشته از این، نمازگزار ذکرها و جمله هایی بر زبان جاری می کند که همگی موجب توجه به خدا و مایه یاد اوست.

اثری که نماز در روح و روان ما می گذارد، همان تقویت روح ایمان و توجه به خداست. همان گونه که گفته شد، درجاتی دارد و درباره افرادی که از ارتکاب بسیاری از گناهان پروایی ندارند، یاد خدا به منظور ترک گناهان، تنها به صورت یک زمینه است نه علت تامه.

ص: ۱۰۴

به عبارت دیگر، مقصود قرآن که می فرماید: «نماز، انسان را از گناه باز می دارد» این نیست که هر فرد نمازگزار در برابر تمام گناهان معصوم می گردد، بلکه به این معناست که نماز در انسان زمینه روح اطاعت و ترک گناه پدید می آورد، در عین حال چه بسا ممکن است بر اثر ضعف توجه به خدا، عوامل نیرومندتری اثر آن را خنثا سازد.(۱)

تأثیر اعمال و عبادات به ویژه نماز، به زمینه های روحی و معنوی، وجود بستر مناسب در خود نمازخوان و رفع موانعی که اثر نماز را خنثا می سازد و یا آن اثر را کم رنگ می کنند، بستگی کامل و مستقیم دارد. پیامبر خدا، امیرمؤمنان علی علیه السلام و اولاد پاک و معصومش علیهم السلام نماز می خواندند و ما هم نماز می خوانیم و به هر دو نیز نماز گفته می شود، ولی تفاوت میان این دو نماز چقدر است و دلیل آن چیست؟ آیا نماز امامی که همه عالم را محضر خداوند می بیند و در حال نماز همواره خود را در محضر خداوند می داند و جایگاه و داشته هایش را در برابر هستی مطلق، نیست و نابود می بیند، با نماز ما که با خیالات پراکنده و باطل همراه است، یکسان خواهد بود؟

بنابراین، نماز به تنهایی معجزه نمی کند و این معجزه و دگرگونی و تأثیر عمیق و شگرف را باید خود فرد نمازگزار رقم زند. اوست که باید باورهایش را درست و استوار سازد و اصول عقایدش را با مطالعه و تفکر، از آبشخور صاف و زلال منابع دین یعنی قرآن و سنت پیامبر و ائمه اهل بیت علیهم السلام بگیرد. آنگاه در انجام اعمال صالح بکوشد و هم زمان جویبار وجودش را از ناپاکی و آلودگی و رذایل نفسانی پیراسته سازد. او باید به اندازه ظرفیت وجودی اش مؤمن و معتقد شود تا نمازش معراج مؤمن و نزدیک کننده انسان باتقوا به خدا باشد.

۱- المیزان، ج ۱۶، ص ۱۴۱.

ص: ۱۰۵

گناه فردی که نماز می خوانـد، ولی نیت پاکی نـدارد، با نمازش ارتباطی نـدارد، بلکه به آلودگی درونی او بازمی گردد و حال آیا اگر همین فرد گناهکار که نیت صافی نـدارد، نماز را ترک کند، وضع بهتری پیدا می کند؟ آیا دلش صاف و روشن می گردد؟ بی شک نماز در همین فرد آلوده و خطاکار به اندازه خودش اثر دارد. به گونه ای که اگر این نماز ترک شود، آلودگی و گناه این فرد بیشتر و فراوان تر می شود؛ یعنی اثر نماز که همان نهی از فحشا و زشتی منکرات است، حتی به انـدازه کم و ناچیز، در این فرد ظاهر می شود و او را از آلودگی و زشتی بیشتر باز می دارد.

در روایت آمـده است: جوانی از انصـارش نمـاز را بـا پیامبر می خوانـد، ولی گناه و محرمات را نیز انجام می داد. جریان را به پیامبر گفتند. پیامبر فرمود: سرانجام، نمازش روزی او را از بدی و زشتی باز می دارد. طولی نکشید که دیدند آن جوان توبه کرد و دست از کارهای بد و زشتش برداشت.(۱)

حـال همین فرد بی نمـاز که نیت صـاف و دل پاک دارد، آیا اگر اهل نماز و عبادت و دعا و توسل مناجات با خداونـد باشـد، دلش پاک تر و صاف تر نمی شد؟ آیا درست است که به جای حل مسئله و مشـکل، صورت مسئله را پاک کنیم؟ چرا ما از نمازگزارانی که دل پـاک و نیت صـاف دارنـد نباشیم؟ چرا نکوشـیم نماز خود را به نماز پاکان و مردان خـدا نزدیک نکنیم؟ چرا بایـد همت ما کوتاه باشد و افراد ضعیف و کم معرفت را معیار سنجش و مقایسه خود قرار دهیم؟

نمـاز هر کسـی تابع میزان معرفت و شـناخت اوست و چون معرفت و ایمان افراد با هم متفاوت است، نمازهای آنها و آثار آن نمازها نیز متفاوت

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۱، ح ۱۰۲۵۴.

ص: ۱۰۶

خواهد بود. به هر حال هیچ نمازی بدون اثر نیست، هرچند میزان آن آثار کاملاً فرق دارد. انسان با ایمان باید بکوشد با تمرین و تصمیم و اراده قوی به نمازش عمق و شور و حال ببخشد و با مطالعه کتاب هایی که دراین باره نوشته شده و اسرار و نکات ظریف نماز را بیان کرده اند و نیز مطالعه شرح حال بزرگانی که به نماز عشق می ورزیده اند و نماز آنها نمونه ای از معراج مؤمن بوده، کم کم بر حضور و توجه در نمازش بیفزاید و شور و نشاط خود را در حال نماز بیشتر کند.

باید دانست که همین نمازهای بی روح و دست و پا شکسته ما نیز از آثار تربیتی و روانی و اجتماعی خالی نیست. اگر انسان، همین نماز بی روح را هم ترک می کرد، میزان جرم و خطای او بیشتر می شد؛ زیرا اثر عمده نماز که همان نهی از فحشا و زشتی گناهان است، حتی در این گونه نمازها نیز آشکار می شود. انسان مؤمن باید از هر راه ممکن با خدای خود مرتبط و پیوسته باشد و رابطه خود را با او قطع نکند، بلکه همین ارتباط ضعیف را روز به روز تقویت کند تا رفته رفته به درجه عالی قرب و معرفت خدای متعال برسد.

گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند

نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

نکته دیگر اینکه مسلمانی که نماز نمی خواند، در حقیقت عملی واجب را ترک کرده است. نماز ستون دین اسلام و معیار قبولی دیگر اعمال است. بنابراین، ترک نماز، کفر عملی به دستورهای خداست.

زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه ۵ سوره مائده پرسیدم: امام فرمود: «یعنی ترک کند کرداری را که بدان اعتراف کرده و از آن جمله است ترک نماز».(۱)

پس کسی که نماز می خواند و گناه هم می کند، مرتکب حرام شده و یک کیفر دارد، ولی کسی که نماز نمی خواند و گناه هم می کند، هم ترک واجب

۱- اصول کافی، ج ۴، کتاب الایمان و الکفر باب الکفر، ح ۵.

ص: ۱۰۷

کرده و هم مرتکب حرام شده است. او دو کیفر دارد و این دو نفر با هم برابر نیستند.

خلاصه اینکه اگر نماز، نماز واقعی باشد، تأثیر مثبت خود را در برابر گناه بر همه کس خواهد گذارد. گاهی این تأثیر بسیار نیرومند و زمانی کمتر است و این با تفاوت گناهان و تفاوت نمازها تغییر پیدا می کند. هر قدر نماز روح کامل تری داشته باشد، اثر تربیتی و بازداشتن آن از گناه، نیرومندتر است.

گذشته از این، نماز، افراد نمازگزار را از بسیاری گناهان بازمی دارد و در عین حال، زمینه را برای ترک دیگر گناهان آماده می سازد؛ زیرا نمازگزار ناچار است که برای صحت نماز، از بسیاری از گناهان دوری کند. برای مثال، یکی از شرایط نماز، مشروع بودن و مباح بودن تمام وسایلی است که در نماز و مقدمات آن مانند آب وضو و غسل و مکان و لباس نمازگزار به کار می رود. این موضوع رفته رفته سبب می شود که گناهان بسیاری را ترک کند و در کار و کسب، از هر نوع حرام اجتناب ورزد؛ زیرا بسیار مشکل است که یک فرد تنها در امور مربوط به نماز، به حلال بودن آنها مقید شود و در دیگر موردها بی پروا باشد.

برای مثال، کسانی که تارک نماز هستند، با ترک این فریضه، بسیاری از دیگر فرایض مانند روزه، حج، زکات، و خمس را ترک می کنند و فرقی میان حلال و حرام و پاک و ناپاک نمی گذارند. برعکس، کسانی که دست کم صورتی از نماز را برپا می دارند، بیشتر گناهان یا همه آنها را ترک می کنند.

بنابراین، نماز در تمام «نمازگزاران» یک نوع اثر تربیتی خواهد گذارد؛ خواه این اثر قوی و همه جانبه باشد یا ضعیف و کم فروغ. آن هم به چگونگی برگزاری نماز و آداب و روح آن بستگی دارد.

ص: ۱۰۸

پرسش شصت و هشتم: تأخیر انداختن نماز از اول وقت چه نتایجی دربردارد؟

پرسش شصت و هشتم: تأخیر انداختن نماز از اول وقت چه نتایجی دربردارد؟

الف) تأخیر نماز، سبب محروم ماندن انسان از برکات و پاداش های آن و گاهی دلیلی بر سبک شمردن نماز است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

کسی که نمازها را بی سبب به تأخیر اندازد و حدود آنها را حفظ نکند، فرشته ای نماز او را سیاه و تاریک به آسمان برد؛ در حالی که نماز با صدای بلند به نمازگزار گوید: «مرا ضایع کردی، خدای تو را ضایع کند؛ آن چنان که مرا ضایع کردی.»(۱)

ب) تأخیر نماز از اول وقت، سبب دوری انسان از رحمت و نظر لطف الهی است. حضرت مهدی[به یکی از مشتاقان دیدارش (زهری) که آن حضرت را زیارت کرده بود، دوبار فرمود:

از رحمت خدا دور است کسی که نماز صبح را چندان تأخیر بیندازد تا ستاره ها ناپدید شوند و نماز مغرب را به قدری تأخیر بیندازد تا ستاره ها ظاهر شوند.(۲)

ج) نخواندن نماز در اول وقت، سبب جرئت و سلطه شیطان بر انسان می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

شیطان همیشه از مؤمن می ترسد تا زمانی که بر نمازهای پنج گانه محافظت دارد، ولی هنگامی که پنج وقت نماز را ضایع کرد، بر او جرئت پیدا می کند و او را در گناهان بزرگ می اندازد.(۳)

د) یکی دیگر از آثار شوم سستی در نماز، محشور شدن با افراد دوزخی در قیامت است. پیامبر می فرماید:

۱- آداب الصلاه، صص ۳ و۴.

۲- حق الیقین، ص ۳۰۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۸.

ص: ۱۰۹

کسی که نمازهای پنج گانه اش را با طهارت کامل در اول وقت به جا آورد، این نماز در قیامت برای او نور و برهان است و کسی که نمازش را ضایع کند (اول وقت نخواند)، با فرعون و هامان محشور خواهد شد.(۱)

ه) نخواندن نماز در اول وقت، موجب محروم ماندن انسان از شفاعت پیامبر و ائمه معصوم علیهم السلام است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «فردای قیامت، شفاعت من به کسی که نمازهای واجب را از اول وقتش به تأخیر افکند، نخواهد رسید».(۲)

پرسش شصت و نهم: پیامدهای ترک نماز چیست؟

پرسش شصت و نهم: پیامدهای ترک نماز چیست؟

ترک نماز، کوتاهی در مهم ترین دستور الهی و انجام ندادن بزرگ ترین وظیفه و برنامه زندگی است. ترک نماز، ناشکری و ناسپاسی نعمت های الهی و برداشتن ستون دین است؛ زیرا نماز پایه دین است.

ترک نماز و عبادت، سبب می شود که آفرینش و زندگی انسان، بیهوده و لغو جلوه کند، در حالی که عبادت، انسان را به هدف آفرینش رهنمون می شود. ترک نماز و نیایش، سبب ترک لذت بخش ترین حالات انسان است. جوامع، ملت ها، اقوام و نژادها، از اول تاریخ آفرینش بشر تا حال، با نیایش، عبادت و مناجات، پویا و زنده مانده اند. (هر چند در روش و کردار و گفتار دچار انحراف هم شده اند.)

در هیچ زمانی، انسان از عبادت و پرستش خدا بی نیاز نبوده و نخواهد بود، ولی این عبادت باید با برنامه و روش خاصی صورت گیرد. وگرنه هیچ بهره و نتیجه ای نصیب شخص نیایش گر نخواهد شد.

خداوند می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا؛ البته نماز بر مؤمنان به طور حتم فرض و واجب شده است». (نساء: ۱۰۳)

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۳.

۲- اسرار الصلاه، ص ۱۶۰.

ص: ۱۱۰

ترک نماز یا سبک شمردن آن، آثار شوم فراوانی دارد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله دراین باره می فرماید:

هرکس نماز را سبک بشمارد، دچار پانزده بلا می شود: شش بلا در دنیا، سه بلا در هنگام مرگ، سه بلا در قبر و سه بلا و عقوبت، هنگامی که از قبر بیرون می آید.

۱. آنچه در دنیا به آن دچار می شود:

الف) خداوند برکت را از عمر او برمی دارد.

ب) خداوند برکت را از روزی اش برمی دارد.

ج) چهره خوبان از او گرفته می شود.

د) کار نیک وی دیگر پاداش نخواهد داشت.

ه) دعایش به اجابت نمی رسد.

و) از دعای خوبان بهره ای نخواهد برد.

۲. آنچه در هنگام مرگ به آن دچار می شود:

الف) با ذلت و خواری می میرد.

ب) گرسنه از دنیا می رود.

ج) تشنه می میرد.

۳. آنچه در قبر گریبانش را می گیرد:

الف) خداوند، ملکی را در قبر وی می گمارد، تا او را شکنجه کند.

ب) قبر بر وی تنگ خواهد گرفت.

ج) درون قبر وی، تاریک خواهد بود.

۴. آنچه در قیامت هنگام برخاستن از قبر به آن دچار می شود:

الف) خداوند فرشته ای بر او می گمارد، تا وی را با صورت بر زمین بکشد، در حالی که مردم نظاره می کنند.

ص: ۱۱۱

ب) با وی محاسبه سختی خواهد شد.

ج) هرگز خداوند به وی نظر رحمت نمی افکند و تطهیرش نمی کند و عذاب دردناك و سختی در انتظار او است.(۱)

عبیـد بن زراره می گویـد: از امام صادق علیه السـلام پرسـیدم: گناهان کبیره کدامند؟ آن حضـرت فرمود: «گناهان کبیره در نوشـتار علی بن ابی طالب علیه السـلام هفت چیز است: کفر به خداوند، کشتن انسان، عاق پدر و مادر شدن، ربا گرفتن، خوردن مال یتیم به ناحق، فرار از جهاد و تعرب بعـد از هجرت. عبیـد می گوید: از امام پرسـیدم یک درهم از مال یتیم خوردن، بزرگ تر است یا ترك نماز؟

حضـرت فرمود: «ترك نماز.» پرسـیدم: شـما ترک نماز را از گناهان کبیره به حساب نیاوردید. حضرت فرمود: «اولین گناه کبیره چه بود؟» گفتم: کفر به خداونـد. فرمود: «شـکی نیست که تـارك نماز کافر است».(۲) (مقصـود از ایـن کفر، کفر عملی است. البته اگر ترك نماز به جهت انکار خداوند و رسول باشد، کفر نظری نیز هست.)

۱- مستدرك الوسایل، ج ۱، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۵۴.

ص: ۱۱۲

فصل هفتم: آسیب شناسی نمازگزاری

اشاره

فصل هفتم: آسیب شناسی نمازگزاری

زیر فصل ها

پرسش هفتادم: منظور از سبک شمردن نماز چیست؟

پرسش هفتاد و یکم: نماز خواندن از روی عادت به چه معناست؟ آیا ارزش نماز را کاهش می دهد؟

پرسش هفتاد و دوم: در پاسخ به افرادی که می گویند نماز عملی تکراری است که ما برای انجام آن شور و اشتیاقی نداریم، چه باید گفت؟

پرسش هفتاد و سوم: علل بی توجهی برخی نوجوانان به نماز و راه درمان آن چیست؟

پرسش هفتاد و چهارم: والدین چگونه می توانند فرزندان خود را برای خواندن نماز آماده کنند؟

پرسش هفتادم: منظور از سبک شمردن نماز چیست؟

پرسش هفتادم: منظور از سبک شمردن نماز چیست؟

مقصود از سبک شمردن نماز، اهمیت ندادن به آن است. یکی از مصداق های سبک شمردن نماز این است که شخص گاهی نماز را ترک می کند و یا با نداشتن عذر شرعی، نماز را از اول وقت به تأخیر می اندازد. همچنین با شتاب زیاد نماز خواندن، رکوع و سجود را صحیح و درست انجام ندادن، قرائت و ذکرها را بدون توجه و غلط خواندن، شرایط نماز (مثل طهارت، قبله شناختن، وقت و ساتر داشتن و ...) را رعایت نکردن، با نزدیک بودن مسجد و برگزار شدن جماعت، نماز را فرادا خواندن و... همه اینها از مصادیق سبک شمردن نماز است.

آیه «فَوَیْلٌ لِلْمُصَلِّینَ الّذینَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ» در مورد کسانی است که نماز را سبک می شمارند؛ وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل انگاری و در نماز یا دیگر کارها ریا می کنند و دیگران را از کار خیر و کمک به مستمندان باز می دارند.

پرسش هفتاد و یکم: نماز خواندن از روی عادت به چه معناست؟ آیا ارزش نماز را کاهش می دهد؟

پرسش هفتاد و یکم: نماز خواندن از روی عادت به چه معناست؟ آیا ارزش نماز را کاهش می دهد؟

یکی از موانعِ حضور قلب و اسباب غفلت در نماز، عادت و شرطی شدن در عبادت است. (در روان شناسی، شرطی شدن به معنای بروز رفتاری مشخص

ص: ۱۱۳

در واکنش به محرک های محیطی است، به صورتی که با تکرار آن شرایط، شخص مورد نظر به انجام آن عمل می شتابد، بی آنکه به نیازهای درونی خود بیندیشـد.) به این معنا که انسان، اصل نماز و ذکرهای آن را به صورت فیزیکی و از روی عادت به جا آورد، به گونه ای که به حقیقت و روح نماز، توجه قلبی نداشته باشد. برای توضیح بیشتر چند مقدمه می آوریم:

عـادت یعنی خو گرفتن به عملی یـا چیزی، به گونه ای که آدمی به راحـتی و بـدون تفکر و به صورت خودکـار، آن عمـل را انجـام دهد.

عادت در دو قسم عمده طبقه بندی می شود: نخست «عادت فعلی» که کنش فعال شخص است و به واقع اختیار می شود.

در این نوع عادت، انسان تحت تأثیر یک عامل خارج قرار نمی گیرد، بلکه کاری را بر اثر تکرار، بهتر انجام می دهـد. هنرها و فنون مثل نوشـتن و خواندن، عادت هسـتند که بر اثر تمرین به آنها عادت می کنیم. بسـیاری از ملکات نفسانی مثل شـجاعت، سـخاوت و عفت، عادت فعلی است.

بنـابراین، ویژگی این عـادت ها آن است که انسان تا وقتی عادت نکرده، اراده اش در مقابل محرکات خلاف، ضـعیف است و وقتی عادت کرد، قدرت مقاومت پیدا می کند. همان گونه که درباره تقوا و عدالت چنین است و در این حالت، انسان اسیر آن نمی شود. افزون بر این عـادت، کـاری را که بر حسب طبیعت برای انسـان دشوار است، آسان می کنـد و این نه تنها ناپسـند نیست، پسـندیده و نیکوست.

در وصـیت نـامه معروف امیر مؤمنـان علی علیه السـلام به فرزنـدش امـام حسن علیه السـلام می خوانیم: «ان الخیر عـاده؛ نیکی عادت است!»(۱)

همین مضـمون در کنزالعمـال از پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله نقل شـده است که فرمود: «الخیر عاده و الشـر لجاجه؛ نیکی عادت است و شر، لجاجت است!»(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۲.

۲- کنز العمال، ح ۲۸۷۲۲.

ص: ۱۱۴

نوع دوم عادت، «عادت انفعالی»(۱) است که در روایات از آن نهی شده و به معنای عادتی است که انسان، تحت تأثیر یک عامل خارجی انجام می دهد که به تعبیر دیگر، همان شرطی شدن در قبال محرک های محیطی است.

عادت انفعالی ویژگی هایی دارد که عبارتند از:

۱. عادت انفعالی سبب وابستگی انسان به عمل یا چیزی می شود، به گونه ای که اختیار، اراده و آزادی را از او سلب می کند و در حقیقت عمل به صورت ناخودآگاه و از روی عادت انجام می شود.

۲. عادت انفعالی، ارزش و آثار سازنده یک عمل را خنثا می کند. حتی اگر یک عمل اخلاقی به صورت عادت درآید، ارزش خود را در وجوهی از دست می دهد؛ زیرا بخش مهمی از ارزش یک عمل به آگاهانه و ارادی بودن آن است. در حالی که عملِ مبتنی بر عادت از ناخودآگاه انسان فرمان می گیرد و در نتیجه، از محتوای حقیقی خود خالی می شود.

حضور قلب در نماز به میزان آگاهی و توجه قلبی نمازگزار بستگی دارد. از این رو، اگر نماز به صورت یک عادت انفعالی درآید، موجب غفلت و نداشتن حضور قلب در نماز می شود، به گونه ای که موجب می شود گاهی انسان تمام کارها و ذکرهای نماز را از روی عادت انجام دهد، بدون اینکه در پایان، چیزی از آن عمل را به خاطر داشته باشد.

در روایات آمده است، گاهی حتی طولانی کردن نماز به صورت عادت درمی آید و معنای حقیقی و روح خود را از دست می دهد. امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید:

به طولانی کردن رکوع و سجود کسی نگاه نکنید؛ زیرا شاید این چیزی باشد که به آن عادت کرده است که اگر ترکش کند وحشت می کند، ولی راستی در گفتار و ادای امانتش را در نظر بگیرید.(۲)

۱- نک: مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت، بحث عادت.

۲- اصول کافی، ج ۳، کتاب الایمان و الکفر، باب راستگویی و ادای امانت، ص ۱۶۲، ح ۲.

ص: ۱۱۵

بنابراین، روشن شد که حتی باارزش ترین اعمال انسانی و عبادی، اگر به شکل عادت درآید، روح خود را از دست می دهد و در نتیجه تا حدود زیادی اثر حیات بخش آن خنثا خواهد شد، و حتی این خطر وجود دارد که شخص به نَفْس عمل خود تردید کند و آن را کار بیهوده ای بپندارد.

به عبارت دیگر، نمازی که ماشین وار و بدون توجه به هدف اصلی آن برپا می شود، همچون عادت های روزمره در خطر نابودی است. این عادت ها گاهی روح آدمی را به تسخیر خود درمی آورند، سپس از میان می روند، مانند بسیاری از نمازگزارانی که این عبادت را ترک گفتند. انجام این عمل ناخودآگاه در بلندمدت ممکن است به یک احساس پوچی منجر شود و آدمی در برابر این پرسش قرار بگیرد که چه فایده ای از این عمل تکراری نصیب او می شود؟

البته اینکه گفته شد هرگاه عبادت به صورت عادت درآمد، مذموم است، به این معنا نیست که ضرورت استمرار و مداومت در عبادت را نفی کنیم، بلکه منظور آن است که کثرت ظاهری اعمالِ عبادی به تنهایی ملاک ارزش گذاری نیست، بلکه مقدار وجه و آگاهی در عبادت، نقش تعیین کننده ای دارد. اگر خواهان حضور قلب در نماز هستیم، باید مراقب باشیم تا اعمال را از سر عادت انجام ندهیم و هر نمازی را باب جدیدی در گفت وگو با خداوند ببینیم. از همین رو، مردان الهی، در عین کثرت عبادت و دعا، به مقدار توجه و آگاهی خود در اعمال می افزایند و در نتیجه، به بهترین و برترین شکل، از عبادت بهره می برند.

برای پرهیز از یک نواختی عادت گونه در نماز می توان به چند روش عمل کرد:

ص: ۱۱۶

۱. هر کس با توجه به روحیات و شرایط خودش در نماز تنوع ایجاد کند. برای مثال، در زمان و مکان گوناگون نماز بخواند و حتی در رکعت های اول و دوم بعد از قرائت سوره حمد، تنها به خواندن سوره اخلاص بسنده نکند و هر بار سوره های جدیدی را قرائت کند.

۲. آگاهی از فلسفه و اسرار نماز؛ که بدون شک، به مطالعه جدی نمازگزار نیاز دارد.

۳. احساس نیاز به نماز و اینکه خود را محتاج گفت وگو با خداوند ببینیم.

۴. الگوپذیری از نمازهای ائمه علیهم السلام ، علما و عارفان، با دقت در روش ها و شیوه هایی که آن بزرگان به کار می بستند.

۵. تصمیم به حضور قلب و عبادت آگاهانه که بی تردید، اصلی ترین مدخل ورود به وادیِ حضور قلب است.

پرسش هفتاد و دوم: در پاسخ به افرادی که می گویند نماز عملی تکراری است که ما برای انجام آن شور و اشتیاقی نداریم، چه باید گفت؟

پرسش هفتاد و دوم: در پاسخ به افرادی که می گویند نماز عملی تکراری است که ما برای انجام آن شور و اشتیاقی نداریم، چه باید گفت؟

در پاسخ این افراد، می توان گفت که آیا تا به حال از اینکه روزی سه بار غذا می خورید، خسته نشده اید؟ انسان موجودی دو بعدی است و زندگی روحانی نیز دارد. بیشتر انسان ها نیازهای جسمی خود را درک می کنند و به فکر برآوردن آن هستند، ولی پس از تقویت جنبه جسمانی، از بعد روحانی خود غافلند و در این بعد احساس نیاز نمی کنند. غذا نیاز بعد جسمانی را تقویت می کند و نماز نیاز بعد روحانی را. همان گونه که در بعد جسمانی احساس نیاز می کنیم، در بعد روحانی نیز باید احساس نیاز کنیم و غذای روح را از سرچشمه پاک و سالم آن فراهم آوریم. پس مشکل اصلی، نداشتن احساس نیاز در بعد روحانی است.

ص: ۱۱۷

پس از این پاسخ، با مسئله دیگری روبه رو می شویم. برخی می گویند: درست است که ما روزی سه بار غذا می خوریم، ولی تنوع غذا بسیار مهم است. اگر بگویند در تمام مدت زندگی، فقط یک نوع غذا بخورید، بی گمان از غذا زده می شوید. اشکال در این است که هر چند نماز در سه نوبت گزارده می شود، در هر سه نوبت، شیوه یکسانی دارد. مثل اینکه صبحانه و ناهار و شام یک نوع غذا بخوریم. با وجود این، بر فرض احساس نیاز، باز هم نبود تنوع، سبب بی میلی به نماز و تکراری شدن آن می شود.

در مقابل این پرسش، چند نکته را بیان می کنیم:

۱. در بعد جسمانی هم به گونه ای تأمین نیازها تکراری است. همیشه هوا را استشمام می کنیم و همواره برای رفع تشنگی آب می نوشیم و هیچ گاه از این مسئله تکراری مهم، خسته و به علت نبودن تنوع، کسل نشده ایم؛ چون به طور کامل احساس نیاز می کنیم. هیچ کس نگفته است به علت تکراری بودن هوا و برای تنوع از این به بعد، هوا را استشمام نمی کنم. اگر کسی بگوید: «هوا و آب معادلی ندارند و تنوع در آنها معنا ندارد؛ اگر قرار شود برای تنوع هوا را استشمام نکنیم، چیز دیگری برای نفس کشیدن وجود ندارد. پس تنوع طلبی در این مورد صدق نمی کند.» ما نیز در جواب می گوییم: «نماز هم معادلی ندارد.» هیچ عبادتی مانند نماز سبب نزدیکی به خداوند نمی شود.

گذشته از این، اساس نیاز جسمانی، تکراری است. برای نمونه، بدن به پروتئین و ویتامین نیاز دارد که از راه های گوناگون تأمین می شود؛ یعنی تأمین پروتئین بدن، تکراری است، ولی هیچ کس به علت تکراری بودن آن، از تأمین نیاز پروتئینی بدنش خسته نشده است.

۲. هر تکراری، بی فایده نیست. امور تکراری زیادی در زندگی ما وجود دارند که اگر حذف شوند، بسیاری از کارها مختل می گردد. دست یابی به بسیاری از مهارت ها از راه تکرار ممکن است و تمرین، یکی از مهم ترین

ص: ۱۱۸

شیوه های آموزشـی و ورزیـد گی است. اگر افراد به دلیل نبود تنوع و تکراری بودن، تمرین را رها کنند، بسیاری از توانایی ها را به دست نمی آورند.

۳. نماز انواع مختلفی دارد. نزدیک به سیصد نوع نماز تعیین شـده است که از نظر درون مایه و زمان به جا آوردن، با هم متفاوتنـد. نمازهای گوناگون، در شرایط مختلف و به علل متعددی در شرع اسلام قرار داده شده است.

۴. برای رفع کسالت و ایجاد شوق به نماز، راه هایی در نظر گرفته شده است. در این زمینه، به امور زیر می توان اشاره کرد:

الف) شرکت در نماز جماعت و حضور در جمع نمازگزاران، افزون بر ایجاد تنوع در چگونگی اجرای نماز، به علت افزایش فعالیت های اجتماعی و شرکت در فعالیت گروهی، سبب ایجاد نوعی میل و رغبت به نماز می شود.

ب) هر فردی می توانـد در نمازش تنوع ایجاد کنـد، مانند در نظر گرفتن لباسـی خاص برای نماز، طولانی یا کوتاه کردن نماز، تغییر در مکان یا زمان نماز، قرائت قرآن، ادعیه و تعقیبات، هنگام نماز.(۱)

ج) آشـنایی با فلسفه نماز و آگاهی از اهمیت و ضرورت نماز، سبب می شود که فرد به نماز احساس نیاز کند. در این صورت، هیچ گاه از اینکه نیازش را برطرف کند، خسته و کسل نمی شود.

د) مطالعه نماز علما و عارفان بزرگ و دقت در حالات معنوی آنها در هنگام نماز، در ایجاد انگیزه به خواندن نماز بسیار مهم است.

پرسش هفتاد و سوم: علل بی توجهی برخی نوجوانان به نماز و راه درمان آن چیست؟

پرسش هفتاد و سوم: علل بی توجهی برخی نوجوانان به نماز و راه درمان آن چیست؟

پیش از هر گونه تصـمیم گیری در مورد واداشـتن نوجوان بی اعتقاد به نماز، باید با تحقیق جامع دریابیم که علل بی توجهی به نماز چیست؟ حرف و سخن آنها چیست؟ آیا از والدین، مربیان و الگوهای تربیتی، سرخورده

۱- عباس عزیزی، نمازهای مستحبی، ستاد اقامه نماز، تهران.

ص: ۱۱۹

شده اند و می خواهند عصیان خود را نشان دهند؟ یا بر اثر تنبلی و بی حوصلگی خودِ فرد کاهل در نماز است؟ مهم ترین مشکلات را می توان در محورهای زیر جست وجو کرد:

الف) علل فردی

مهم ترین عـواملی که مربـوط به خود نوجوان است، می توانـد درک نکردن صـحیح تعـالیم مـذهبی، ناآشـنایی به وظیفه و تکلیف، تنبلی و تن پروری، غفلت و مسـامحه کـاری، نداشـتن روحیه لازم برای اقـامه نمـاز، اثبات وجود و نشان دادن اینکه او برای خودش کسی است و می تواند یاغی و عاصی باشد.

ب) علل خانوادگی

از جنبه خانوادگی هم عللی ماننـد عادت نـدادن او به نماز از دوران خردسالی، دعوت به نماز از روی خشونت و سـپس عقده سازی در او، سـلب اعتماد از متولیان امور مـذهبی به وسـیله خانواده، آلودگی در غذای خانواده بر اثر رعایت نکردن حلال و حرام، در بی نمازی یا کاهلی فرد در نماز خواندن مؤثر است.

ج) علل مربوط به گروه هم سالان

نقش این گروه به اندازه ای است که می تواند اندیشه ها را دگرگون و حتی در دین و اعتقاد افراد اثر گذارد. تابعیت و هم رنگی با دوسـتان و بیشترِ اُنس هـا و دوستی هـا در این مرحله، ابرآلود و مبهم است. بنابراین، در ترک نماز و زمانی هم ایجاد رغبت و عادت به نماز، الگوها و معاشران نقش اساسی دارند.

د) علل اجتماعی

دوران نوجوانی، دوران تجسـس است. این جست وجو در حیطه سیاسـی، اجتماعی، اقتصادی، مـذهبی و فرهنگی صورت می گیرد. در این حال، عوامل

ص: ۱۲۰

متعددی از جامعه و محیط بر او اثر می گذارد و احساسی برای گرایش یا ترک مذهب در او پدید می آورد.

توجه به راه های درمان

تا وقتی که ریشه جهل، غفلت، تن پروری و بی رغبتی در فرد زدوده نشود، خانواده ها سروسامان نداشته و یا بی توجه و بی برنامه باشند، دوستان و معاشران ناباب، کودک و نوجوان را احاطه می کنند و در میان می گیرند و جوّ جامعه و شرایط محیط، نابسامان و آشفته می ماند و در نتیجه، امید به اصلاح، بسیار اندک خواهد بود.

برنامه ریزی برای اصلاح کودکان و نوجوانان در محیط خانواده و تلاش برای کنترل جامعه و محیط، در دو سوی یک جریان مهم قرار دارند. شرایط حیات سیاسی، اجتماعی و خانوادگی با حیات معنوی در ارتباط بنیادین هستند. بنابراین، در این ابعاد چهارگانه باید اقدامات موازی صورت پذیرد که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. ارتباط با کودکان و نوجوانان

الف) جهل زدایی از طریق والدین، مربیان و رسانه های جمعی، با استفاده از توان بیانی، تصویری، کتاب ها، مجلات و... .

ب) ایجاد رغبت در آنها از طریق برقراری ارتباط دوستانه با او و پذیرش دوستان او.

ج) استفاده از حساسیت و شور و هیجان مذهبی و معنوی نوجوان و نشان دادن صحنه های مهیج مذهبی.

د) پاسخ به پرسش های مذهبی و تجهیز آنها برای دفاع از مذهب.

ه) زمینه سازی برای خودیابی، خودسازی و محاسبه نفس.

و) آشنا کردن آنها با حقایق پیرامون و خطراتی که از جنبه های گوناگون متوجه آنهاست.

ص: ۱۲۱

۲. ارتباط با خانواده

الف) بعـد الگویی خانواده بایـد تقویت شود برای این کار، به هنگام نماز بایـد پدر و مادر همه کارها را تعطیل کنند و به سوی نماز روی آورند که این، نوعی درس سازنده و عملی است.

ب) استفاده از جاذبه های صوتی کلامی برای جلب و جـذب آنان، مثل قرائت نماز و قرآن با صـدای خوب، لحن خوب و آهنگین توسط خانواده.

ح) ایجـاد ارتبـاط گرم و سازنـده بـا آنهـا و اعلام محبت و نشان دادن رحمت و عنایت خود و گاهی هم بهره گیری از مهر و قهر به صورت هم زمان.

د) استفاده از نیروی برادر یا خواهر بزرگ تر برای جلب و جذب آنها.

ه) کنترل غیرمستقیم و زیر نظر داشتن برنامه های او.

۳. ارتباط با همسالان

الف) فراهم آوردن زمینه لازم برای دوست یـابی فرزنـدان، از راه معاشـرت بـا خـانواده هـایی که فرزنـدان سالم و هم سن و سال با فرزندان آنها دارند.

ب) جهت دادن نوجوان به عضویت در تشـکیلات و گروه هـایی که در مسـیر مـذهب و عبـادت و نمازنـد و مشارکت دادن آنها در هیئت های مذهبی و پرورش روح دینی در آنها.

۴. اصلاح شرایط محیطی

بالاخره به این نکته هم باید توجه داشـته باشـیم که شرایط و جو و محیط اجتماعی، در سازندگی یا ویرانی بنای اخلاقی و مذهبی به شدت مؤثر است. محیط فاسد و مسموم زمینه ساز فساد است و محیط صالح و شایسته موجب رشد و تعالی است.

ص: ۱۲۲

یکی از رسالت های برنامه ریزان و برنامه سازان، درک درست و واقع نگرانه به این معضل مـذهبی و تلاش به منظور رشد و ارتقای برنامه های جذاب مذهبی به ویژه در اوقات نماز است. صدا و سیما در این خصوص می تواند با تهیه برنامه های جذاب، به فرهنگ سازی و انتقال ارزشی اهتمام بیشتری نماید. به نظر می رسد که رسانه باید حتی در این زمینه به برگزاری نشست با متفکران و متولیان مذهبی برای تهیه برنامه های جذاب تر و پرمحتواتر در زمینه نماز اقدام کند؛ زیرا آمارهای غیررسمی دراین باره بسیار نگران کننده است و رسالت دست اندرکاران صدا و سیما را دوچندان می کند.

در شرایط کنونی، به یک حرکت فرهنگی گسترده نیاز داریم، که فقط صرف یک همایش نباشد. این حرکت فرهنگی باید به وسیله صدا و سیما، ائمه جمعه، روزنامه ها، مجلات، مدارس، خانواده و نهادهای متولی امور فرهنگی پایه ریزی شود. این حرکت فرهنگی باید با هدف شناسایی و جذب نماز، ضرورت برپایی نماز، آثار و فواید نماز و... صورت پذیرد تا جامعه اسلامی ما جامعه ای شود که کوچک و بزرگ، زن و مرد بیش از پیش به مسئله نماز که در حقیقت حافظ امنیت اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی ماست، اهتمام بورزیم.

پرسش هفتاد و چهارم: والدین چگونه می توانند فرزندان خود را برای خواندن نماز آماده کنند؟

پرسش هفتاد و چهارم: والدین چگونه می توانند فرزندان خود را برای خواندن نماز آماده کنند؟

شیوه های تربیتی والدین، در شکوفایی شخصیت دینی فرزندان تأثیر تعیین کننده ای دارد. در کنار نمازگزار بودن والدین، شیوه جذب و تربیت آنها نیز مؤثر است. والدین افزون بر اینکه در تربیت الگویی فرزندانشان مؤثر هستند، می توانند با به کارگیری شیوه های تربیتی مناسب، در تعمیق نمازگزاری آنها نیز اثر بگذارند.

ص: ۱۲۳

بنابراین، والدین برای انجام رسالت خویش در مورد تربیت دینی فرزندانشان در امر نماز، باید در گام نخست، خودشان نمازگزار باشند. در قدم دوم، از شیوه های تربیتی آگاه شوند. همچنین با معارف، احکام و اسرار نماز به شناخت درست برسند. والدین در اِعمال شیوه های تربیتی خود در مورد نماز فرزندان، لازم است به نکات زیر توجه کنند:

۱. از ابتدا فطرت دینی فرزندانشان را شکوفا سازند و آنها را به خداوند و ایمان به او، با زبانی ساده آشنا کنند تا احساس مسئولیت در مقابل خدا را بفهمند و با درک درست بپذیرند.

۲. هنگام دعوت کودک به نماز باید آمادگی «جسمانی»، «عاطفی»، «روانی» و «عقیدتی» او را در کنار آمادگی محیط خانه برای نماز، در نظر بگیرند.

۳. بر فرض آمادگی کودک، چگونگی عمل و دعوت والدین برای نماز بسیار مهم است.

۴. کودکان روحیات حساس و لطیفی دارند و در دنیای عجیب خود وقایع را تجزیه و تحلیل می کنند. پدر و مادر باید به تنوع روحیات و احساسات کودک خود توجه و راهکارهای تربیتی را بر اساس آن تنظیم کنند.

۵. تشویق و تنبیه مناسب و به موقع، یکی از اهرم های تربیتی است که در موضوع نمازخوان کردن فرزند نیز کارساز است، ولی برای به کارگیری آن باید حساسیت خاصی را روا داشت.

۶. پس از گذر از مرحله احساس و قرار گرفتن کودک در محیط نماز، آرام آرام باید آموزش را آغاز کرد.

۷. آگاهی از محیط تحصیل و دوستان فرزند، برای کنترل رفتارهای تربیتی او بسیار ضروری است.

ص: ۱۲۴

۸. رفتن دسته جمعی اعضای خانواده به نماز جماعت یا نماز جمعه، افزون بر ایجاد شور و نشاط در کودک، نماز را به خوبی در ذهن فرزندان نهادینه می کند.

۹. برپایی جشن تکلیف و خرید لباس مخصوص نماز برای فرزندان، شوق فراوانی را در آنان ایجاد خواهد کرد که مقدمه خوبی برای کسب معرفت نسبت به نماز است.

۱۰. در همه این موارد، ایجاد فضای معنوی در خانه یا اقامه نماز دسته جمعی در خانه، بسیار اثرگذار است.

ص: ۱۲۵

کتاب نامه

کتاب نامه

افراسیاب پور، علی اکبر، زیبایی پرستی در عرفان اسلامی، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۸۰.

بدیعی، مجید، حضور قلب در نماز از دیدگاه عالمان ربانی و عارفان الهی، قم، انتشارات تشیع، ۱۳۷۷.

بیرونی خوارزمی، ابوریحان محمد بن احمد، آثار الباقیه عن القرون الخالیه، بی جا، بی نا، بی تا.

پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۲۴.

جوادی آملی، عبدالله، حکمت عبادات، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۰.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، بی تا.

راب، ا.کهن، گنجینه تلمود، ترجمه: امیرفریدون گرگانی، چاپ غلامرضا ملکی، بی جا، بی نا، بی تا.

راشدی، حسن، نمازشناسی، تهران، ستاد اقامه نماز، بی تا.

رضایی، عبدالعظیم، اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، تهران، چاپخانه طلوع آزادی، ۱۳۶۸.

سرخسی، شمس الدین محمد، المبسوط سرخسی، چاپ سربی، مصر، ۱۳۲۴ ه .ق.

ص: ۱۲۶

شاهروج، کیخسرو، آیینه آیین مزدسینی، سرگر اورنگ، تهران، چاپ آفتاب، ۱۳۳۷.

شرفی، محمدرضا، نقش نماز در زندگی زوج های جوان، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۸.

شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر، ملل و نحل، بیروت، دار صعب، ۱۴۰۶ ه .ق.

شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۳۰ه .ق.

شیخ کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، بی تا.

طریحی، محمدالدین، مجمع البحرین، نجف، مطبعه الآداب، بی تا.

فخرالاسلام، محمدصادق، انیس الاعلام، تهران، چاپ پیام، ۱۳۵۴.

فیض کاشانی، ملا محمدمحسن، محجه البیضاء، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱.

قرائتی، محسن، پرتوی از اسرار نماز، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.

، تفسیر نماز، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵.

قرطبی انصاری، ابن عبدالله محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربیه و الطباعه و النشره القاهره، ۱۳۸۷ ه .ق.

کارگر محمدیاری، رحیم، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۷.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ه . ق.

ص: ۱۲۷

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.

محمدی، محسن، از نمازگزاری تا انس با نماز، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.

، علل نمازگریزی و نقس رسانه در گسترش نماز، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.

ملک محمدی، مجید، ۴۰ نکته پزشکی پیرامون نماز، تهران، انتشارات معارف، ۱۳۷۶.

ملکی تبریزی، میرزا جواد، اسرار الصلاه، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۳.

موسوی خمینی، سید روح الله، آداب الصلاه (آداب نماز)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، بی تا.

ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.

نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، بی تا.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان –خیابان عبدالرزاق – بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای – کوچه شهید محمد حسن توکلی –پلاک ۱۲۹/۳۴– طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای


WWW